

## در برابر ناطق نوری ۲۰ میلیون نفر به خاتمی رای دادند

### ● در هراس از خشم مردم رفسنجانی با تقلب در آرای انتخابات مخالفت کرد

روز جمعه دوم خرداد ماه، دهها میلیون نفر از مردم کشور در یک اقدام بی سابقه و تاریخی، انتخابات ریاست جمهوری را به صحنه رسوایی رژیم تبدیل کردند و با دادن بیش از ۲۰ میلیون رای به محمد خاتمی، جامعه روحانیت مبارز، جمعیت مؤتلفه اسلامی، شورای نگهبان، رهبر حکومت، ۱۹۰ نفر از نمایندگان مجلس و ناطق نوری کاندیدای مورد حمایت آنان را دچار شکست مفتضحانه ساختند.

حرکت تاریخی مردم در روز دوم

خرداد که برخی آن را به «انقلاب دوم»، «زمین لرزه» و «برخی به شورش مسالمت آمیز علیه رژیم تشبیه کرده اند، بهت و حیرت همگان را برانگیخت. هیچ کس انتظار نداشت میلیون ها انسان، زن و مرد، پیر و جوان، شهری و روستایی، کارگر و کشاورز، باسواد و بیسواد برای بیان اعتراض خود علیه سیاست های رژیم، چنین سریع در اندیشه و عمل یکپارچه شوند و یکصدا به حکومت «نه» بگویند. مردم، همه را غافلگیر کردند. اکثر خبرها و گزارش ها بر آن

دلالت دارند که در روز دوم خرداد، حتی کسانی که تاکنون در هیچ یک از انتخابات شرکت نکرده بودند، مشتاقانه به حوزه های رای رفتند. ساعت ها انتظار کشیدند و رای خود را به نام کسی ریختند که با انتخاب و پیروزی او هم رهبر مخالف بود و هم مجلس، هم حزب الله مخالف بود و هم جامعه روحانیت مبارز و شورای نگهبان. مردم می دانستند شورای نگهبان خاتمی را برای بازارگرایی تایید کرده است، نه برای انتخاب. آنان بین ناطق نوری، سمبل رژیم،

کاندیدای «اصلاح رهبر» و «ذوب شده در ولایت فقیه»، و خاتمی که وعده «ایران بهتر»، «مبارزه با بی قانونی»، «عمل به قانون»، رسیدگی به خواسته های زنان و جوانان و تغییرات سیاسی و اجتماعی را داده است، خاتمی را انتخاب کردند. و به رژیم فهماندند که وعده های خاتمی را به کاندیدای «اصلاح» ولی فقیه ترجیح می دهند.

دو هفته پیش از رای گیری، هیچ یک از دو جناح که درگیر جنگ قدرت ادامه در صفحه ۳

روز یکشنبه ۱۱ خرداد، انتخابات هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با حضور ۲۴۸ تن از نمایندگان برگزار شد و همانطور که انتظار می رفت تغییر مهمی در ترکیب هیات رئیسه داده نشد. در این انتخابات، ناطق نوری رئیس مجلس در سمت خود ابقا شد و اکثریت نمایندگان با توجه به پیام خاتمی در روز چهارشنبه ۷ خرداد، به ناطق نوری رای دادند. طرفداران خاتمی قصد داشتند ترکیب هیات رئیسه را تغییر دهند و عبدالله نوری را به عنوان رئیس مجلس انتخاب کنند. آنان پیش از برگزاری انتخابات هیات رئیسه، گفتند: «با توجه به برآیند عمومی جامعه و انتخاب محمد خاتمی

به عنوان رئیس جمهور، باید ترکیب هیات رئیسه تغییر کند، اما طرفداران ناطق نوری بر این نظر بودند که جریان خارج از مجلس نباید بر انتخابات هیات رئیسه تاثیر بگذارد». در جلسه روز یکشنبه، نمایندگان، ناطق نوری را در دومین سال از فعالیت مجلس پنجم برای یک سال دیگر به ریاست مجلس برگزیدند. ناطق نوری با کسب ۲۱۱ رای از مجموع ۲۴۳ رای به مقام ریاست مجلس رسید. حسن روحانی و محمدی کرمانی به ترتیب با کسب ۱۷۹ و ۱۴۰ رای به عنوان نایب رئیس اول و نایب رئیس دوم انتخاب شدند. این دو تن، ادامه در صفحه ۳

### خاتمی در کنفرانس مطبوعاتی:

## زمان تثبیت جامعه مدنی در چارچوب قانون اساسی فرا رسیده است

### ● خاتمی: این رای، رای اعتماد به نظام، رهبری و انقلاب بود

محمد خاتمی که از روز دوازدهم مرداد ماه رسماً به عنوان رئیس جمهور آغاز به کار خواهد کرد روز سه شنبه گذشته در کنفرانس مطبوعاتی که با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی در تهران تشکیل شد در پاسخ به پرسش خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی مبنی بر این که چه برنامه هایی برای نزدیک کردن ایران با کشورهای

عربی و اسلامی دارد، گفت: ایران با کشورهای اسلامی و عربی مشترکات فراوانی دارد. ایران اسلامی خواستار توسعه و پیشرفت است و این توسعه نیازمند ایجاد امنیت در منطقه می باشد و ایجاد امنیت و توسعه در سایه همکاری های بین المللی تحقق می یابد. خاتمی افزود: بنابراین ایران خواستار نزدیکی کردن ایران با کشورهای



اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
**نتایج انتخابات ریاست جمهوری،  
بیانگر مخالفت مردم با حکومت فقهانی**  
در صفحه ۲

## اگر مردم حق انتخاب داشتند!

حضور گسترده و پیش بینی نشده مردم در انتخابات ریاست جمهوری و شکست خردکننده ای که بر نماینده مورد تایید رهبر و روحانیون بلند پایه جمهوری اسلامی وارد آوردند، شور و هیجانی را دامن زده است که در آن حتی برخی واقعیات آشکار، در حالی از کم توجهی قرار گرفته است. اگر این کم توجهی برای مردمی که پیروزی خود و شکست رژیم را شادمانه جشن گرفته اند، برای دوره ای تا شور و هیجان فرو بخوابد، قابل چشم پوشی باشد، برای نیروهای سیاسی دموکرات که باید کمتر اسیر موج احساسات شوند و دوراندیشانه تر به نتایج و ماهیت این انتخابات بنگرند، قابل چشم پوشی نیست.

در اروپا دیگر کسی از انتخابات ضد دموکراتیک در ایران سخن نمی گوید، سخن در باره «انقلاب در پای صندوق های رای» است. شاید در آن جا فرصتی می جویند تا آن چه را که در این چند ماهه طوفانی ویران شده است، از نو سر و سامانی دهند و پیروزی خاتمی «لیبرال و معتدل» را توجیهی برای ادامه مناسبات خود با تهران سازند، برای اپوزیسیون دموکرات جمهوری اسلامی چنین توجیهی وجود ندارد.

واقعیتی که حضور گسترده مردم در انتخابات و شکست سنگین ولی فقیه، شورای نگهبان و جناح قدرتمند حکومت اسلامی در آن تغییری نمی دهد، واقعیت به شدت ضد دموکراتیک این انتخابات است. تمامی به اتفاق سازمان های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی با توجه به حضور شورای نگهبان در راس این انتخابات و مشروط بودن نامزدی ریاست جمهوری به موافقت این شورا و دیکتاتوری سیاسی که بر کشور ماحکم است، اساساً نتوانستند نماینده ای برای شرکت در این انتخابات معرفی کنند. از ۲۳۸ نفر که در این انتخابات کاندیدا شدند، شورای نگهبان تنها صلاحیت ۴ نفر را مورد تایید قرار داد که هر ۴ نفر وابسته به حکومت، هر ۴ نفر مطیع ولی فقیه، هر ۴ نفر مدافع نظام جمهوری اسلامی بودند. همه امکانات فراوان و موج عظیم تبلیغات در خدمت آن قرار گرفت تا مردم ایران جز سخنان این چهار نفر و هواداران آنان را نشوند و از نظرات اپوزیسیون جمهوری اسلامی که به این انتخابات معترض بود، آگاهی نیابند. مثل همه دفعات پیشین، حکومت هیچ حق انتخابی را برای مردم، به جز در چارچوب حکومت اسلامی، باقی نگذاشت.

تلاش نیروهای سیاسی مخالف حکومت در این انتخابات، در اساس توضیح این حقیقت بود که این انتخابات انتخاباتی غیر دموکراتیک است و رژیم اسلامی در مورد آزادی انتخابات دروغ می گوید و مردم را از حق انتخاب محروم کرده است. اکنون رای ۲۰ میلیونی مردم به محمد خاتمی را می توان پشتوانه این حقیقت قرار داد که اگر مردم حق انتخاب واقعی داشتند، بدون تردید با کل این رژیم و همه نامزدهای مورد تایید آن همان می کردند که با نامزد مورد علاقه رهبر آن کردند. این است درس اساسی که از این انتخابات می توان گرفت. اپوزیسیون دموکرات رژیم به جای این که «با مردم بودن» را تشویق آنان به رای دادن به نماینده جناحی بشناسد که تبعیت از ولی فقیه را اصل اساسی فعالیت خود می داند، به جای آن که «با مردم بودن» را سهیم شدن در اجبار مردم برای خوردن داروی تلخی بداند که رژیم در برابر آنان قرار داد، باید این پتانسیل عظیم را دریابد و بر دامنه فعالیت خود برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک در ایران بیافزاید. اهمیت اساسی رای مردم در این نکته است که توده های وسیع مردم از این حکومت ناراضی اند و تحولات دموکراتیک و اساسی را طلب می کنند. این رای، آمادگی مردم برای تغییر، برای پایان دادن به جور و استبداد و حکومت ملایان را به اثبات رساند. پیش بینی ها در آن جا اشتباه بود که به این نیروی عظیم ناراضی بی توجه ماند و آن را به درستی نشناخت. اپوزیسیون دموکرات رژیم باید به این حقیقت به اندازه کافی تجهیز شود و مردم را نیز به این حقیقت تجهیز و در راه آن بسیج کند که همه موانع برای به دست آوردن حق واقعی انتخاب، در هر چهارچوب و در هر پوشش، را می توان و باید از سر راه برداشت. انتخابات اخیر در ایران نشان داد که نیرویی بی گران، بزرگتر و آماده تر از آن که تاکنون فکر می کردیم در این جهت وجود دارد. این نیروی بزرگ را باید در جهت کسب آزادی واقعی بسیج کرد و به حرکت درآورد.

## بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا:

### هنوز موانع بزرگی بر سر راه مصالحه با ایران وجود دارند

روز چهارشنبه ۷ خرداد، بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در اولین واکنش خود نسبت به انتخابات ریاست جمهوری در ایران، از پیروزی خاتمی استقبال کرد و آن را «تحول امیدوار کننده» در مناسبات طرفین خواند. رئیس جمهور آمریکا که در لندن در یک کنفرانس خبری سخن می گفت، تاکید کرد که هنوز موانع بزرگی در سر راه «مصالحه با ایران» وجود دارد. وی حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم، خصومت با صلح خاورمیانه و تلاش برای دستیابی و تولید

سلاح های کشتار جمعی را موانع عمده برای برقراری مناسبات عادی و گفتگوی واشنگتن و تهران خواند. دو روز پیش از کلینتون، نیکلاوس برنز سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نیز گفته بود که این کشور آماده است با جمهوری اسلامی بر سر موانع یاد شده گفتگو کند.

از زمان تیرگی و قطع رابطه سیاسی و دیپلماتیک ایران و آمریکا، این نخستین بار است که رئیس جمهور آمریکا بدون ملاحظات تبلیغاتی اما با طرح شروط، در راه گشایش تنش و

خصومت میان طرفین گام بر می دارد و رهبران جمهوری اسلامی را به گفتگوی مشخص دعوت می کند. اظهارات کلینتون بازتاب نظر آن دست از سیاست مداران با نفوذ آمریکاست که خواهان رفع اختلافات و عادی سازی مناسبات با ایران هستند. انتخابات ایران و اظهارات خاتمی بعد از پیروزی، در روز دوشنبه در کنفرانس مطبوعاتی که به طور مستقیم از شبکه سی.ان.ان آمریکا پخش شد، امکان آن را بوجود آورده که واشنگتن ادامه در صفحه ۳

## طالبان در شمال افغانستان به سختی شکست خورد

دوستان در قتل برادر وی داشته است. چنین برمی آید که انگیزه ژنرال پهلوان در جابجایی اردو، دلارهای نفتی طالبان است. طالبان در سال های گذشته بسیاری از فرماندهان مجاهدین را خریدند. این خود اگر نه تنها سنگ، دست کم یکی از بزرگ ترین سنگ های ساختمان جاده پیروزی طالبان بوده است. آنان در کنار پول قاچاق تریاک، دلارهای نفتی کسرن های فرامیلتی را نیز در کیسه

پس از آنکه ژنرال مالک پهلوان، که دست راست دوستان خوانده می شد، به طالبان پیوست، ژنرال دوستان راهی غیر از پرواز به آنکارا در پیش روی خود ندید. هنگامی که نیروهای طالبان به دهانه تنگه شیبیر رسیدند، ژنرال پهلوان در برابر ژنرال دوستان شورید، سه استان فاریاب، سمنگان و جوزجان را گرفت و پرچم طالبان را بر فراز آنان برافراشت. دستاویز پهلوان برای شورش در برابر دوستان آن بود که

دارند. در آغاز سال ۱۹۹۵ میلادی کسرن آمریکایی اونکال به همراه مؤسسه نفت دلتای عربستان سعودی قراردادی با طالبان امضاء کردند که بر پایه آن این شرکت ها بی درنگ پس از «آزادسازی» بخش های کوهستانی، اجازه کشیدن لوله های نفتی از آن بخش ها را دارند. این لوله باید گاز ترکمنستان را به دریای هند برساند. تا قبل از فرار دوستان، بیش از ۹۰ ادامه در صفحه ۱۲

### در این شماره

#### آری می توان

ملاحظاتی در باره سوسیالیسم

#### ف. تابان

صفحه ۶

#### نتیجه گیری هائی

از نتیجه انتخابات

#### امیر مبینی

صفحه ۷

#### در نقد عملکرد

و مواضع شورای مرکزی در انتخابات ریاست جمهوری

#### فرخ نگهدار

صفحه ۸

انتخابات ریاست جمهوری؛  
اعلام مخالفت مردم با ولایت فقیه

#### جمشید طاهری پور

صفحه ۹

# پیرامون انتخابات و رأی منفی قاطع مردم

**اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**  
**نتایج انتخابات ریاست جمهوری،**  
**بیانگر مخالفت مردم با حکومت فقهائی**

امروز با اعلام نتایج شمارش آراء و قطعی شدن پیروزی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، بار دیگر از اعتراض و مخالفت مردم با سیاست‌های برخاسته از نظام فقهائی حاکم بر کشور که سرکوب، خفقان و فقر و فاقه عمومی از شاخص‌های آن است، پرده برداشت.

در شرایطی که حق مردم در برگزاری رئیس‌جمهور به انتخاب یکی از ۴ کاندیدای مورد تأیید سران رژیم محدود شده بود و جناح حاکم از هیچ تلاشی برای به پیروزی رساندن ناطق‌نوری فروگذار نکرده بود، آرای سدید و آرای که مردم به نفع خاتمی به صندوق‌ها ریختند، معنایی جز مخالفت عمومی با سیستم مبتنی بر ولایت فقیه و اعتراض به پاسداران قسم‌خورده این سیستم که حول ناطق نوری گرد آمده بودند، ندارد. مردم در این انتخابات بسته و غیر دموکراتیک، گرایش و تمایل خود را به جمهوری یعنی نظامی که از امر و نهی دینی و فقهائی به دور باشد، به نمایش گذاشتند. مردم صراحتاً جمهوری را در برابر فقهائت قرار دادند و بار دیگر بر دستاورد بزرگ جمهوری در انقلاب بهمین مهر تأیید کوبیدند و پرچم مخالفت بی‌نظیر و چشم‌گیر با حکومت فقهی را بلند کردند. این انتخابات نشانه‌ای بارزی از آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم بود که در شرایط مسئولیت‌تالیف اپوزیسیون واقعی، شعارهای نسبتاً متفاوت خاتمی را به پرچم مقاومت و اعتراض خود در برابر سرکوب‌ها، آزادی‌گشائی‌ها، بیکاری، تورم و بی‌عدالتی اقتصادی بدل کردند و با رأی خود بار دیگر نیاز به تحول در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را به مدافعان نظام فقهائی گوشزد کردند.

کمتر نیروی تحول‌طلب و آزادی‌خواهی است که با آن دسته از شعارهای محمد خاتمی و هراداران او که در راستای تغییر و تحول نیم‌بند در سیستم کنونی کشور هستند، مخالفتی داشته باشد. اما واقعیت این است که در سیستم بسته فقهائی حاکم بر کشور همین شعارها نمی‌توانند امکان تحقق پیدا کنند و امیدهایی که مردم با رأی خود به خاتمی بسته‌اند، برآورده شود. برای تحقق این شعارها و فراتر رفتن از آن‌ها، یعنی برای رسیدن به نظام جمهوری واقعی و جدایی دین از دولت، شرط اول تشدید مخالفت و مقاومت عمومی و پیشبرد مبارزه‌ی پیگیر و همه‌جانبه علیه دشمنان حقوق و آزادی مردم و عقب‌نشاندن بازهم بیشتر آن‌ها است.

تنها در این صورت است که مقاومت و خیره‌سری مدافعان نظام ولایت فقیه در هم خواهد شکست و راه برای تحولات بیشتر به سود آزادی و عدالت اجتماعی گشوده خواهد شد. انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که بخش بزرگی از مردم ایران عزم خود را برای پیشبرد چنین مبارزه‌ی جزم کرده‌اند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
 ۳ خرداد ۱۳۷۶

انتخابات، فرصت خوبی بود تا شعارهای خود را به میان مردم ببریم. اولاً نمی‌توان منکر شد کسانی که مانند برخی از شخصیت‌ها و نیروهای آزادی‌خواه داخل کشور خواهان تحریم انتخاباتی ضدهمکراتیک شدند، کمتر از نیروهایی که به طرفداری از خاتمی دعوت کردند خواسته‌های خود را مطرح ساختند. ثانیاً خواسته‌های اصلی ما یعنی جدایی دین از دولت، برگزاری انتخابات واقعاً آزاد با شرکت همه نیروهای سیاسی، برقراری آزادی‌های کامل فدرالی، و سیاسی، خودمختاری اقلیت‌های ملی و برابری کامل حقوق زنان و مردان، در این انتخابات محلی از اعراب نداشت.

استدلال دیگر در توجیه شرکت در انتخابات می‌تواند چنین باشد که شرکت‌کنندگان در انتخابات، خود را از سهم داشتن در یک تلاش مردمی و همراهی با مردم محروم کردند. در مقابل، باید خاطر نشان کرد که پیوستن به هر حرکت سیاسی نمی‌تواند برای یک سازمان سیاسی پیشرو، اصلی مطلق باشد. ما که یک بار "فریب فریب توده‌ها" را خوانده‌ایم، اموخته‌ایم که دیگر به هر حرکت به صرف آنکه خصلتی توده‌ای دارد، نسیب‌بندیم. گاه امکان تأثیرگذاری بر روند آن بیرون، بیشتر است تا از درون. و گاه برای یک سازمان سیاسی این ضرورت وجود دارد که منافع کوتاه‌مدت خود را قربانی منافع درازمدت جنبش مردم برای آزادی و دموکراسی کند. این منافع درازمدت، ایجاب می‌کند که صدای هشدار درباره محدود بودن امکانات اصلاحات در درون جمهوری اسلامی خاموش نشود.

تا آنجا که به سیاست ما پس از رویدادهای اخیر مربوط می‌شود، ما به طرح خواسته‌های اصلی خود که بدون برچیده شدن نظام ولایت فقیه تحقق نخواهد یافت، بسنده نخواهیم کرد، بلکه به سهم خود خواهیم کوشید رئیس‌جمهور جدید را در برابر آزمون اصلی دوره مسئولیتش قرار دهیم؛ این آزمون که تا چه حد وعده‌های خود مبنی بر اجرای قانون و تسخیر آزادی‌ها را جدی می‌گیرد، این آزمون که تا چه حد در عمل به وعده‌های خود به ۲۱ میلیون رای وفادار است.

سازمان سیاسی علیرغم این محدودیت برای خود، دعوت به شرکت در چنین انتخاباتی کنند، در این نغی خود سهیم شده است. ما بر آنیم که کشور ما به نیروهای دموکرات، چپ و ملی برای غلبه برای بحران کنونی نیاز دارد، و حاضر نیستیم به حکومتی یادش دهیم که این نیروها را از امکان تأثیرگذاری بر امور کشور محروم می‌کند.

هر چند ما نیز معتقدیم رأی مردم، بیشتر رأی علیه سه کاندیدای دیگر بود تا رأی به خاتمی، اما نمی‌توان مقابلۀ مؤثری با این تبلیغ جناح پیروز در انتخابات نمود که این رأی، رأی به شعارها و برنامه او نیز بود. نگاهی به برخی از مهم‌ترین شعارهای خاتمی نشان می‌دهد که یک نیروی مخالف کل رژیم نمی‌توانست به این برنامه و شعارها رأی دهد: اجرای وصایای خمینی، حفظ کل نظام، ماندن در چارچوب "آزادی‌هایی که مغایر اسلام نباشد" وغیره.

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب شدید مخالفان، با کشتارهای مکرر زندانیان سیاسی، با ترور رهبران اپوزیسیون و نویسندگان و روزنامه‌نگاران، در روابط خود با اکثریت نیروهای سیاسی و روشنفکران جامعه، فساداتی تاریخی ایجاد کرده است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. هرگونه سالم‌سازی جدی فضای سیاسی ایران، مستلزم برخورد جدی به این گذشته‌سیاه است. این لکه تیره در تاریخ معاصر ایران را باید با شکستن سکوت درباره آن زدود تا نظیر آن هرگز تکرار نشود. پرداختن به این گذشته، باید یکی از خواسته‌های اصلی اپوزیسیون دموکرات باشد. در مقابل، دعوت رژیم به شرکت در بازی‌های انتخاباتی آن، دعوتی به مسکوت گذاشتن این گذشته‌ننگین نیز هست. هرکس هم که بتواند این سکوت را تحمل کند، نیرویی که در قبال سرنوشت صدها و هزاران قربانی مسئولیت دارد، نمی‌تواند. در برابر همه این انگیزه‌هایی که به تحریم شرکت در انتخابات از سوی ما منجر شد، چه انگیزه‌هایی می‌توانست مشوق دعوت به شرکت ما در انتخابات و رأی دادن به خاتمی باشد؟ می‌توان چنین استدلال کرد که

با این حال، از دوم خردادماه بدین سو، همه جناح‌های حکومتی ناگزیرند در محاسبات و تصمیم‌های خود عاملی را لاف‌درکنار عوامل دیگر مدنظر داشته باشند، که تاکنون مطمئن بودند می‌توانند بدون توجه به آن، امور را رتق و فتق کنند. این عامل، تأثیر حرکت مستقل مردم است. آینده نشان خواهد داد که اولاً این حرکت تا چه حد و چگونه در خارج از چارچوب انتخابات نیز ادامه خواهد یافت، و ثانیاً تأثیر آن بر روندهای درون حکومت تا چه حد خواهد بود. ما امیدواریم که انتخابات اخیر به گشایش‌های هر چه بیشتری در عرصه‌های مختلف بیانجامد. هر چند از دامن زدن به توهم درباره ابعاد این گشایش‌های احتمالی احتراز خواهیم کرد. امید ما به این گشایش‌ها در عین حال نشانه آن است احتمال وقوع آن را منتفی نمی‌دانیم، بدون اینکه دشمنان خود را به روی عووض نشدن صاهیت ضدهمکراتیک و ارتجاعی کل رژیم ببندیم.

واکنش‌های سخن‌گویان جناح‌های مختلف حکومت در قبال انتخاب خاتمی، حاکی از سیاستی است که آنها می‌خواهند از این پس در پیش گیرند و از این رو برای ارزیابی از تحولات آینده حائز اهمیت است. خامنه‌ای که چند روز پیش از انتخابات گفته بود "مگر می‌شود که من در مورد کاندیداها بی‌نظر باشم"، در دیدار چهارشنبه گذشته خود با مجلسیان، مدعی شد که تنها دعا و انتظارش از انتخابات، سی میلیون رأی بوده که برآورده شده است. رهبر جمهوری اسلامی در پیام خود به مناسبت انتخابات، کوشید شرکت مردم در رأی‌گیری را نشانه‌ای از جانبداری آنان از حکومت جا بزند. وی این واقعیت را که رأی مردم علیه ناطق نوری، اعتراض به حکومت بود، تبلیغات رسانه‌های خارجی امید و اظهار خوشوقتی کرد که خاتمی در نخستین مصاحبه مطبوعاتی خود پس از رأی‌گیری، "مشت محکم بی‌دهان آنها زده است". همه تلاش خامنه‌ای این است که وانمود کند با انتخابات دوم خرداد، هیچ چیز در جمهوری اسلامی تغییر نکرده است و نخواهد کرد.

رئیس‌جمهور نیز با این ادعا همراه شد. او در کنفرانس مطبوعاتی خود که پیش از مصاحبه مطبوعاتی خاتمی برگزار شد، گفت انتخاب خاتمی پدیده‌ای کیفیتاً نو نیست. از اظهارات رئیس‌جمهوری چنین برمی‌آید که می‌خواهد از موفقیت خاتمی در انتخابات، یعنی طردفاران خود بهره‌برداری کند. رئیس‌جمهوری مدعی شد که خاتمی در انتخابات مبلغ برنامه کارگزاران بوده است، و کوچکترین اشاره‌ای نیز بدین امر نکرده که اولاً خود خاتمی جزو جناح موسوم به خط امام نزدیک تر بوده است نه از طرفداران رئیس‌جمهوری، ثانیاً در دوره زمامداری رئیس‌جمهوری خاتمی که از زمان نخست‌وزیری موسوی وزیر ارشاد بود، ناگزیر شد از این مقام استعفا کند، و ثانیاً کارگزاران تنها بدین علت که رسالتی‌ها در ولع قبضه انحصاری قدرت، آنها را به بازی نگرفتند، ناچار شدند با چند هفته تأخیر از خاتمی اعلام حمایت کنند. اکنون موضعگیری رئیس‌جمهوری در قبال نتیجه انتخابات، چیزی جز سوار شدن بر موج نیست. رأی مردم علیه سیاست‌های حاکم، در عین حال رأی منفی به هشت سال ریاست جمهوری رئیس‌جمهوری نیز هست. این واقعیت‌گاه در گزارش‌های سنادی وزارت مطبوعات غربی از انتخابات که می‌نویسند خاتمی متعلق به جناح رئیس‌جمهوری است نیز نادیده گرفته می‌شود.

واکنش‌های نمایندگان جناح رسالت مانند ناطق نوری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نشان

اجتماعی، احساس دور ماندن از قافله تمدن و پیشرفت به علت سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی، بی‌آینده بودن جوانان در این نظام، تبعیض شدید جنسی و توهمین به شخصیت و حرمت زنان به مثابه نیمی از جامعه، همه در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده است. از سوی دیگر، تاکنون سابقه نداشت که جناح‌های مختلف حکومت، نتوانند بر روی یک نامزد ریاست جمهوری توافق کنند. در آستانه انتخابات اخیر، آشکار شده بود که رقابت کاندیدای جناح مغلوب با فرد مورد نظر جناح غالب، جدی است. مردم دریافته‌اند که می‌توانند با گذاشتن وزنه خود در کفه جناح ضعیف‌تر رژیم، حساب‌های جناح حاکم را برهم زنند.

عوامل خارجی نیز بدون تردید در این حادثه بی‌تأثیر نبوده است. سال‌ها بود که به نظر می‌رسید نسیم جهانی آزادی و دموکراسی و به دست گرفتن سرنوشت مردم به دست آنان، در مرزهای ایران به دیوار بلند استبداد فقهائی برمی‌خورد و فضای سنگین حاکم بر میهن ما را برمی‌آشوبد. اما در ماه‌های اخیر، عواقب مخرب انزوای بین‌المللی کشور ما عیان‌تر از هر زمان شد و حتی کشورهای اروپایی که سال‌ها از انزوای کامل جمهوری اسلامی جلوگیری کرده بودند، در نتیجه رأی دادگاه برلین ناگزیر از کنار گذاشتن سیاست گفتگوی انتقادی شدند. اینک شکاف در حصارهای بلندی که با آوندها به دور کشور ما کشیده‌اند، راه را برای وزش بادهای غربی گشوده است. مردم ما نیز دریافته‌اند که در عصر ارتباطات و علینیت، یک حکومت مستبد نمی‌تواند تا ابد تمایل مردم را جعل کند و اراده خود را به جای اراده مردم جا بزند. مردم ما حتی از رأی‌گیری غیردمکراتیک و محدود در چارچوب ولایت فقیه نیز برای آزمون دموکراسی بهره‌گرفته‌اند.

این حرکت و حضور گسترده مردم می‌تواند آغاز یک تحول کیفیتاً جدید در محتوا، شکل و روش و سطح و سمت مبارزاتی آن‌ها برای کسب آزادی‌های فردی و سیاسی و دیگر خواسته‌هایشان باشد. این امر باید با دقت و دور از هیجانات مقطعی بررسی شود.

ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و تحت‌الشعاع ولایت فقیه بودن "جمهوریت" این نظام، ایجاد تحولاتی را که رأی مردم می‌تواند در درون این نظام بدان بیانجامد، محدود می‌کند. سخن‌گویان همه جناح‌های حکومت، از خامنه‌ای گرفته تا رئیس‌جمهوری، ناطق نوری گرفته تا خود خاتمی، همگی هفته گذشته بر اولویت مقام "ولایت" بر جایگاه رئیس‌جمهور تأکید کردند. آرایش قوا در جمهوری اسلامی نیز با انتخابات ریاست جمهوری از این رو به آن رو نخواهد شد. اکثریت مجلس شورایی اسلامی طردفاران گرفته رسالت‌است. حدود دوسوم نمایندگان مجلس (۱۹۰ نفر) در آستانه انتخابات از ناطق نوری حمایت کردند. این اکثریت، در تعیین وزرا و تصویب قوانین، نقشی مهم خواهد داشت. قوه قضائیه جمهوری اسلامی در کنترل جناح رسالت است و تخریب نظام دادگستری عرفی به ویژه در سال‌های اخیر، این تسلط را مستحکم‌تر نیز کرده است. ارگان‌های تبلیغاتی، از رادیو و تلویزیون گرفته تا منابر و مساجد و بسیاری از روزنامه‌ها، در انحصار فقهائی‌های دوآتشه است. و بالاخره، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل و شاید مهم‌ترین آنها، باید از ارگان‌های مسلح سرکوب مسانند وزارت اطلاعات و سپاه و بسیج نام برد که گوش به فرمان آوندهای حاکم‌اند.

مجموعه این صحنه آرایش قوا، شرایطی را فراهم می‌کند که در آن، امکانات خاتمی برای تحقق آنچه در اجرای قانون اساسی وعده داده است، به شدت محدود است.

در روز جمعه دوم خردادماه، مردم ایران برای نخستین بار در هجده سال اخیر، ابتکار عمل سیاسی را از رهبری جمهوری اسلامی گرفتند و با رأی منفی قاطع خود به کاندیدای ولایت فقیه و روحانیت حاکم برای احراز سمت ریاست جمهوری، شکست سختی را به رژیم ملایان تحمیل کردند. حمایت و دخالت مهم‌ترین مراکز قدرت در حکومت اسلامی به نفع ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی، از اراده مردم ضعیف‌تر از کار درآمد. هیچ یک از عواملی که جناح راست حاکم برای تضمین موفقیت خود در انتخابات ریاست جمهوری به کار گرفته بود، مؤثر واقع نشد؛ نه هشدار یکجانبه خامنه‌ای به روزنامه‌های طرفدار خاتمی و حمایت ضمنی رهبر حکومت اسلامی از تبدیل شدن رادیو و تلویزیون دولتی از ماه‌ها قبل به تریبون تبلیغاتی ناطق نوری، نه سنگ تمام گذاشتن جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مثابه مهم‌ترین تشکل‌های آوندهای حاکم در تبلیغ به سود کاندیدای جناح رسالت، نه عریه‌گشائی‌های انصار حزب‌الله، نه صد‌ها میلیون تومان بودجه انتخاباتی ناطق نوری که از منابع دولتی و کمک‌های بازاریان تأمین شده بود، نه دفاع اکثریت امام‌جمعه‌ها از کاندیدای روحانیت قم و تهران، نه سفرها و سخنرانی‌های پرسروصدای ناطق نوری در مقام ریاست مجلس و در حقیقت به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری، نه دخالت و قبحانه شورای نگهبان از طریق رده‌بندی کاندیداها و نه تصرف ارگان‌های اجرایی انتخابات توسط جناح حاکم، نتوانست ناطق نوری را بر مسند ریاست جمهوری پشاند. آوندهای حاکم، و نه تنها آنان، در ارزیابی امکان تأثیرگذاری این اهرم‌ها بر روند انتخابات، مرتکب خطا شدند.

بی‌شک اگر خامنه‌ای و جناح راست حاکم می‌دانستند که نتیجه انتخابات چنین خواهد شد، از ماه‌ها قبل برای پیشبرد مقاصد خود تدبیرهای دیگری می‌انداختند.

همانگونه که رهبری جمهوری اسلامی در ارزیابی میزان کنترلی که بر اوضاع اعمال می‌کند دچار خطا شد، اپوزیسیون نیز به توان جناح حاکم رژیم برای رقم زدن سرنوشت انتخابات مطابق میل خود، پر پها داد. سازمان ما نیز مانند تقریباً همه نیروهای دیگر اپوزیسیون، پیش‌بینی می‌کرد که به احتمال بسیار قوی، آوندهای حاکم ناطق نوری را به جانشینی رئیس‌جمهوری نخواهند گمارد و تمایل بر تعیین این جانشین، محلی از اعراب نخواهد داشت. این پیش‌بینی، خطا بود. عزم مردم به استفاده از هر روزهای برای ابراز مخالفت با رهبری جمهوری اسلامی و جلوگیری از تحکیم قدرت جناح حاکم، یکپارچه‌تر و راسخ‌تر از آن بود که ما پیش‌بینی می‌کردیم. ما برآن بودیم که در شرایط فقدان تشکل‌های سیاسی و توده‌ای، امکان مردم برای تأثیرگذاری بر انتخابات کمتر از امکانات حکومت است. شگفتی بزرگ رویداد دوم خرداد این بود که مردم در آستانه رأی‌گیری، حتی بدون داشتن امکانات سازمان‌یافته برای عینی کردن تمایل خود، و تنها از طریق حرکت خودجوش، یکپارچه تصمیم گرفتند از فرصت استثنایی عدم توافق جناح‌های رژیم در تعیین رئیس‌جمهور، برای تضعیف جناح غالب استفاده کنند.

علل و ریشه‌های رویداد دوم خرداد را می‌توان به اختصار، از این قرار برشمرد: از بدو روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی بدین سو، هیچ گاه میزان نارضایتی و خشم مردم از عملکرد حکومت به حد سرکوب همه آزادی‌های فردی و اجتماعی، فساد دام‌گیر ارگان‌های حکومتی، بی‌عدالتی فاحش

## در برابر ناطق نوری

### ۲۰ میلیون نفر به خاتمی رای دادند

ادامه از صفحه اول  
هستند، نمی‌دانستند مردم چه خواهند کرد. آنان هنوز در بند ترتیب الفبایی اسامی کاندیدان و «اصلاح» و «غیر اصلاح» بودن ناطق نوری و خاتمی از نظر رهبر و مدرسان حوزه‌های علمیه قم، مشهد، اصفهان و... بودند.  
با آغاز تبلیغات رسمی، نگاه‌ها متوجه جوانان و زنانی شد که در شمال و جنوب تهران و سایر شهرها به صورت خودجوش برای خاتمی ستاد تبلیغات تشکیل داده‌اند و با پخش تراکت در مدارس و دانشگاه‌ها، شعارنویسی و چسباندن عکس‌های خاتمی بر دیوارهای شهر، شیشه تاکسی‌ها و اتومبیل‌های شخصی، مردم را زیر نام وی علیه ناطق نوری کاندیدای رسالت، جامعه روحانیت مبارز و رهبر حکومت بسیج می‌کنند.  
به دستور وزارت کشور صدها تن از این جوانان به بهانه جرایم انتخاباتی در تهران و شهرستان‌ها دستگیر شدند و خانه‌های آنان را «دشمن»، «غیر خودی» و «غیرمسلمان» خواند.  
هم‌زمان با بیشتر شدن شانس انتصاب خاتمی برای ریاست جمهوری، نگرانی در میان هر دو جناح بالا گرفت و بر فشار علیه خاتمی افزوده شد. طرفداران خاتمی نگران آن بودند که در آرای انتخاباتی تقلب شود و یا شورای نگهبان مانند انتخاب دوره پنجم مجلس، آرا حوزه‌های مهم را به نفع ناطق نوری باطل کند. احتمال تقلب چند روز مانده به برگزاری انتخابات چنان قوت گرفت که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای نسبت به تقلب در آرای انتخابات هشدار داد و هاشمی رفسنجانی نگران از رویارویی مردم با رژیم، آشکارا در خطبه‌های نماز جمعه از وزارت کشور و شورای نگهبان خواست فکر تقلب را از سر خود بیرون کنند. رفسنجانی گفت: «هیچ کس مایل نباشد از قانون تجاوز کند. هیچکس مایل

نباشد مردم را فریب دهد. هیچ کس مایل نباشد رقیب خود را بشکند و بدنام کند. سگری‌ها و ناظرها حق سوءاستفاده از پست و مقام خودشان را ندارند.»  
روز چهارشنبه، دو روز پیش از باز شدن حوزه‌های رای‌گیری خاتمی دریافت که مردم به شدت نسبت به توطئه‌های شورای نگهبان و وزارت کشور حساس شده‌اند. راه تقلب بسته شده و شکست ناطق نوری حتمی است. او صلاح را در آن دید که عقب‌نشینی کند و نگذارد شکست ناطق نوری، شکست ولی فقیه و حکومت تعبیر شود. خامنه‌ای در سخنان خود ضمن سرزنش تند رفسنجانی به دلیل علنی کردن احتمال تقلب در انتخابات، با حمایت از شورای نگهبان، وزارت کشور، رادیس و تلویزیون، گفت: «اجازه نخواهم داد که کسی به خود حق تقلب در انتخابات را که عملی خلاف شرع و اخلاق سیاسی است بدهد و چنین کاری هرگز انجام نخواهد شد و نخواهم گذاشت که خدای ناکرده مسئله انتخابات حتی اندکی مخدوش شود». وی در ادامه با اشاره به سخنان رفسنجانی افزود: «برخی خیال کردند حالا چه دارد اتفاق می‌افتد، من، بخصوص از رئیس جمهور محترم استفسار کردم، گفتم شاید ایشان خبری دارند. گفتند نه، من در همه انتخابات‌ها سفارش می‌کنم که تقلب نکنند.»  
در همان روز، روزنامه ابرار و رسالت با تیر درشت به نقل از مهدوی کنی نوشتند: «حدس می‌زنیم نظر مقام معظم رهبری به ناطق نوری است». مهدوی کنی به ابرار گفت: «سخنان رهبر انقلاب با مبلغان و علما در مورد مراجعه به علما و در ملاقات با مسئولان صدا و سیما خیلی واضح است. با توجه به آشنایی به سبک تفکر سیاسی و فرهنگی معظم‌له، اگر نگوئیم اکثریت مردم، لاقائل نزدیکان

## خاتمی در کنفرانس مطبوعاتی:

### زمان تثبیت جامعه مدنی

### در چارچوب قانون اساسی فرا رسیده است

برنامه‌های ما پذیرش تنوع و تکثیر در درون نظام و قانون و وحدت و همبستگی در برابر تهدیداتی که از بیرون متوجه نظام است. خاتمی تأکید کرد: شعار ما قانونی تر شدن هر چه بیشتر جامعه است.

#### زنان در هیأت دولت

خاتمی در باره حضور زنان در هیأت دولت جدید گفت: زنان ما بعد از انقلاب موقعیت ممتازی را در جامعه به دست آورده‌اند. کار دولت این است که امکانات و فرصت‌های مساوی برای زنان فراهم کند تا در کنار تقویت بنیان خانواده، زمینه‌های مشارکت اجتماعی زنان نیز فراهم شود.

خاتمی افزود: هیچ معنی برای حضور زنان در بالاترین رده‌های مدیریت کشور نمی‌بینم و قبول مسئولیت‌ها منوط به شایستگی‌ها و مهارت‌ها و نه جنسیت است.

خبرنگار ایران‌نیوز از خاتمی پرسید با توجه به آرای ۲۰ میلیونی مردم به جناب‌عالی، تحلیل‌گران معتقدند مردم به آزادی‌های مدنی رای دادند. اگر چنین است، شما چه برنامه‌هایی دارید؟ خاتمی اظهار کرد: ما با برنامه‌های سازندگی به ثبات و اقتدار کنونی رسیده‌ایم و بهترین فرصت برای تثبیت جامعه مدنی در چارچوب قانون اساسی با هدایت‌ها و رهبری مقام معظم رهبری و حمایت مردم، فرا رسیده است.

خاتمی در پاسخ به این پرسش که برای جوانان چه برنامه‌هایی دارد، گفت: طرح مشکلات جوانان با حضور و مشارکت خود جوانان باید حل شود و ما باید زمینه حضور جوانان را در عرصه‌های علمی، آموزشی، سیاسی، فرهنگی و ورزشی فراهم آوریم. خاتمی در پایان مصاحبه با اشاره به روابط جمهوری اسلامی با مصر و روند صلح خاورمیانه تأکید کرد که جمهوری اسلامی در امور داخلی فلسطین و اعراب دخالت نخواهد کرد.

ادامه از صفحه اول  
ایران می‌تواند حدس بزنند که منظور ایشان کیست... ما می‌توانیم حدس بزنیم که نظر معظم‌له به آقای ناطق نوری است.»  
درگیری جناح رسالت و جامعه روحانیت مبارز با خاتمی تا آخرین لحظات ادامه داشت. روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت در حالی که چند ساعت پیشتر به پایان فرصت تبلیغات کاندیداها نمانده بود، وزارت کشور دستور داد مأموران انتظامی دفتر روابط عمومی و ستاد تبلیغات وی را ببندند و از سخنرانی او در استادیوم ورزشی آزادی جلوگیری کنند.

نیمروز سوم خرداد در حالی که هنوز نیمی از آرا شمارش نشده بود، خبر شکست ناطق نوری در ایران و خارج از ایران بازتاب یافت. میلیونها نفر که لحظه به لحظه در انتظار شنیدن نتایج انتخابات بودند، به نشانه پیروزی علیه ولایت فقیه به خیابانها ریختند و با روشن کردن چراغ اتومبیل‌ها، پخش گیل و شیرینی به جشن و شادمانی پرداختند. ناطق نوری نخستین کسی بود که به خاتمی پیام تبریک فرستاد. عصر روز سه‌شنبه ستاد انتخابات وزارت کشور آمار نهایی را انتشار داد. از ۲۹ میلیون و ۷۶ هزار و ۷۰ رای، ۲۰ میلیون و ۷۸ هزار و ۱۷۸ رای به نام خاتمی به صندوق‌ها ریخته شده بود. ناطق نوری ۷ میلیون و ۲۲۲ هزار و ۸۵۹ رای، سید رضا زورزادی ۷۷۱ هزار و ۴۶۰ رای و محمد محمدی ری‌شهری ۷۴۲ هزار و ۵۹۸ رای کسب کردند. در گزارش وزارت کشور جمعیت دارنده حق رای ۲۳ میلیون نفر ذکر شد. خاتمی از روز دوازدهم مرداد رسماً کار خود را آغاز خواهد کرد. از هم اکنون پرسش‌ها و انتظارات آغاز شده است. رئیس جمهور با وعده‌هایی که به مردم داده است چه خواهد کرد. آیا می‌توان هم متحد به ولایت فقیه بود و هم طرفدار آزادی؟

وی در مورد دولت جدید، رای اعتماد مجلس به آن و مشکلات احتمالی میان دولت و مجلس که ریاست آن با ناطق نوری است، گفت: نظام ایران اسلامی، نظام جالفقده‌ای است، دستگاه‌ها در جایگاه قانونی خود قرار دارند و در راس این نظام رهبری است و من فکر نمی‌کنم با مشکلی مواجه شوم.

خبرنگار سی.ان.ان. از خاتمی پرسید: ۲۰ میلیون نفر رای خود را برای ایجاد تغییرات و تضمین آزادی‌های مدنی به صندوق‌ها ریختند. از این میزان رای تعجب کردید؟ خاتمی پاسخ داد: من به این میزان رای افتخار می‌کنم و به همان اندازه احساس سنگینی وظیفه می‌کنم، اما این رای، رای اعتماد مردم به نظام، رهبری و انقلاب بود. وی گفت: رای مردم در حقیقت رای به نظام بود که ارزش والایی برای آن قایل هستند زیرا که این انقلاب را به بهای سنگینی به دست آوردند و حاضر نیستند به سادگی از آن دست بردارند. خاتمی افزود: نظام ما یک نظامی است که آزادی در آن جایگاه والایی دارد و همه مردم قدرت انتخاب دارند. وی تأکید کرد: طبیعی است من به برنامه‌هایی که عرضه داشتم وفادار خواهم بود و سعی می‌کنم از مجاری قانونی و با هماهنگی دستگاههای ذیربط این برنامه‌ها به اجرا درآید. خاتمی اظهار داشت: انتخابات ما، مشارکت و انتخاب در درون نظام بود و نه اعتراض به نظام و از این پس نیز مشارکت مردم تقویت خواهد شد. خاتمی درباره برقراری روابط

## بازی قدرت در سواحل خزر

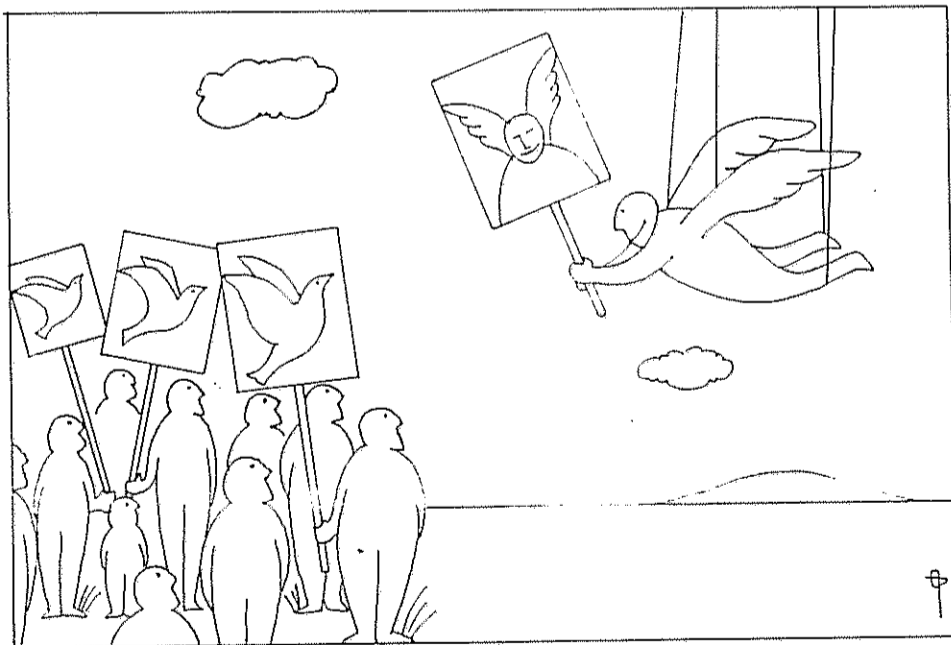
ارمنی‌هایی که در این کشور زندگی می‌کنند کمک‌های مستقیم به آذربایجان را ممنوع نموده است.»  
از سوی دیگر روسیه با تحت فشار قرار دادن آذربایجان و سایر کشورهای حوزه دریای خزر در پی آن است که تسلط و نفوذ خود بر ذخایر نفت و گاز این منطقه را حفظ نماید. روسیه در سالهای گذشته بیش از یک میلیارد دلار اسلحه به ارمنستان صادر نمود که با تقویت بنیه نظامی این کشور در جنگ با آذربایجان راه احتمالی صدور نفت این کشور از طریق ترکیه بسته شد. ترس حیدر علی‌اف از صدور اسلام‌گرایی از جانب جمهوری اسلامی و هراس این یکی از ناسیونالیسم آذری و عدم واگذاری کنسرسیوم حفاری نفت منطقه به جمهوری اسلامی باعث گردیده است که تمامی شالوده‌های نفتی این منطقه به بندرهای روسی واقع در دریای سیاه ختم شود.

درست زمانی که ناتو گسترش خود تا مرزهای روسیه را جشن می‌گیرد، بازی جدید و با اهمیتی استراتژیک آغاز گردیده که ذخایر نفت و گاز دریای خزر موضوع این بازی است.  
کاسپار واینبرگر وزیر دفاع سابق ایالات متحده اخیراً طی مقاله‌ای به دولت کلینتون گوشزد نموده است که اگر آمریکا خواستار کاهش وابستگی خود از منابع نفت و گاز در خاورمیانه است باید از منافع استراتژیک خود در مناطق نفتخیز دریای خزر دفاع نماید. وی از سیاست دولت ایالات متحده در مقابل آذربایجان که تا سال ۲۰۱۰ قادر به صدور روزانه دو میلیون بشکه نفت خواهد بود انتقاد می‌نماید و می‌گوید: «دولت آمریکا بعد از اسرائیل به ارمنستان که نیروهای روسی را در خاک خود مستقر نموده است بیشترین کمک‌های نقدی را می‌نماید و کنگره آمریکا تحت فشار

## احتمال محاکمه فرج سرکوهی

همه‌جانبه علیه هنرمندان و نویسندگان آزادی خواه کشورمان که دستگیری سرکوهی نیز بخشی از آن بود، سعی کرد با وارد کردن اتهامات سخفانه به هنرمندان و نویسندگان از گسترش مبارزات صنفی - سیاسی آنان جلوگیری کند.  
تلاش برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط فرج سرکوهی وظیفه همه ما است.

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد در روزهای آتی فرج سرکوهی نویسنده سرشناس و سردبیر سابق نشریه آدینه را به پای میز محاکمه بکشاند. بر حسب اطلاعات رسیده فرج سرکوهی در یک تماس تلفنی با یکی از اعضای خانواده‌اش گفته است که در هفته آینده او را محاکمه خواهند کرد. وزارت اطلاعات رژیم چند ماه پیش با برآه انداختن یک توطئه



## ناطق نوری با حمایت نمایندگان جناح مخالف رئیس مجلس شد

ادامه از صفحه اول  
در غیاب ناطق نوری وظایف و اختیارات وی را برعهده خواهند داشت. خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارش خود توضیح نداد آیا به جز ناطق نوری کسی دیگر هم از جناح مخالف برای کسب ریاست مجلس نامزد شده بود و اگر بود چند نفر از نمایندگان به وی رای دادند.  
در انتخاب هیات رئیسه مجلس، همچنین محمد رضا مژدی زاده با ۱۶۱ رای، دري نجف‌آبادی با ۱۶۰ رای، محمد باقر نوبخت با ۱۵۹ رای، محمد رضا باهر با ۱۵۱، حسن غفوری‌فر با ۱۴۳ و امیدوار رضایی با ۱۴۲ رای به عنوان منشی برگزیده شدند. محمود محمود جمالی به ترتیب با ۱۴۵ و ۱۴۹ رای به سمت کارپردازان مجلس انتخاب شدند. هیات رئیسه جدید از روز ۱۶ خرداد ماه کار خود را آغاز خواهد کرد.

## بیل کلینتون رئیس

### جمهور آمریکا:

### هنوز موانع

### بزرگی بر سر راه

### مصالحه با ایران

### وجود دارند

ادامه از صفحه اول  
و تهران به‌طور جدی به سمت رفع موانع عمده در مناسبات دو کشور نظر بیاندازند.

خاتمی در این مصاحبه منشا تیرگی روابط دو کشور را ناشی از سیاست دولت آمریکا دانست و از آمریکا خواست گام نخست را در راه رفع منشا تیرگی روابط بردارد. خاتمی گفت اساس رابطه ایران با آمریکا با تکیه بر استقلال و منافع ملی ایران است و تغییر در سیاست ایران در قبال آمریکا، منوط به تغییر روش آمریکا در قبال ایران است که ما متأسفانه نشانه‌هایی از این تغییر در سیاست آمریکا را نمی‌بینیم.  
مشکل، اکنون آن است که گام نخست را کدام طرف بردارد و در ایران در جمع رهبران جمهوری اسلامی چه اندازه آمادگی برای برداشتن این گام وجود دارد. و دانشگن تأیید امید به گشایش در مناسبات دو کشور را «کاذب» می‌داند.

## شاهکار «حزب باد» در جمهوری اسلامی

«حزب باد» حزبی است فاقد برنامه و ساختار تشکیلاتی و خط مشی تابع جیب و جاه و مقام آدم‌های این‌لوتی است که به آن می‌پیوندند و در جمهوری اسلامی تنها حزبی که بدون مانع مشغول فعالیت است، همین حزب باد است. در این حزب هم «مقام معظم رهبری» عضو است و هم بسیاری از مهره‌های ریز و درشت حکومت. همین که آقای خامنه‌ئی پیش از انتخابات ریاست جمهوری، مردم را به «انتخاب اصلاح» فرامی‌خواند و با هزار ایما و اشاره هم به آنها می‌فهماند که «صالح‌تر» از ناطق‌نوری وجود ندارد و همین که او روز بعد از انتخاب خاتمی، خود را به کوچک‌پی‌ها حاشا می‌زند و مدعی بی‌طرفی در انتخابات می‌شود نشان‌دهنده آن است که «مقام معظم رهبری» و «ولی رهبر مسلمین» صدارت حزب باد را هم در انحصار

## چرا ۳۳ میلیون نفر؟

سردمداران جمهوری اسلامی آنجا که پای منافعشان در میان باشد از دست‌کاری در ارقام و آمار ایایی ندارند. یکی از آخرین «شاهکار» های آنان در این زمینه اعلام رقم ۳۳ میلیون به‌عنوان تعداد دارندگان حق رای می‌باشد.

بسیاری از رسانه‌های گروهی ایرانی و بین‌المللی نیز بدون آن‌که کنکاشی در مورد صحت این رقم داشته باشند، آن‌را منعکس کرده‌اند. این رقم در حقیقت چند میلیون از تعداد واقعی واجدان حق رای در زمان برگزاری انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری رژیم کمتر است.

نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ هنوز به طور کامل انتشار نیافته است. تازه در اواخر اردیبهشت‌ماه اعلام شد که رقم قطعی جمعیت کشور در زمان سرشماری، ۶۰ میلیون و ۵۵ هزار نفر بوده است و رقم ۵۹/۵ میلیونی اعلام شده‌ی قبلی نادرست می‌باشد.

با توجه به اینکه تعداد متردین ثبت شده‌ی سال ۱۳۷۵ حدود یک میلیون و ۱۹۰ هزار نفر و تعداد فوت‌شدگان حدود ۱۹۰ هزار نفر بوده است می‌توان برآورد کرد که در ۴ ماهه‌ی آخر سال ۷۵ (پس از سرشماری) و ۲ ماهه‌ی اول

## خبرهای کوتاه

### قزوین بالاخره استان شد

مجلس شورای اسلامی پس از چند سال کشمکش نهایتاً مجبور شد که به استان شدن قزوین تن دهد. اگر این اتفاق چند سال پیش روی می‌داد و مجلس رژیم در چند سال پیش با استان شدن قزوین موافقت می‌کرد، اکنون آن عده از هم‌پیمان قزوینی که در جریان اعتراض به تصمیم مجلس توسط نیروهای سرکوبگر رژیم کشته شدند، در میان عزیزانشان بودند.

بر اساس طرح مصوبه، شهرستان تاکستان به استان قزوین ملحق می‌شود و در استان زنجان دو شهرستان ایجرود و طارم به مرکزیت شهر زرین‌آباد و شهر آب‌بر ایجاد می‌شود.

### تعمیم نظام جدید آموزشی

محمدعلی نجفی وزیر آموزش و پرورش رژیم اعلام کرد که به منظور تعمیم نظام جدید آموزشی به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی طرحی تهیه شده است. وی گفت: در سال تحصیلی آینده از تمامی دانش‌آموزان در نظام جدید آموزشی ثبت‌نام می‌شود و سال تحصیلی جدید از ۱۵ شهریور آغاز می‌شود. نظام جدید آموزشی تاکنون تنها در سطح مدارس متوسطه و آن‌هم نه به‌صورت فراگیر اجرا شده است.

### خطر نابودی صدف محار در خلیج فارس

خانم جمیلی کارشناس زیست‌شناسی دریا اخیراً اعلام کرد که آلودگی نفتی بر روی تولیدمثل صدف محار که تولیدکننده‌ی گوشتی خاصی مروریس در خلیج فارس می‌باشد، تأثیرات مخرب و جبران‌ناپذیری گذاشته است و در اثر آن تعداد این نوع از صدف‌ها در برخی مناطق مانند سواحل جزیره‌ی لانوان، از ۱۰ تا ۳۰ عدد به ۵ تا ۱۰ عدد در مترمربع کاهش یافته است. به گفته‌ی این خانم کارشناس، با توجه به وجود ده‌ها پایانه‌ی نفتی در خلیج فارس، انتظار نمی‌رود که آلودگی نفتی از حد کثونی کمتر شود، و از این رو می‌توان گفت که نسل صدف‌محار رو به انقراض است. این نوع صدف توسط هزاران صیاد مروریس نیز صید می‌شود.

### واردات روغن «خوراکی» بیماری‌زا

سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالاها و خدمات ماه گذشته اعلام کرد که سازمان شهر و روستا ۲۰۰۰ تن کاردن روغن خوراکی را که براساس نظر معاون درمان و دارویی دانشگاه علوم پزشکی تهران به علت دارا بودن مقادیر زیادی پرواکسید غیر قابل مصرف و خطرناک می‌باشد، وارد کرده است. علاوه بر واردات این چینی‌های کالاهای خوراکی مصرفی که در هنگام خرید اغلب بدون بررسی کافی صورت می‌گیرد و بسیار اتفاقی می‌افتد که غیر قابل استفاده بودن آن پس از ورود به کشور نیز از نگاه تیزبین کارشناسان تغذیه هم دور نماند، هرساله بخش زیادی از مواد غذایی از راه قاچاق وارد کشور می‌شود که بدون انجام هرگونه نظارتی بر سلامت آن توزیع می‌گردد.

### ممنوعیت سفر به جزیره‌ی قشم

مستولان جزیره‌ی قشم اعلام کرده‌اند که به علت هجوم مسافران و کمبود ارزیاها گمرک برای ترخیص کالاهای همراه مسافران، سفر به این جزیره تا مدتی ممنوع خواهد بود و تا مدتی کارت سبز ویژه‌ی ترخیص اجناس صادر نخواهد شد. به شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی توصیه شده است که از فروش بلیت مسافرت به قشم خودداری کنند. به گفته‌ی فرماندار قشم صف ترخیص کالا بسیار طولانی است و مسافران باید شب را نیز در صف بگذرانند.

### تصویب طرح محاسبه مهریه به نرخ روز

طرح محاسبه‌ی مهریه به نرخ روز هفته‌ی گذشته سرانجام پس از مدت‌ها بحث و گفتگو در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در اختیار شورای نگهبان قرار گرفت. بر اساس این طرح در صورتی که مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه‌ی زمان تأدیه، نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود محاسبه و پرداخت خواهد شد.

### نیاز هر مزگان به ۴ هزار کلاس درسی

کارشناسان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس اعلام کردند که استان هرمزگان برای جبران کمبود فضاهای آموزشی نیاز به ۴ هزار کلاس درس جدید دارد. آنها اعتبار لازم برای ساخت و ساز واحدهای آموزشی در این استان را ۲۴ میلیارد تومان تخمین زده‌اند.

### پالایشگاه بندرعباس در مراحل پایانی

پالایشگاه بندرعباس که هزینه‌ی احداث آن ۱/۲۵ میلیارد دلار بوده است، قرار است تا شهریور ماه به بهره‌برداری برسد. این پالایشگاه با تولید ۲۳۲ هزار بشکه در روز بعد از پالایشگاه آبادان با تولید ۳۲۰ هزار بشکه در روز و پالایشگاه اصفهان با تولید ۲۸۱ هزار بشکه در روز از لحاظ ظرفیت فرآوری در رده‌ی سوم قرار می‌گیرد. مستولان اقتصادی حکومت برآورد می‌کنند که با بهره‌برداری از این پالایشگاه، کشور از نظر تأمین نیاز داخلی فرآورده‌های نفتی کاملاً گردد.

### بازنشستگی و هزینه‌های درمانی

جعفر سلطانی رئیس کانون بازنشستگان اعلام کرد که بیش از یک میلیون نفر از بازنشستگان در کشور نیاز به درمان دارند و درمان این عده به دلیل کپولت سن و ابتلا به بیماری‌های مختلف نیاز به هزینه‌های زیادی دارد که بدون کمک دولت میسر نیست. وی با توجه به پایین بودن مستمری بازنشستگان و گرانی خدمات درمانی از مستولان خواست که امکانات بیشتری در اختیار بازنشستگان قرار داده شود. سلطانی گفت: دفتربه‌ی بیمه درمانی که بازنشستگان در اختیار دارند امکانات درمانی لازم را برای آنها فراهم نمی‌کند و اصلاح قوانین بیمه درمانی برای مقطع بازنشستگی ضروری است.

سردمداران جمهوری اسلامی آنجا که پای منافعشان در میان باشد از دست‌کاری در ارقام و آمار ایایی ندارند. یکی از آخرین «شاهکار» های آنان در این زمینه اعلام رقم ۳۳ میلیون به‌عنوان تعداد دارندگان حق رای می‌باشد.

بسیاری از رسانه‌های گروهی ایرانی و بین‌المللی نیز بدون آن‌که کنکاشی در مورد صحت این رقم داشته باشند، آن‌را منعکس کرده‌اند. این رقم در حقیقت چند میلیون از تعداد واقعی واجدان حق رای در زمان برگزاری انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری رژیم کمتر است.

نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ هنوز به طور کامل انتشار نیافته است. تازه در اواخر اردیبهشت‌ماه اعلام شد که رقم قطعی جمعیت کشور در زمان سرشماری، ۶۰ میلیون و ۵۵ هزار نفر بوده است و رقم ۵۹/۵ میلیونی اعلام شده‌ی قبلی نادرست می‌باشد.

با توجه به اینکه تعداد متردین ثبت شده‌ی سال ۱۳۷۵ حدود یک میلیون و ۱۹۰ هزار نفر و تعداد فوت‌شدگان حدود ۱۹۰ هزار نفر بوده است می‌توان برآورد کرد که در ۴ ماهه‌ی آخر سال ۷۵ (پس از سرشماری) و ۲ ماهه‌ی اول

### محاكمه عاملان سقوط هواپیمای فوکر

هنگامی که در ۲۰ مهرماه ۱۳۷۳ هواپیمای فوکر ۲۸-۲۰ شرکت هواپیمایی آسمان در نزدیکی اصفهان به دلیل نقص فنی سقوط کرد و حادثه به مرگ ۶۶ نفر مسافر و خدمه‌ی آن منجر شد. روشن بود که علت اصلی سقوط، فرسودگی هواپیمای خریداری شده و نقص فنی ناشی از آن بوده است.

قرار بود در ۲۷ مهرماه ۱۳۷۴ صادر شود به طور ناگهانی به تعویق افتاد. هفته‌ی پیش پس از گذشت یک سال و هشت ماه از قرار تعویق دادگاه رأی نهائی‌اش را اعلام کرد.

براساس این رأی، علی عابدزاده مدیرعامل شرکت خدمات هوایی آسمان به همراه ایرج رونقی معاون پشتیبانی و مهندسین این شرکت، عبدالرضا ونایب معاون سازمان هواپیمایی کشوری و عزت‌الله بابایی مدیرکل مهندسی و قابلیت پرواز سازمان هواپیمایی کشوری به یک سال حبس و محمدرضا نوری سرپرست گروه فنی هواپیمایی شرکت آسمان به چهارماه حبس محکوم شدند.

هم‌چنین مطابق رأی دادگاه همدهی متهمان به‌طور مساوی به پرداخت دیه به وابستگی ۶۳ نفر از قربانیان محکوم شدند.

علاوه بر متهمان، شرکت آسمان نیز محکوم به پرداخت ۲۵۵ هزار فرانک غرامت (هر فرانک معادل ۶۵/۵ میلی‌گرم طلا با عیار ۹۰۰ هزارم) به پول رایج ایران در حق سه تن از مسافران فوت شده به‌طور جداگانه با اسمی: امیرحسین عبدلی، محمدتقی رنگساز و محسن نیک‌فرجام و برای اشخاصی که به همراه داشته‌اند شده است.

علی عابدزاده رئیس وقت شرکت هواپیمایی آسمان در آن هنگام در دادگاه اولیه‌ی که برای بررسی چگونگی خرید این هواپیمای فرسوده که قبل از خرید نیز یک‌بار دچار حادثه شده بود، تشکیل گردید، از دادن توضیح کافی امتناع کرد و اعلام کرد که از فاش کردن اطلاعات خود منع شده است.

شهادت کارشناسان حاکی از این بود که شرکت آسمان با وجود اطلاع از نقص فنی این هواپیمای خلبان را وادار به پرواز کرده است.

در آن زمان رئیس دادگاه، عابدزاده را به جرم پنهان ساختن نقص فنی با قرار وثیقه‌ی دو میلیارد تومانی روانه‌ی زندان ساخت، اما بعد از ۵ روز، اکبر ترکان وزیر راه و ترابری رژیم وثیقه را پرداخت و وی را از زندان آزاد کرد.

متعاقباً با اعمال فشار مقامات دولتی، اعلام رأی دادگاه که

شهادت کارشناسان حاکی از این بود که شرکت آسمان با وجود اطلاع از نقص فنی این هواپیمای خلبان را وادار به پرواز کرده است.

در آن زمان رئیس دادگاه، عابدزاده را به جرم پنهان ساختن نقص فنی با قرار وثیقه‌ی دو میلیارد تومانی روانه‌ی زندان ساخت، اما بعد از ۵ روز، اکبر ترکان وزیر راه و ترابری رژیم وثیقه را پرداخت و وی را از زندان آزاد کرد.

متعاقباً با اعمال فشار مقامات دولتی، اعلام رأی دادگاه که

### عضویت در کنسرسیوم نفتی دریای خزر

شرکت نفت جمهوری آذربایجان (سوکار) ۱۰ درصد از سهام بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی تالش‌دیز و لنکران‌دیز را به یک

### فرسایش شدید خاک در بجنورد

کارشناسان می‌گویند در برخی حوزه‌های آب‌خیزداری بجنورد میزان فرسایش خاک در هر ثانیه ۱۲ تن و معادل ۵ متر مکعب خاک است.

در ۴۰ سال گذشته معادل ۷۶۲۵ هکتار از اراضی حوزه آب‌خیزداری رودخانه‌ی اشترک بر اثر فرسایش نابود شده است.

### ماهی خاویار به‌زودی نابود می‌شود

دولت‌ها و قاچاقچیان منطقه آینده‌نگرانه به چنین محدودیتی حتماً برای مدتی کوتاه تن دردهند.

این امر برای قاچاقچیان به معنی چشم‌پوشی از درآمدی کلان و برای دولت‌های منطقه به معنی بی‌کاری تعداد زیادی از مساهلگران و دست‌اندرکاران تهیه‌ی خاویار می‌باشد.

تهرانی در هفته‌ی آخر اردیبهشت‌ماه بیش‌از ۱۵۱ میلیون و ۸۵۰ هزار مترمکعب آب مصرف کرده‌اند که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳/۱۶ درصد افزایش داشته است.

روابط عمومی این شرکت اعلام کرده است که با توجه به کاهش بارش برف در زمستان گذشته و افزایش تقاضای آب نسبت به عرضه‌ی آن، قطع آب در تابستان امسال برای مشترکین پرمصرف اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. کارشناسان این شرکت معتقدند که حد طبیعی مصرف آب برای هر نفر در طول شبانه‌روز ۱۵۰ لیتر می‌باشد و رقم کثونی در تهران که به‌طور متوسط ۳۰۵ لیتر است، بیش از دوبرابر الگوی مصرف می‌باشد.

### قیمت نان باز هم افزایش یافت

است. عامل افزایش قیمت نان دانسته‌اند. اما در مقابل مسئولان دولتی بدون آنکه بر میزان یارانه‌ی دولتی بیفزایند، مدعی‌اند از آنجا که قیمت آرد در ماه‌های گذشته زفونی نیافته است، دلیلی برای گران شدن قیمت نان وجود ندارد. نان غذای اصلی محروم‌ترین مردم زحمتکش میهن ماست. بالارفتن مداوم قیمت نان، گذران زندگی را برای کم‌درآمدترین مردم کشور دشوارتر از پیش می‌سازد. دولت موظف است تا زمانی که فقر و گرسنگی از کشور ریشه‌کن نگردیده است، با اختصاص یارانه‌ی کافی برای اصلی‌ترین مایحتاج زندگی و کنترل قیمت‌ها از طریق اصولی، مانع تباهی و گرسنگی محروم‌ترین اقشار جامعه گردد.

شرایط منتشره در داخل کشور این هفته و هفته‌ی گذشته بار دیگر از افزایش غیررسمی قیمت نان در نقاط مختلف کشور خبر دادند.

روزنامه‌ی رسالت یکشنبه‌ی این هفته نوشت که در شهر کرج، قیمت یک نان لواش ۵۰ ریال، تانژون ۵۵ ریال، بربری ماشینی ۳۵۰ ریال و سنگک ۱۵۰ ریال بوده است که افزایش قابل توجهی را نسبت به گذشته نشان می‌دهد. در تهران نیز نان سنگک مرغوب تا ۴۰ تومان و نان سنگک معمولی به اندازه‌ی کوچک‌تر و کیفیت پایین‌تر به قیمت ۱۵ تا ۲۰ تومان به فروش می‌رسد.

نان‌ایان از دیدگاه هزینه‌های جنبی پخت از جمله سوخت را که به تصمیم دولت از اول سال جاری گران شده

### آب هم گران شد

شرکت آب و فاضلاب استان تهران، نرخ آب مصرفی مردم تهران را بالا برد و با توجه به نرخ تصاعدی، قیمت آب را تا ۷۰ تومان افزایش داد. به گفته‌ی مسئولان این شرکت در حال حاضر حدود ۴۰ درصد مشترکین آب در تهران بیش‌از الگوی مصرف یعنی ۲۲/۵ مترمکعب در ماه که برای یک خانوار ۵ نفره تعیین شده است، آب مصرف می‌کنند. بر اساس تصمیم‌گیری جدیدگرداندگان این شرکت قرار است که در صورت مواجه شدن با بحران آب، در ماه‌های کم‌آبی، آب بر روی مشترکینی که ماهانه بیش از ۷۵ مترمکعب آب مصرف می‌کنند بسته شود. بر اساس محاسبه‌ی شرکت آب و فاضلاب استان تهران، شهروندان

تهرانی در هفته‌ی آخر اردیبهشت‌ماه بیش‌از ۱۵۱ میلیون و ۸۵۰ هزار مترمکعب آب مصرف کرده‌اند که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳/۱۶ درصد افزایش داشته است.

روابط عمومی این شرکت اعلام کرده است که با توجه به کاهش بارش برف در زمستان گذشته و افزایش تقاضای آب نسبت به عرضه‌ی آن، قطع آب در تابستان امسال برای مشترکین پرمصرف اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. کارشناسان این شرکت معتقدند که حد طبیعی مصرف آب برای هر نفر در طول شبانه‌روز ۱۵۰ لیتر می‌باشد و رقم کثونی در تهران که به‌طور متوسط ۳۰۵ لیتر است، بیش از دوبرابر الگوی مصرف می‌باشد.

### تکذیب تمایل به دستیابی به سلاح شیمیایی

کمال خرازی نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل هفته‌ی گذشته بار دیگر ادعا کرد که رژیم برنامه‌ی تولید سلاح‌های شیمیایی را در دستور خود ندارد و ادعاهای مقام‌های آمریکایی مبتنی بر انتقال مواد شیمیایی از شرکت‌های چینی به

جمهوری اسلامی ایران «کاملاً جعلی» می‌باشد. مسادلین آلبرایت وزیر خارجه‌ی آمریکا در اواخر اردیبهشت ماه اعلام کرده بود که دو شرکت و پنج مقام چینی به دلیل فروش سلاح‌های شیمیایی به ایران از جانب آن کشور تحریم شده‌اند.

# بهره از کودکی آن طفل چه بُرد

## که نه خندید و نه جست و نه دوید (پروین اعتصامی)

### خبرهای علمی

#### مرگ بر اثر استعمال دخانیات

سازمان بهداشت جهانی در گزارشی تکان‌دهنده‌ی که به مناسبت روز جهانی مبارزه با دخانیات (۳۱ مه) تهیه کرده است، می‌نویسد که ۳ میلیون نفر در سال مستقیماً بر اثر استعمال دخانیات می‌میرند که این تعداد ۲/۶ درصد کل مرگ و میرها در جهان است. این سازمان هشدار داده است که در صورت ادامه‌ی روند فعلی، این تعداد در سال ۲۰۲۰ به ۸/۴ میلیون نفر (۸/۹ درصد کل مرگ و میر) افزایش خواهد یافت و ۷۰ درصد این میزان در اثر استعمال دخانیات در کشورهای جهان سوم خواهد بود. آمار نشان می‌دهد که در حال حاضر ۲۷ درصد مردان و ۱۲ درصد زنان دنیا سیگاری هستند.

#### جهان بعد از مه‌بانگ

استفان هاوکینگ فیزیک‌دان برجسته‌ی انگلیسی همراهِ با یک گروه تحقیقاتی در نظر دارد با استفاده از یک اَبَرکامپیوتر (Supercomputer) به تحقیق درباره‌ی مبدا جهان بپردازد. آنها قرار است در ده سال آینده، برای اولین بار جهان را براساس دانش‌های علمی مدل‌سازی کنند و نشان دهند که جهان لحظه‌ی بعد از مه‌بانگ (Big Bang) چگونه بوده است. اَبَرکامپیوتر آنان ۱۰۰ بار از آخرین مدل کامپیوترهای شخصی Pentium سریع‌تر بوده و دارای حافظه‌ی ۱۰۰۰ بار بیشتر از آن است.

#### داروی ترکیبی ایدز معجزه می‌کند

به گزارش مجله‌ی نیچر دانشمندان و پژوهش‌گران توانسته‌اند با استفاده از ترکیبی از داروها، غلظت ویروس اچ. آی. وی در بدن مبتلایان به این ویروس را به حدی برسانند که قابل ردیابی نباشد. دکترمایکل گاتلیب (Gottlieb) کاشف ویروس ایدز در این رابطه می‌گوید: گرچه از این داروها عوارض جانبی شدیدی مانند حالت تهوع و اسهال به بیمار دست می‌دهد، ولی در عین حال قادرند مانع فعالیت ویروس ایدز شوند که این پیشرفت بسیار مهم در علم پزشکی است. بیماران با استفاده از این داروها می‌توانند زندگی نسبتاً معمولی با طول عمر عادی داشته باشند. متأسفانه این داروها بسیار گران قیمت هستند و قیمت داروی مورد نیاز برای بیمار مبتلا به ویروس ایدز بین ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار در سال می‌باشد در حالی که ۹۰ درصد مبتلایان در کشورهای توسعه‌یافته زندگی می‌کنند و شمار بسیار کمی از آنان می‌توانند از عهده‌ی هزینه‌ی سنگین این درمان جدید برآیند. از طرفی دکتر هیروشی ناکاجیما مدیر کل سازمان بهداشت جهانی در بیانیه‌ی اعلام کرد که سرچ خوشبینی‌هایی که در حال حاضر جامعه‌ی بین‌المللی ایدز را در ارتباط با روش‌های درمان جدید فرا گرفته نباید موجب شود تا سیاست‌گذاران تعهدات خود را نسبت به ریشه‌کنی ایدز فراموش کنند.

#### آدرس‌های جدید اینترنت

دو سال پیش استفاده‌کنندگان از اینترنت تنها ۳۰ میلیون نفر بودند، این تعداد اکنون به ۲۰۰ میلیون نفر رسیده است. افزایش استفاده‌کنندگان از اینترنت با این سرعت دست‌اندرکاران را به این فکر انداخته است که برای جلوگیری از کمبود آدرس، نسل جدیدی از پروتکل‌های اینترنت را بوجود بیاورند که سیستم آدرس‌دهی آن بجای ۳۲ بیت فعلی ۱۲۸ بیت باشد. پروتکل‌های جدید قرار است به تدریج جای اینترنت فعلی را بگیرند.

آفتاب هر روزه کار کنند. امری که رشد جسمی موزون آنان را با مشکل جدی مواجه می‌کند.

۲- طبیعت زیرزمینی «صنعت» غیرقانونی چند میلیارد دلاری استثمار جنسی کودکان امکان جمع‌آوری داده‌های قابل اتکاء را دشوار کرده است. سازمان‌های غیردولتی تخمین می‌زنند که سالانه حدود یک میلیون دختر بچه در سطح جهان اغوا شده و به فحشاء یا در واقع «کنیزی» کشیده می‌شوند. پسر بچه‌ها نیز از این نظر مصون نیستند. صدهای جسمی و روانی - اجتماعی استثمار جنسی سوداگرا، آنها یکی از مخاطره‌آمیزترین اشکال کار کودکان کرده است. سلامت این کودکان در معرض خطر جدی ابتلا به بیماری‌های تنفسی، ایدز و دیگر بیماری‌های مقاربتی، حاملگی‌های ناخواسته و اعتیاد است. خانواده‌های قربانیان در اغلب موارد خود باعث استثمار جنسی فرزندانشان هستند. تحقیقات انجام شده نشان داده است که سوءاستفاده‌ی جنسی نزدیکان کودک عمده‌تأثیر زمین‌ساز استثمار جنسی سوداگرا از آنان شده است. در عین حال در کنار کسانی که خریدار رابطه‌ی جنسی هستند، گروه زیادی از قوادان، مأموران و دلالانی وجود دارند که از فروش کودکان سود می‌برند. آنان برای تضمین سودهای کلان خود از این راه باندهای جنایتکار و مقامات پلیس بی‌احساس و فاسد را نیز به خدمت می‌گیرند.

۴- در تمام دنیا کودکان در مزارع و صنایع به کارهای پرخطر مشغولند صدمات جسمی ناشی از مراد شیمیایی یا کار با دستگاه‌های مکانیکی از آنها که بیشتر مشهود است لطامات عمیق و

زیادی از کار کودکان در بخش غیررسمی صورت می‌گیرد و «قابل رؤیت» نیست. با این حال روشن است که صدها میلیون نفر از کودکان در سطح جهان عمدتاً در کشورهای غیرصنعتی کار می‌کنند که نیمی از آنان در آسیا زندگی می‌کنند. یک سوم کودکان آفریقایی و یک پنجم کودکان آمریکای جنوبی کار می‌کنند.

#### دلایل کار کودکان

کودکان به سه علت مجبور به کار می‌شوند: فقر، فقدان آموزش و محدودیت‌های ناشی از سنت‌های جامعه. فقر کودکان را مجبور به کارهای پرخطر می‌کند. والدین این کودکان اغلب بیکار هستند یا کمتر از حد کافی کار می‌کنند. با این حال کارفرمایان استثمارگر با وجود قدرت کمتر کودکان از آنها به جای باغبان استفاده می‌کنند چرا که استثمار آنان ساده‌تر است. کمبود امکانات آموزشی درست از دلایل دیگر کار کودکان است. نظام تحصیلی در اکثر کشورهای رشدیافته پوسیده است و از کمبود منابع ضروری رنج می‌برد. در اغلب موارد این نظام خشک و بی‌روح است و برنام‌های آموزشی ارتباطی به زندگی روزمره کودکان ندارد. در چنین شرایطی تمایل به ترک تحصیل در کودکان بالاست. ۲/۳ کودکانی که در مدارس ابتدایی نام‌نویسی می‌کنند این دوره را تکمیل نمی‌کنند. در مقاطع تحصیلی بالاتر میزان ترک تحصیل بسیار بیشتر است. سنت‌های کهنه نیز در وادار کردن کودکان به کار سهم قابل توجهی دارند. استثمار کودکان برآمده از طبقات محروم تر اجتماعی و اقلیت‌های نژادی در مقیاس وسیع‌تری صورت می‌گیرد. برای مثال در اروپای شمالی کار کودکان تقریباً منحصر به آفریقائیان و اهالی ترکیه است. در آرژانتین بسیاری از بزرگسالان یا پاراکرنه هستند و در تایلند کودکان برمه‌ای کار می‌کنند. در جامعه‌ی ما فرهنگ مصرفی نیز که در آن بسه آرزوها و توقعات مصرف‌کنندگان میدان داده می‌شود، ممکن است کودکان کار را به تحصیل ترجیح دهند.

#### اشکال کار کودکان

اشکال کار کودکان را می‌توان به ۷ گروه عمده تقسیم کرد: ۱- آسیب‌پذیرترین و استثمار - شده‌ترین کودکان که از حقوقشان نیز به سختی می‌توان حفاظت کرد کسانی هستند که در بخش خدمات خانگی کار می‌کنند. به اکثر آنان یا اصلاً مزدی داده نمی‌شود یا مقدار ناچیزی پرداخت می‌گردد. شرایط زندگی آنان به تنهایی از بیابان بستی دارد. آنان از رفتن به مدرسه، بازی و فعالیت اجتماعی و همچنین از حمایت عاطفی خانواده و دوستان محروم هستند. آنها در برابر سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی نیز آسیب‌پذیر می‌باشند. ۲- کار اجباری به خصوص در جنوب آسیا دیده می‌شود. کودکان ۹-۸ ساله از سوی والدینشان نزد صاحبان کارخانه‌ها یا نمایندگانشان برده می‌شوند و در مقابل مبلغ ناچیزی به کار و بزرگی مدام‌العمر وادار می‌شوند. در هند این شکل از کار کودکان در صنایع کبریت‌سازی، سیگارپیچی و قالی‌بافی رواج دارد. انحصار قالی‌بافی میرزاپور-بهادوی-وارانازی در اوتار پردازش از این نظر در زمره‌ی بدنام‌ترین‌ها می‌باشد.

برمیانی پژوهشی که اخیراً انجام شده است این کودکان که اغلب در اسارت ننگ‌داری می‌شوند مورد شکنجه قرار می‌گیرند و مجبورند ۲۰ ساعت در روز بدون وقفه کار کنند. کودکان کوچک مجبورند در حالت قوز کرده و خمیده از سپیده‌دم تا غروب

حشره‌کش‌ها آلوده بود و یک‌سوم آنان حشره‌کش‌ها را استنشاق کرده بودند. باور نادرست دوم این است که کار کودکان را نمی‌توان از بین برد مگر آنکه فقر ریشه‌کن گردد. اما در حقیقت این دو می‌توانند جداگانه نیز از بین بروند. روحیه‌ی عمومی اکنون تغییر کرده است و دولت‌ها هم در جهت از بین بردن کار کودکان تحرک نشان می‌دهند. به کمک سازمان‌های غیردولتی می‌توان شرایطی را فراهم آورد که از کار کودکان جلوگیری کرد و بدیلی برای آن فراهم آورد.

تصور نادرست سوم آن است که اکثر کودکان کارگر در کارگاه‌های کالاهای ارزان برای کشورهای ثروتمند را تولید می‌کنند (مانند کودکان پاکستانی که توپ فوتبال درست می‌کنند) اما در واقع کمتر از ۵ درصد کودکان کارگر در صنایع صادراتی کار می‌کنند. بخش اعظم آنان در بخش‌های غیررسمی مشغول هستند. آنان اغلب در خیابان‌ها دوره‌گردی می‌کنند، کار کشاورزی می‌کنند یا در خانه‌ها کار می‌کنند و از دسترس بازرسان کار و خبرنگاران موشکاف به‌دور هستند.

#### کار کودک چیست؟

واژه‌ی «کار کودک» واقعیت پیچیده‌ای را بیان می‌کند. فعالیت کودکان باید براساس جایگاهش در یک گستره مورد بررسی قرار گیرد. طفلی که از سوی به کار مخرب همراه با بهره‌کشی ختم می‌شود و از سوی دیگر فعالیت سودمندی می‌باشد که بر روی تحصیل، خلاقیت و استراحت آنان تأثیر سوتی ندارد. در میان دو قطب این طیف محدودی وسیعی از کار کودکان وجود دارد که می‌تواند اثر نامطلوبی بر رشد و تکامل آنان نداشته باشد.

اگر تمام اشکال کار کودکان به یک اندازه ناپذیرفتنی به حساب آیند، مقابله با سوءاستفاده از کودکان به مراتب دشوارتر می‌گردد. به اعتقاد یونیسف اشکال زیر از کار کودکان بهره‌کنشانه و غیرقابل تحمل است:

- کار تمام‌وقت کودکان خردسال
- ساعات کار زیاد در روز
- کار همراه با فشار جسمی، اجتماعی و روانی
- کار در خیابان‌ها در شرایط نامطلوب
- کار بدون دریافت مزد کافی
- کار با مسئولیت زیاد
- کاری که دسترسی به آموزش را ناممکن سازد

● کاری که به شآن و حیثیت کودکان صدمه می‌زند مانند بردگی و کار اجباری و استثمار جنسی
- کاری که مانع تکامل همه جانبه‌ی اجتماعی و روانی کودک است.

کار کودکان می‌تواند این جنبه‌های مختلف تکامل کودکان را در معرض خطر قرار دهد:

- تکامل جسمی شامل سلامت عمومی، رشد موزون، قدرت جسمی، بینایی و شنوایی
- تکامل معرفتی شامل سوادآموزی، فراگیری ۴ عمل اصلی حساب و اکتساب آگاهی‌های ضروری برای زندگی طبیعی
- تکامل عاطفی شامل اعتماد به نفس کافی، دل‌بستگی‌های خانوادگی، احساس علاقه و مقبولیت
- تکامل اجتماعی و اخلاقی شامل احساس هویت گروهی، قابلیت همکاری با دیگران و توان تشخیص درست از خطا.

#### چه تعداد از کودکان

#### کار می‌کنند؟

هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند که چه تعداد از کودکان کار می‌کنند، چرا که بخش

کودکان در اکتبر ماه آغاز شده است.

#### عصر جدیدی برای کودکان

هنوز هم ۱۲/۵ میلیون تن از کودکان زیر ۵ سال عمده‌تأثیر دوائر سوءتغذیه و بیماری‌های عفونی می‌میرند. ۹ میلیون تن از آنها بر اثر ابتلا به بیماری‌هایی از بین می‌روند که راه‌های مبارزه با آنان با واکسن و داروهای اوزان، از نیم‌قرن پیش شناخته شده است. با این حال می‌توان گفت که جان بسیاری از کودکان نیز با کوشش تلاش‌گران بهداشت، نجات یافته است.

آسیب‌پذیرترین کودکان در تمام جوامع اعم از فقیر و غنی باید امکان دسترسی به منابع لازم برای رشد خود را داشته باشند. در جهانی که تکنولوژی و دانش در دسترس همه قرار دارد، به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست که حقوق همه‌ی کودکان از جمله محروم‌ترین آنان برآورده نشود.

مقاصد نیکو باید امروز با خواست‌های سیاسی پیوند بخورد. حتا با صرف تنها یک چهارم مخارج نظامی کشورهای در حال توسعه می‌توان منابع مادی اضافی کافی را برای رسیدن به اکثر اهدافی که برای سال ۲۰۰۰ تعیین شده است، تأمین کرد. دستگیری مشابهی با هدف اختصاص ۲۰ درصد کمک‌های کشورهای توسعه‌یافته به خدمات اجتماعی پایه‌ی نیز می‌تواند منابع قابل توجهی را برای رسیدن به مقصود فراهم آورد.

دستگیری این‌چنینی در ارتباط با نحوه‌ی استفاده از منابع جهانی، از مدت‌ها پیش، دیگر درخواستی برای نیکوکاری صاحبان قدرت و پول نیست و سخن از «حق» و «ضروریات» در میان است. با این وجود برای رسیدن به عصر جدیدی که حقوق کودکان در آن محترم باشد، به حمایت و اعمال فشار مردمی و عمومی نیاز است.

در ۱۵ سال گذشته گزارش‌های ارائه شده از سوی یونیسف، حمایت‌های مردمی و سیاسی از بقاء و تکامل کودکان را به دنبال داشته است. با این وجود متأسفانه نیاز به مدافعه‌ی آتین مردم از حقوق کودکان کاهش نیافته است و هنوز هم در تحلیل نهایی پس از اتخاذ سیاست‌های مناسب تنها در مقابل اعتراض عمومی گسترده است که مقامات کشورها به این سیاست‌ها تن در می‌دهند. کار پرخطر و همراه با استثمار کودکان باید پایان پذیرد.

در مالزی کودکان ممکن است تا ۱۷ ساعت در روز در مزارع کائوچو در جایی که در معرض نیش حشرات و مارها قرار دارند، کار کنند. در تانزانیا آنان دانه‌های قهوه را می‌چینند و حشره‌کش‌ها را استنشاق می‌کنند. در پرتغال کودکان ۱۲ ساله به کارهای سخت و خطرناک ساختمانی وادار می‌شوند. چنین کارهایی که با بهره‌کشی شدید کودکان همراه است، تقریباً تمام حقوق تصریح شده در معاهده‌ی حقوق کودکان را زیر پا می‌گذارد.

#### چهار تصویر نادرست

ضروری است که با چهار تصور عمومی نادرست راجع به کار کودکان مقابله شود. نخستین باور این است که کار کودکان منحصراً مشکل کشورهای رشدیافته است. اما در واقع در تمام کشورهای صنعتی نیز کودکان کار می‌کنند. به عنوان نمونه در ایالات متحده کودکان در کشاورزی به کار گرفته می‌شوند، کودکانی که بخش اعظم آنان از خانواده‌های مهاجر یا اقلیت‌های نژادی می‌باشند. پژوهشی که ۷ سال پیش بر روی کودکان مکزیکی تبار آمریکا در مزارع نیویورک صورت گرفت، نشان داد که پوست تقریباً نیمی از آنان به

در سال ۱۹۴۹ میلادی به ابتکار «فدراسیون بین‌المللی زنان» و «اتحادیه‌ی بین‌المللی جوانان، اول ژوئن به عنوان روز جهانی کودک نامیده شد و کوشش‌های ایشان برای رسمیت دادن به حقوق اولیه‌ی کودکان هم‌آهنگی بیشتری یافت. تلاشی که حاصل آن به تصویب رسیدن نخستین اعلامیه‌ی حقوق کودک در سال‌های پایانی دهه‌ی ۵۰ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود.

این اعلامیه که سال‌ها راهنمای دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی طرفدار حقوق کودکان در سطوح ملی و بین‌المللی بود، از سال ۱۹۸۹ با نگرارش جدیدی بار دیگر به تصویب اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد رسید و در حال حاضر در میان پیمان‌های جهانی مربوط به حقوق بشر به تأیید کشورهای بیشتری رسیده است. تنها کشورهای عمان، سومالی، سوئیس، جزایر کوک، امارات متحد عربی و ایالات متحده‌ی آمریکا این اعلامیه را امضاء نکرده‌اند. به این ترتیب در حال حاضر ۹۶٪ کودکان دنیا در کشورهای زندگی می‌کنند که بر این پیمان مهر تأیید زده‌اند و قانوناً موظف به حمایت از حقوق کودکان بر مبنای آن می‌باشند. ترجمه‌ی فارسی این پیمان با نام «اعلامیه‌ی جهانی بقاء، تکامل و حمایت از کودکان» در شماره‌ی ۹ دوره‌ی سوم کار منتشره در ۱۵ خرداد ۱۳۷۰ درج شده است. اعلامیه در آغاز با محتوایی مشابه شش پرورین اعتصامی تصریح می‌کند که «خردسالی باید زمانی برای شادی و صلح، بازی، فراگیری و رویش باشد».

بنیاد کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) هرساله گزارشی را درباره‌ی وضع کودکان جهان منتشر می‌کند. این بنیاد در گزارش امسال خود (۱۹۹۷) جهانیان را به چالشی بزرگ در برابر کار کودکان فراخوانده است. مقایسه‌ی این گزارش با گزارش‌های پیشین آن نشان می‌دهد که با وجود افزایش تولید ناخالص جهان به میزان سه برابر در ربع قرن اخیر و کاهش نسبی انسان‌های فقیر و محروم در این مدت از حدود ۶۰٪ به ۳۰٪ جمعیت جهان، کمیت آنان تغییر چندانی نکرده است. ۲۰ سال پیش هم می‌نوشتم که ۲ میلیارد از مردم جهان فقیرانند و قریب یک میلیارد آنان از گرسنگی رنج می‌برند و سالانه ۱۵ میلیون کودک زیر ۵ سال در اثر گرسنگی و بیماری‌هایی که اغلب با صرف چند سنت آمریکایی برای واکسن و دارو قابل پیشگیری و درمان است، می‌میرند و امروز نیز چنین است.

گزارش سال ۹۷ بخش بزرگی را به کار کودکان و تدابیر لازم برای جلوگیری از آن اختصاص داده است. خلاصه‌ی آن این گزارش مبسوط از نظر گرمی‌تان می‌گذرد.

#### مقدمه

با گذشت ۵۰ سال از عمر یونیسف و فعالیت‌های آن، اکنون شیوه‌ی برخورد بین‌المللی با کودکان تغییر فاحشی پیدا کرده است و این ایده که کودکان نیازها و حقوق خاصی دارند که باید به آن توجه شود، مقبولیت وسیعی پیدا کرده است.

کشورهای زیادی قوانینی را در هم‌سویی با اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک وضع کرده‌اند و کنفرانس‌های بین‌المللی برای تدقیق برنامه‌ها و بررسی دست‌آوردها برگزار شده است. امسال نیز تدارک وسیعی برای برپایی کنفرانس بین‌المللی در مورد کار

# آری می‌توان!

## ملاحظات در باره سوسیالیسم

### قسمت اول ف - تابان

تصدیق رهبران در نخستین سال‌ها، نه همه هدف، بلکه تنها مقدمه انقلاب جهانی سوسیالیستی تصور می‌شد که می‌بایست در کشورهای اروپایی رخ دهد. اما حوادث سه گونه‌ای دیگر پیش رفت.

انقلاب در اروپا شکست خورد و در روسیه به محاصره درآمد. فرزندی که همگان در انتظار لحظه پر شکوه تولدش بودند، پا به عرصه جهان گذاشت، اما ناقص الخلقه از کار در آمد. قلبی بزرگ، سری کوچک و دست و پایی نحیف، قابله او را به هنگام زایمان، تنها گذاشته بود و چنین شد که این نوزاد از همان نخستین لحظه تولد با مساله مرگ و زندگی مواجه گردید. شکست انقلاب در اروپا، مهر و نشان کامل خود را بر همه حوادث بعدی انقلاب روسیه باقی گذارد. چشم‌انداز استقرار فوری سوسیالیسم، آن هم در این کشور نسبتاً عقب مانده، از بین رفت و انقلاب روسیه در کلاهی از تضادها و تناقضات گرفتار آمد. انقلابی که قرار بود «پشت جبهه» انقلاب بزرگ‌تر باشد، قهراً به «نوک پیکان» آن تبدیل شد و وظایفی را بر دوش گرفت که در تواتش نبود. آن چه در این دوران در اتحاد شوروی جریان یافت، آمیزه‌ای بود از قهرمانی‌های سترگ و اراده‌های شکست‌ناپذیر برای ساختن دنیای نوین از یک سو، و امکانات ناچیز و ناتوانی‌های علاج‌ناپذیر و تجارب ناکافی از سوی دیگر. نظامی بر پا شده بود که انگیزه‌های عدالت خواهی را نه در درون مرزهای خویش، که در سر تا سر جهان به جوشش درآورده بود، اما برای به کرسی نشاندن این عدالت خواهی نیروی لازم را در اختیار نداشت. آثانی که به امیدشان قیام کرده بود، تنهاش گذاشته بودند و دشمنان تیز دندان با همه نیروی مهیب و اهریمنی خود بر آن می‌تاختند. آفرینندگان این نوزاد ناقص چه می‌بایست می‌کردند. خود برای قربانی کردن آن پیش قدم می‌شدند؟

لنین پس از ناصبیدی از پیروزی انقلاب در اروپا، دشواری‌ها و تناقضات را دریافت و کوشید از پیروزی فوری به سوی سوسیالیسم، به استقرار نوعی سرمایه‌داری دولتی، تحت نظارت و کنترل دولت سوسیالیستی، عقب نشینی کند تا موج بعدی انقلاب فرا برسد و کارگران اروپا، وظیفه‌ای را که بر دوش انقلاب روسیه گذاشته بودند، خود به عهده گیرند. این راه اگر دنبال می‌شد و تکامل می‌یافت، این شانس را داشت کشوری بر پا سازد که عدالت اجتماعی در آن به طور نسبی و البته بیشتر و بیشتر تأمین گردد، انرژی‌ها بدون شتاب، در جهت ایجاد جامعه‌ای عادلانه و دموکراتیک که طلیعه جامعه سوسیالیستی آینده باشد، به کار افتد و با ایجاد چنین جامعه دموکرات و عادلانه‌ای، به ایجاد موج بعدی جنبش سوسیالیستی در جهان و گسست طوطی در اردوی سرمایه‌داری یاری رسانده شود.

رهبران بعدی انقلاب روسیه این واقعیت را دریافتند که انقلاب آنان چون تنها مانده است، قادر به زمینی کردن آن چه وعده داده نیست، و اگر نیز این را دریافتند، کوشیدند با تازاندن انقلاب به جلو و کوتاه کردن راه، سوسیالیسم را قابل دسترس سازند و هر چه زودتر آن را چون زردی‌های رویین بر پیکر جامعه به پوشانند. گرایش که به تدریج در حزب کمونیست روسیه برتری یافت، در مبارزه تئوریک علیه مخالفان داخل حزب و در جنگ روانی با سرمایه‌داری جهانی، به سوی ساده کردن مفهوم سوسیالیسم و از این طریق قابل دسترس کردن آن گرایش یافت. سوسیالیسم با دولتی کردن اقتصاد یکی گرفته شد و با شتاب و تعجیل، همه بخش‌های اقتصاد خصوصی در اختیار دولت قرار داده شد تا پیروزی سوسیالیسم و بازگشت‌ناپذیری آن، به جهان اعلام گردد.

این «پیروزی»، ضربه مهلکی بر توانایی‌ها، امکانات و ظرفیت‌های بزرگی بود که انقلاب پدید آورده بود. اتحادیه که بین توده زحمتکش برقرار شده بود و می‌توانست نظام تازه را محافظت کند، و در دشوارترین سال‌های محاصره امپریالیستی و جنگ داخلی محافظت کرده بود، از هم پاشید. نیروی مقاومت بزرگی علیه اقدامات دولت و حزب کمونیست شوروی برانگیخته شد و این دو همراه با بخش کوچکی از طبقه کارگر، در محاصره توده ناراضی عظیم و بی‌شماری قرار گرفتند که به نام سوسیالیسم همه چیزشان را از چنگشان بیرون کشیده بودند. حزب برای مقابله با این موج عظیم ناراضی، بر قهرمانی‌های عظیمی که پشت سر و میراثی که به نام دیکتاتوری پرولتاریا در دست داشت، متکی شد و راه ایجاد رعب و وحشت و سرکوب ناراضیان و مخالفان را به منظور مطیع کردن آنان برگزید. استبداد را پیشه کرد تا عدالت را نجات بخشد. برای به کرسی نشاندن حقوق زحمتکش، آزادی را به سلخ فرستاد و کسی این را دریافت که آزادی نیز قیل از همه، حتی حیاتی زحمتکشانش است.

پیروزی فاشیسم در آلمان و خطر حمله قریب الوقوع آلمان فاشیستی به کشور شوروی، دلایل کافی اخلاقی برای اعمال کامل دیکتاتوری را در اختیار حزب و دولت قرار داد. برای مقابله با این خطر، حزب کمونیست اتحاد شوروی راه صنعتی کردن سریع کشور از طریق اعمال فشارهای فزونی‌تر بر توده دهقانان و ا فشار متوسط شهری را در پیش گرفت و هر مخالفی با این سیاست و سایر سیاست‌های حزب و دولت را سرکوب کرد. استبداد، بنا به قانون هزاران بار ثابت شد، عاملان و مجریان خویش را نیز در امان نمی‌گذاشت. حزب کمونیست اتحاد شوروی، آن جا که بزرگ‌ترین اراده‌ها برای تحقق آزادی و عدالت گرد آمده بود، خود قربانی اصلی تیغ تیز استبداد گردید.

دو باره ثابت شد دموکراسی، قیل از آن که و بیش از آن که مجموع‌عدای از دستورالعمل‌های فرهنگی و اخلاقی باشد،

مفهوم عمیقاً اجتماعی و حاصل حدی از همزیستی مسالمت آمیز طبقات اجتماعی است. انقلابیون روسیه، با درکی ناپخته از سوسیالیسم و آسان دیدن راه دشوار، بدون توجه به شرایط نامساعد جهانی، اقداماتی را بر جامعه خود تحمیل کردند که زیان‌بارترین آنان از میان برداشتن هر نوع مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و بستن دهان‌هایی بود که به مخالفت با غارت زندگی‌های محقر برخاسته بودند. این اقدامات، آنان را در برابر نیروی عظیم و بی‌شماری قرار داد که بخشی از طبقه کارگر و زحمتکشان روسیه را نیز که می‌بایست مدافع سوسیالیسم باشند، با خود برد. انقلاب نه تنها در جبهه خارجی که در درون مرزهای خویش نیز، در محاصره کامل قرار گرفت، رویارویی، رؤیای رویی مرگ و زندگی بود، یا این و یا آن بود. در چنین شرایط تخصاصات و نبردهای شدید، نخستین قربانی، دموکراسی است. انقلاب در شرایطی که خود در ایجاد آن بی‌تقصیر نبود، نمی‌توانست به دموکراسی کردن بگذارد مگر شکست خویش را بپذیرد.



سهم عظیم اتحاد شوروی در شکست آلمان نازی و نجات بشریت از چنگ هیولای فاشیسم، دومین فرصت تاریخی برای هموار کردن راهی که با انقلاب اکتبر آغاز شده بود را فراهم ساخت. از یک سو ویرانه‌های باقی مانده بود و آن چه به خون دل و پهای زندگی‌های بی‌شمار ساخته شده بود، یک سره در آتش از و کین فرزندان یاعی «جهان آزاد» سوخته بود. اما از آن سو، سوسیالیسم شوروی از محاصره سرمایه‌داری بیرون آمده و نشان داده بود که علی‌رغم ویرانی‌ها و صدماتی که در هیچ حسابی نمی‌گنجد، نه تنها قابلیت حفظ و ادامه حیات خود را دارد بلکه می‌تواند به مثابه قدرتی بزرگ در جهان ما ظهور کند. پیروزی بر فاشیسم، اعتبار عظیمی که کشور شوروی در نزد جهانیان یافت و دومین شکاف در سرمایه‌داری، خطر اقدام فوری کشور شوروی توسط سرمایه‌داری جهانی را از بین برد. مناسب‌ترین فرصت فراهم آمده بود تا راهی که با انقلاب اکتبر گشوده شده و سپس به کوره راه‌های پر سنگلاخ گشوده شده بود، در مسیر صحیحی قرار گیرد و پیروزی تدریجی به سوی سوسیالیسم آغاز گردد. اما حزب و حکومت شوروی که در جریان پیش از دو دهه مبارزه مرگ و زندگی به سوی استبداد گرویده و به شدت بوروکراتیزه گردیده و سپس در جریان جنگ با فاشیسم به تحلیل رفته بودند، نتوانستند پرچم‌دار اصلاح و رفوم در جهت سوسیالیسم شوند. در جریان این سال‌ها، ناراضیان به بیرحمانه‌ترین روش‌ها تشویه و اعدام شده و قشر تازه‌ای از کادربهای حزبی و دولتی پدید آمده و همه اهرم‌های قدرت را به دست گرفتند. هر گونه ابزار کنترل بر اعمال حزب و حکومت از بین رفته بود. حزب با اتکا به برخی تئورهای نادرست و با سوء استفاده از برخی تئوری‌های درست، اپوزیسیون سوسیالیستی، ابزار آزادانه عقاید، مطبوعات منتقد را از میان برداشته بود. آگاهی، تبادل نظر، خلاقیت و ابتکار عمل منجمد شده بود و راهی برای مبارزه با فساد دولتی و سوء استفاده از قدرت وجود نداشت. دستگاه رهبری حزب و حکومت از حرکت و پویایی باز ماندند و در فساد و سوء استفاده از قدرت غرق شدند و فساد و خوردی را به همه حزب و جامعه سرایت دادند. وقتی در سال‌های ۶۰ و ۷۰ در غرب، انقلاب علمی و فنی سرمایه‌داری در حال وقوع بود، در شرق نظام به شدت متمرکز و بوروکراتیک، همه انگیزه‌های خود را برای تغییر و پیشرفت از دست داده بود. حزب به جای تلاش دائمی برای اصلاح و رفوم، با غرور بر سیستمی که خود در خیال خویش شکست‌ناپذیر تصور می‌کرد، تکیه داده و خود بیش از هر کس فریب تبلیغات خود را خریده بود.

نظامی که در شرایط دشوار جنگ‌های داخلی و جهانی توانسته بود خود را حفظ کند، بر عقب‌ماندگی‌ها چیره شود و با پیشی گرفتن از بسیاری کشورهای سرمایه‌داری، به پیشرفت‌های بزرگی دست یابد، طی سالیانی کوتاه، گام‌ها از سرمایه‌داری عقب افتاد و با این عقب‌انداختی دیگر چیزی نماند که بر آن تکیه کند. نه وجود استبداد در شرق، بلکه تصاویر ویرین‌های لوکس کشورهای سرمایه‌داری که از صدها کانال تلویزیونی به مردم کشورهای شرق چشمک می‌زد، آنان را به قیام بر ضد چیزی که سوسیالیسم نامیده می‌شد، کشاند. آن چه که شرق را در برابری با ویرین‌های غرب از توان نداشت، سیستم متمرکز و استبدادی بود که برای انسان‌ها هیچ انگیزه و فضای ابتکار عمل و نوآوری باقی نگذاشته بود.

دشوار است بتوان گفت اصلاحاتی که در دهه ۸۰ در شوروی آغاز شد، شانس آن را داشت که «سوسیالیسم واقعاً موجود» در نجات دهد یا نه؟ اما این اصلاحات با همان هدفی که آغاز شد، یعنی «سوسیالیسم بیشتر»، یک ضرورت بود. نمی‌توان جامعه دهه ۸۰ شوروی را تصور کرد و ضرورت رفوم‌های بزرگ در آن را نفی نمود. خودداری از رفوم، تغییر و اصلاح به موقع، کار را به ضد انقلاب کشاند و این ضد انقلاب به هیچ وجه ناگزیر و حاصل «جبر تاریخ» نبود. این ضد انقلاب محصول مشترک اشتباهات مهملک انسانی (ذهنی) سازندگان نظام نوین و جایات بی‌پایان مدافعان نظام کهنه برای ادامه سروری خود بر جهان بود و شرایط را برای ایجاد موج سوم سوسیالیسم به غایت دشوار ساخت.

### (۴)

در توضیح علل فرو پاشی اتحاد شوروی به این حکم مارکس بسیار استناد می‌کند که: تا یک نظام اجتماعی و

### (۱)

شکست سیستمی که با ادعای سترگ استقرار عدالت و برابری و برچیدن ظلم و ستم، دیر زمانی چشمان جهان خسته از بی‌عدالتی ما را به خود خیره کرده بود، اینک شکست اندیشه‌های بلند پروازانه‌ای خوانده می‌شود که از بشر آن چه می‌خواست که در تواتش نبوده است. با این شکست، قرن «مرگ کمونیسم» نامیده شد و همراه با آن، همه اندیشه‌ها و آرمان‌هایی به خاک سپرده شد که قدمتی برابر با رنج و ظلمی که بر انسان رفته است، دارند. با این شکست، جهان از آرمان‌های بزرگ تهی شد و انسان‌های آرمان‌گرا، انسان‌هایی که هنوز برابری و برادری را شدنی و این جهانی می‌دانند، به اصحاب کهنف، که از خواب گران بیرون نیامده‌اند، تشبیه گشتند. برابری و برادری به افسانه‌هایی پیوست که باید تنها در متون قدیمی مذهبی سراغ آن‌ها را گرفت و در جهانی غیر خاکی به دنبالشان گشت، آن چه اکنون به بشریت تشنه رستگاری ارائه می‌کنند، کوتاه کردن افق‌های دید است، فراموش کردن آرمان‌های بزرگ است، تسلیم به تقدیر شومی است که ستم و ظلم طبقاتی را جاودانه می‌شمارد. ایدئولوژی‌های سوداگران و تلقی‌های عامیانه، این جادوگران پیر، از خواب برخاسته‌اند و هم چون غفرته‌هایی که از مرگ نیرو می‌گیرند و به رقص در می‌آیند، خصایص «ذاتی» بشر، رقابت، سود بیشتر، خود پرستی و فرد گرایی را در گوش‌ها می‌خوانند و «بازار آزاد» و قدرت تکرالقول پول و سرمایه را به عنوان پایه‌های اساسی تکامل و پیشرفت، به یاغیان و شکست خوردگان یادآوری می‌کنند.

و مگر می‌توان خانه و کاشانه خود را، که برج و بارویش با شکست آن تلاش نافرجام فرو ریخته است، بی‌درده‌سر از این موج پر قدرت محافظت کرد و از نعره پیروزمندانه سرداران فاتح «جهان آزاد»، سردارانی که تیر بر چشمان هیولای به ظاهر رویین تن نشانده‌اند، بر خود نلرزید؟ «چپ آزاد اندیش»، در این کاشانه ویران و در زیر نعره‌های هراس‌انگیز سرداران فاتح تولد یافته و نمی‌تواند نشانه‌های این ویرانی و ترس را در خود نداشته باشد.

پس، شتابان در پی آن است هر نشانه و اشاره‌ای از هم خونی و هم پیروندی با شکست خوردگان و ساکنین «خانه اشباح» را از شجره نامه خود پاک کند و گذشته خویش را یک سره همراه با آن شکست به خاک سپارد. «هویت تازه» را در آن جستجو می‌کند که کمونیسم را از یک ضرورت تاریخی به اندیشه‌های اوتوپایی یک متفکر آرمان‌گرا تقلیل دهد، تناقضات «سوسیالیسم ماركس» با واقعیات دنیای معاصر؛ همان واقعیاتی که بشریت فردگرا، منفعت طلب و سودپرست را بر تارک تاریخ می‌نشانند؛ را آشکار سازد. کمونیسم و سوسیالیسم را از آینده انسان زحمتکش، انسانی که سودای برافکندن ستم و به چنگ آوردن عدالت داشته است، به «مجموعه‌ای از ارزش‌ها» تنزل دهد که قرار است به تدریج تحقق یابند و چهره جهان را انسانی تر کنند. مبارزه طبقاتی را که می‌بایست روزی به سرانجام برسد و آن گونه که پیام‌آوران عدالت و نیک‌بختی وعده داده بودند، به پیروزی اردوی توده زحمت و برافکندن سلطان ستم‌گران بی‌انجامد، می‌پذیرد» تا از «محدودیت‌های زیان‌بار تنفکر طبقاتی» شکه کند و این مبارزه را به چنان «واقعیت» بی‌خطری تنزل دهد که حداکثر سودش، افزودن لقمه‌ای بر سفره توده زحمت است. امید به برقراری یک دنیای عادلانه و انسانی را از جهان ما می‌گیرد و در هراس از قربانی شدن فرشته معصوم آزادی به تیر هیولایی که خود را عدالت می‌خواند، جاودانگی نظم موجود و انسانی‌تر کردن آن چه را که انسانی نیست، توصیه می‌کند.

آن چه نوید می‌دهد، دنیایی است که بزرگ‌ترین پیروزی در آن «انسانی» کردن ستم است.

### (۲)

آن‌ها که از شکست سوسیالیسم قرن ما، شتابان نفی تمام و کمال کمونیسم را نتیجه گرفته‌اند، برای از میان برداشتن هر گونه امید و خوش‌بینی به آینده، در تلاش خستگانند «سرچشمه» هستند، پس به مارکس بازگشته‌اند تا ذهنی بودن دیدگاه‌های او و تناقضات «سوسیالیسم مارکس» را با چنانیان ثابت کنند و با دهن او، کمونیسم را نیز به گور سپارند. نفی آن چه را مارکس در باره سوسیالیسم و کمونیسم گفته است، برای نفی ضرورت تاریخی برپایی استقرار جامعه عادلانه، خالی از ستم و رها از استثمار، کافی یافته‌اند.

کمونیسم اما، زاده تفکر مارکس نیست، زاده تفکر هیچ متفکری نیست. کمونیسم آرمان و اوتوپایی اجتماعی است که همزاد نظام طبقاتی و ستم طبقاتی است. آرمانی که هر دوره به نامی، اما همواره آرزوی بشر تحت ستم برای رهایی از ستم باقی مانده است. با پیدایش سرمایه‌داری و تکامل آن، آرمان کمونیسم مفهومی عینی و واقعی یافت و زمینی شد. از یک پندار، از یک رؤیا و خیال، به یک جنبش عظیم اجتماعی تبدیل شد و میلیون‌ها انسان را در سراسر کره زمین به حرکت درآورد. ظهور مارکسیسم محصول این جنبش عظیم اجتماعی بود و نه پیدایی این آرمان، زاده تفکر مارکس. سهم مارکس و مارکسیسم در روشن کردن خطوط اساسی این آرمان بسیار بزرگ است، اما مارکسیسم خود رودخانه‌ای، هر چند خروشان است که از سرچشمه چاری است. سرچشمه، خواست و اراده مهار نشدنی طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش و روشنفکر برای زندگی در جهانی بهتر از جهان تقسیم شده به فرا دستان و فرو دستان است. مگر می‌توان این سرچشمه را خشکاند؟

### (۳)

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، نخستین گام بزرگ برای به سرانجام رساندن این اراده و نخستین تلاش مهم برای انسانی کردن مناسبات حاکم بر جامعه انسانی بود. این انقلاب، فقط ناشی از بروز تضادهای شدید داخلی نبود، نتیجه نخستین موج نیرومند جنبش سوسیالیستی اروپا نیز بود و از این موج پر قدرت تأثیر می‌گرفت. این انقلاب به

اقتصادی، همه ظرفیت‌های خود را به پایان نرسانده باشد و نیروهای مولده خود را تا آن جا که امکان هست رشد نداده باشد، از میان نخواهد رفت. بر پایه این حکم مارکس، پیشرفت‌های سرمایه‌داری در قرن اخیر دلیلی بر ناپهنگام بودن سوسیالیسم و فرو پاشی آن شمرده می‌شود. مارکس در زمان خود از این حکم این نتیجه را گرفته بود که سرمایه‌داری به زودی فرو خواهد پاشید و جای خود را ناگزیر به سوسیالیسم و سپس کمونیسم خواهد داد، زیرا نظام کپن (سرمایه‌داری)، به پایان خط رسیده و مناسبات تولیدی به مانع تکامل نیروهای مولده بدل شده است. از آغاز قرن، جناحی از سوسیال دموکراسی اروپا این پیش بینی مارکس را مورد تردید قرار داد و همراه با آن دیگر آرزوایی‌ها و نظرات مارکس در باره ضرورت انقلاب سوسیالیستی را به کنار نهاد و طرفدار گذار تدریجی به سوسیالیسم شد. مدافعان تازه نفس سوسیال دموکراسی، شکافی را که در مارکسیسم پدید آمد، تنها ناشی از این اختلاف نظرها می‌دانند و «تاریخ» را شاهد درستی سوسیال دموکراسی در برابر «بلشویسم» می‌گیرند.

منازعه‌ای که تا امروز نیز در مورد حقانیت سوسیال دموکراسی و یا کمونیسم وجود دارد، منازعه‌ای تنها تئوریک نیست. برخی از «چپ‌های دموکرات» ایرانی حاصل نواندیشی خود را چنین جمع‌بندی می‌کنند که: پس از انقلاب نخست روسیه، بلشویک‌ها می‌بایست از انقلاب تازه و تصرف قدرت خودداری می‌کردند، در موضع اپوزیسیون باقی می‌ماندند، به انقلاب بورژوا - دموکراتیک فرصت رشد می‌دادند و نقش خود را به دادن «پیشنهادهای سازنده» محدود می‌کردند. به بیان صریح‌تر: می‌بایست «قدرت دموکراتیک روسیه» به ادامه جنگ و کشتار مردم، تکه پاره کردن جهان و مشارکت در ویرانی دنیا آزاد می‌ماند و از طریق پیشنهادت سازنده مورد انتقاد قرار می‌گرفت! اگر «حکومت دموکراتیک» روسیه در نیمه این راه از قدرت به زیر کشیده شد، اما سوسیال دموکراسی اروپا فرصت یافت که این راه را به طور کامل ببیماید. نتیجه این راه هم‌آوایی با سرمایه‌داری در جنگ خانمان‌سوز نخست و هم صدایی با سرمایه‌داران «خودی» در فرا خواندن طبقه کارگر و توده‌های مردم کشور خود به قتل عام طبقه کارگر و توده‌های مردم کشورهای دیگر بود.

پیوستن به چنین اعتقاداتی به هر نام، پیوستن به یک موضع اجتماعی معین است. گذار سال‌ها، اهمیت قرار گرفتن در چنین موضع اجتماعی معینی را کم‌رنگ نمی‌کند. همان تاریخ، که همه کس مایل است آن را به نفع خود به شهادت بگیرد، نشان داد آنان که به نام سوسیالیسم این راه را برگزیدند، بیشتر و بیشتر از سوسیالیسم دور شدند و امروز تنها نامی از آن و تعدادی اندرزه‌های اخلاقی در باره سوسیالیسم و عدالت برایشان به یادگار باقی مانده است. احزابی که می‌خواستند سوسیالیسم را از طریق رفوم متحقق سازند، خود اعتراف می‌کنند که حتی دیگر حزب رفوم نیستند و هیچ آلت‌رناتیو واقعی در برابر سرمایه‌داری ندارند. این تنها بیان نیمی از حقیقت است اگر گفته شود سرمایه‌داری ابتدای قرن هوز در آن قرار بود و نگفته بماند که آغاز کدام راه؟ این راه، راهی بود که هم به سوی پیشرفت‌های خیره کننده می‌رفت و هم به سوی فنجاب و جنگ‌های ویرانگر و نابود کننده. در حالی که طلیعه آن پیشرفت‌های خیره کننده تازه در حال دمیدن بود، فنجاب و جنگ‌های ویران کننده، جهان را در کام خود کشیده بود.

سرمایه‌داری با ایجاد طبقه کارگری که حقیقتاً به جز زنجیرهای خود چیزی را برای از دست دادن نداشت، با به کار کشیدن کودکان، با استثمار شدید مردان و زنان، با تشدید شکاف‌های طبقاتی و با به اقتدار کشتادن همه دنیا و سر انجام نیز با برافروختن آتش جنگی جهانگیر، میلیون‌ها انسان را قربانی می‌ساخت و جهان را بر سر دو راهی بازگشت به بربریت و یا انتخاب راهی جدید قرار داده بود. آن‌ها که قصد رفوم و اصلاح سرمایه‌داری را داشتند، خود به این معرکه جنون امیز پیوسته و گرم کننده آتش جنگ شده بودند. در چنین دنیایی بود که انقلاب سوسیالیستی برای برافکندن شری که دامن بشریت را گرفته بود، هم یگانه راه نجات و هم امکان پذیر شمرده می‌شد. هیچ کس، حتی انقلابیون روسیه، بر این تصور نبودند که این رسالت بر دوش روسیه، که کشوری نسبتاً عقب مانده بود، قرار گرفته است، اما حوادث به گونه‌ای پیش رفت که اردوی سرمایه در این نقطه شکاف برداشت و روسیه پیشتر اقلالبی شد که همه کس منتظر بود تا آلمان و فرانسه و همه خاک اروپا را در نوردد. هیچ کس، جز آنی که تنها در آمدن آفتاب را دلیل وجود آفتاب می‌دانند، نمی‌توانند ادعا کنند انقلاب آلمان و اروپا در صورتی که سوسیال دموکراسی به آن پشت نمی‌کرد، از شانس پیروزی برخوردار نبود و نمی‌توانست رسالتی را که بر دوش داشت، به انجام برساند. در آن صورت سیمای جهان امروز ما قطعاً به صورت دیگری در می‌آمد.

انقلاب در اروپا شکست خورد. اما تنها شیبانان می‌توانند انتظار داشته باشند که با این شکست، روسیه نیز می‌بایست پرچم سفید برافرازد و ملت و کشور خود را بار دیگر به سرمایه‌داری تسلیم کند. علی‌رغم شرایط نامساعدی که نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان در آن گرفتار آمد و علی‌رغم همه کج‌رویی‌های بزرگی که نیروی آن را به تحلیل برد، این انقلاب نشان داد می‌توان سرمایه‌داری را پشت سر نهاد و نظام دیگری که سطح بهتری از پیشرفت را تأمین کند، بر پا ساخت. دلیلی وجود ندارد نشان دهد ادامه رشد سرمایه داری در روسیه قادر بود این کشور پشاور و ویران را بهتر و سریع‌تر و دموکراتیک‌تر در جاده ترقی و توسعه هدایت کند. «فرزندان مشروع» جهان ما، آن زمان که در تنهایی و غربت و بی‌کسی یا به عرصه حیات نهاد، و همگان چنین می‌اندیشیدند که عمری دو روزه دارد، از پای در نیامد؛ آن زمان به زانو درآمد که در اوج قدرت و اقتدار خویش، حق خود برای زندگی را، به همه «فرزندان مشروع» گیتی تحمیل کرده بود. با هر سالی که سپری شد، امکانات سرمایه‌داری برای شکست سوسیالیسم کمتر و کمتر شد. انفجار و ادامه در صنف ۷

## نتیجه‌گیری‌هایی از نتیجه انتخابات

امیر شمبینی

نتایج انتخابات ریاست جمهوری همه را غافلگیر کرد. هم حکومت را و هم مردم را. هم جناح راست‌تر و هم جناح راست را. هم ولی فقیه و رئیس‌جمهور پیشین را. هم کاندیدای پیروز انتخابات یعنی آقای خاتمی را. اما آنکه شاید بیش از همه غافلگیر شد اپوزیسیون بود، هم آنهایی که معتقد به شرکت بودند، هم آنهایی که معتقد به شرکت نبودند.

در میان آنان که مخالف شرکت بودند نیز هستنندگان گریه‌هایی که فقط در پی نفی و ستیز و تخریب هستند. اما بسیاری از آنان که به عدم شرکت رای دادند بطور جدی در جستجوی راهی برای تأثیرگذاری بر مبارزه مردم هستند. امروزه خوشبختانه در گستره نیروهای چپ و دموکرات تلاش برای درک جدی‌تر سیاست رو به زرفش است. دموکراسی هیچگاه در میان ایرانیان این اندازه نیرومند نبود. باید با احترام به این سنگبازی، و برخورد مسئولانه نسبت به تلاش‌هایی که هر یک می‌کنیم، برای تقویت این روند بکوشیم.

سازنده نیست. این کار چیزی به کسی یاد نمی‌دهد بلکه شکافها را بیشتر می‌کند. موضوع این است که روند این انتخابات بسود حقانیت آن موضعی بود که می‌خواهد با مبارزه مردم ارتباط برقرار کند و خود را به مبارزه مردم گره بزند. این حادثه مهم، با خونسردی و متانت، و با شیوه‌های سازنده می‌تواند تحلیل شود و از آن برای بهسازی موضع مجموع جنبش بهره‌گرفته شود. فراموش نباید کرد موضع‌گیری‌ها گاهی اتفاقی هستند و نه همیشه مبتنی بر یک روش استوار. مثلاً من خود که در سرشت فکر خویش خواهان شرکت در مجموع مبارزات مردم و همه انتخاباتی هستم که مردم در آنها شرکت می‌کنند، در جریان انتخابات اخیر برخورد مهم‌آلودی داشتم و به این نتیجه رسیده بودم که انتخابات رئیس‌جمهور با سایر انتخابات فرق می‌کند و چندان چیز از این انتخاب نمی‌مآسد و از همین رو، اگر چه در موضع عدم شرکت نبودم اما راه عابرویی هم برای شرکت در انتخابات باقی نگذاشته بودم. اکنون که برخورد خود را تحلیل می‌کنم می‌بینم که من شناخت اندکی از واکنش مردم در این مسئله داشتم و اوضاعی که اکنون بسیار روشن می‌نماید در نظر من سخت مهم‌آلود بود.

این رژیم ارتجاعی است و باید این را به مردم گفت و آنها را علیه این ارتجاع بسیج کرد و در سمت برکنار کردن این سیستم سرکوبگر هدایت کرد. اما، چنین درک و چنین کاری نه تنها مغایرتی با شرکت در مجموع مبارزات قانونی و روزمره مردم ندارد، بلکه بدون چنین مبارزه‌های ادعای آگاه و بسیج کردن مردم نیز پایهای ندارد. ما، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی اجتماعی و سیاسی خویش ناچاریم همواره حرکت گام به گام را با تلاش برای بلندتر کردن گامها و چند گام یک گام به سوی هدف رفتن تلیق کنیم. ما همواره ناچاریم یک استراتژی موازی را در سمت دستیابی به امجای خود بکار بندیم. سیاست هم زندگی است و از بسیاری از قانونمندیهایی آن پیروی می‌کند. تلیق هدفهای بلند مدت و کوتاه مدت، تلیق گامهای کوچک روزمره با ستگیری عمومی برای رسیدن به پس آماج جنبش، زیستن و رزمیدن، چنین است روشی که به نظر می‌رسد درست‌تر باشد.

**توضیح**  
بعلمت تراکم مطالب این شماره ادامه مقاله در آستانه امروز به قلم رفیق امیر شمبینی امکان چاپ نیافت. قسمت پنجم این مقاله در شماره آتی شره دوچ خواهد شد.

# پایان انتقابات، آغاز یک انتقاب

شاهرخ قدیمی

## آری می‌توان

ادامه از صفحه ۶

درستی این نظر است. اگر به خود آقای خاتمی هم این برنامه را بعنوان برنامه کار یک رئیس‌جمهور ارائه دهند او به ریش یک چنین رئیس‌جمهوری خواهد خرید تا رسد به مردمی که اصولاً به اجرای کوچکترین بندی از بهترین برنامه‌ها هم از طریق این حاکمیت اطمینان ندارند. مردم بخواهی از حضور فیلترهای متعدد در بالای سر رئیس‌جمهور که حتی اگر در بهترین حالت قصد اصلاحاتی را داشته باشد، آگاهند. مردم در این انتخابات به خاتمی نه بعنوان منجی و نه بعنوان کسی که قادر به حل معضلات موجود است، بلکه بخاطر نشان دادن نفرت خود از ولی فقیه، از شورای نگهبان، از ناطق نوری و بر علیه غلبه کامل جناح راست در تمامی عرصه‌ها، رای داده‌اند.

در عین حال بایستی جوانب دیگر این بازی پر پیچ و خم سیاسی را نیز از نظر دور نداشت و فعلاً تا آینده‌های دستکم چند ماهه صبر و حوصله نشان داد. بعید نیست که این نیز یکی دیگر از زیرکی‌های این رویه همه‌کاره باشد. شاید اگر از طرف صاحبان قدرت تقلب مستقیم در نتیجه آرا صورت نگرفت ولی این امکان که آنها با زیرکی تمام و بوسیله تلیق منفی حساب‌شده علیه خاتمی، برای حرات‌های بعدی خود و گریز از بن‌بست روابط بین‌المللی، مردم را به رای دادن به خاتمی ترغیب کرده باشند چندان دور از واقعیت نیست.

از آن طرف هم جناح پیروز را که با پشتوانه آرای میلیونی مردم دچار است به این سادگی نمی‌توان از سر راه برداشت. این جناح از پشتیبانی رهبران مذهبی مردم برخوردار است. مذهبیونی که اگر بطور آشکار تاکنون سخنی از ایشان در میان نبوده ولی قطعاً در فعل و انفعالات اخیر اثر انگشت‌شان را می‌توان دید. چنانچه آمار دقیقتری از نتیجه آرا در دست می‌بود به مراتب راحت‌تر می‌شد در این سازه نظر داد ولی با یک حساب سرانگشتی نیز می‌توان فهمید که بخش اعظم رای‌دهندگان مقلدان مراجع تقلیدی که مدافع حاکمیت مطلق جناح راست و خامنه‌ای باشند نیستند.

مراجع تقلید صاحب نفوذ در میان مردم از دوران خمینی در عرصه فعالیت‌های سیاسی نقش علنی نداشتند و در عین حال با ملاحظه اینکه خمینی در هرحال خود یک مرجع تقلید قابل قبول در حد مراتب مرجعیت بوده است مورد مخالفت آشکار و جدی مراجع تقلید دیگر قرار نداشت. اما خامنه‌ای از همان ابتدای کار با بلندپروازی و جسارت و با همدستی بقیه فرصت‌طلبان ره چند ساله را یک شبه طسی کرد و صاحب مقام آیت‌اللهی و مرجعیت تقلید شد. این امر از همان آغاز با اعتراض محافل روحانی صاحب‌نام مواجه شد و این محافل آن را برنمی‌تافتند. سکوت آنان اما به این معنا نیست که خطر قریب‌الوقوع آیت‌الله شدن ناگهانی رفسنجانی یا ناطق نوری در آینده را نادیده گرفته باشند و در مقابل آن واکنشی نشان ندهند. باید به ریشه و هواداران بحث چگونگی مشروعیت ولی فقیه و اینکه این مباحث در کدام محافل و توسط چه کسانی دامن زده می‌شود مراجعه کرد. شاید در آینده شاهد به رای‌گذاشته شدن ولایت فقیه نیز بتوان بود!

لحظات درگیر چگونگی اعلام عدم شرکت خود در انتخابات باقی ماند و مقالات آخرین شماره‌های نشریه کار نشان از عدم یک ارزیابی دقیقتر از اوضاع و احوال را دارا بود.

همانطور که در بالا گفته شد کلیه نیروها با نمایشی‌دانستن انتخابات و معلوم بودن نتیجه آن، چیزی جز اعلام ریاست جمهوری ناطق نوری را پیش‌بینی نمی‌کردند و این «حکم قطعی» فصل مشترک تمامی تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های کلیه نیروهای اپوزیسیون داخل و خارج اعم از دمکرات و غیردمکرات، مذهبی و غیرمذهبی، سلطنت‌طلب و جمهورخواه و... بوده است.

جناح راست حاکم بر ایران نیز با همه اعران و انصارش، با اتکا به ماشین تبلیغاتی عریض و طویل خود که از بیش از یک سال قبل با همه توان، در خدمت رئیس‌جمهور شدن آقای ناطق نوری فعالیت می‌کرد، تردیدی نداشت که برنده نهایی خواهد بود. مرتجعین برای بالا بردن ضریب موفقیت بسیاری از صاحبان سرمایه را به حمایت از خود وادار کرده بودند. علاوه بر بازار، شورای نگهبان، انصار حزب‌الله و... مقام رهبری نیز برخلاف موازین علناً از ناطق نوری حمایت می‌کردند.

آنچه که از لاپلاهی این نظرات بیشتر به چشم خواننده و گوش شنونده می‌آمد اینکه گویا تمام تلاش حاکمیت «گرم کردن تنور انتخابات» است و وظیفه اپوزیسیون هم در مقام مبارزه با آن، طبیعتاً سرکردن آن، و آنچه که در این میانه به حساب نمی‌آمد تصمیم‌گیری مستقل خود مردم و شرکت گسترده افکار روشنفکر، زنان و جوانان در مقابله با جناح مستبد حاکم بود.

اما شرکت بیش از ۳۰ میلیون از ۳۳ میلیون رای‌دهنده در این انتخابات هم طرفداران «تنور گرم» و هم مبارزین «تنور سرد» را آجمز کرد. حاکمیت از این گرمای تنور باران می‌طلبید که سیل گرم آن بنیان تمامی خوشحالی‌ش را برکنند. اپوزیسیون نیز با همه تلاش خود کمتربین نقش در سرکردن این تنور ایفا نکرد و در این میانه این مردم بودند که یکبار دیگر با واکنش خود خط بطلان بر تمامی پیشداوری‌ها کشیدند. مردم با این حرکت خود نشان دادند که اگر چه با تأخیر ولی به موقع خود قادرند بر چگونگی روندهای جاری تأثیر معین را بگذارند.

اما آنچه که اپوزیسیون و حاکمیت از دیدنش در جهت ارائه ارزیابی از نتایج انتخابات غافل بودند، اینکه روند شرکت و تأثیرگذاری مردم از طریق انتخابات و ریختن آرا به صندوق‌های رای، بعنوان یکی از ابزارهای مبارزه با نظام ولایتی و شخص خامنه‌ای، از مرحله انتخابات مجلس پنجم آغاز شده بود. در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورا فائزه رفسنجانی نه بواسطه نام و نشان پدرش، نه بواسطه ارائه یک برنامه پیشرفته و یا حتی بواسطه زن بودنش، که تنها به دلیل مخالفت مردم با جناح مخالف صاحب رای اول تهران شد. مردم نه در این انتخابات و نه در انتخابات مجلس پنجم و نه در هیچ انتخابات دیگری به برنامه‌های ارائه شده رای نداده‌اند. نگاهی کوتاه به برنامه آقای خاتمی دلیل

همه ما، چه آنها که خواهان شرکت بودند و چه برعکس، در زمینه ارزیابی از گستره شرکت مردم و چگونگی رای آنها دچار پنداشت‌های بسیار دور از واقعیت بودیم. این مسأله کمتر از مسأله دوم (موضع‌گیری ما) اهمیت ندارد و ما باید مشترکاً هم‌اندیشی کنیم و علت اشتباهات خودمان را در این زمینه بازشناسیم. پیش از انقلاب، در آستانه انقلاب، در آغاز سرکوب و تا امروز، ما این اشتباه را در باره چگونگی کنش واکنش مردم و ملت خودمان تکرار می‌کنیم. چرا؟ آیا دلیل اصلی آن نیست که ما، پدیده روشنفکر و چپ، هنوز پیش از آن از مردم جدا هستیم که از روانشناسی و حرکت‌های آن بتوانیم ارزیابی بدست بدهیم؟ و چگونه می‌توان این شکاف همه‌سویه را کم کرد؟

و اما، در زمینه دوم که گزیش موضع نسبت به انتخابات باشد. کسانی سعی خواهند کرد از آب گلد ماهی بگیرند و غافلگیری همگانی را به صورت غافلگیر شدن و غافلگیر کردن حریفان خودشان درآوردند و خلاصه کلوخی، سنگی، چیزی زیر پایه صندلی خود و یا حیزشان بگذارند. این کار سیاسی هست، اما منصفانه نیست. کوبنده هست، اما

هیچیک از نیروهای اپوزیسیون خواهان شرکت، این ارزیابی را نداشت که جناح راست‌تر شکست می‌خورد و مردم در این ابعاد در انتخابات شرکت می‌کنند. وقتی خود حکومت، که می‌خواست در باره شرکت مردم در انتخابات مبالغه کند، غافلگیر می‌شود، نیروی مخالف رژیم چگونه غافلگیر نشود؟ مدافعین شرکت، یا (به درستی) منطق مبارزه را در چنین شرایطی شرکت می‌دیدند. یا - علاوه بر آن یا منهای آن - فکر می‌کردند در برابر پدتر، به بد یا کمتر بد رای می‌دهند. و مخالفین شرکت، که - طبیعتاً بدبین‌تر بوده‌اند - نه منطق‌شان شرکت را ایجاب می‌کرد، و نه در این شرکت سودی برای مردم می‌دیدند. راست این است که، آنجاکه به مسأله انتخابات ریاست جمهوری برمی‌گردد، نه منطق مدافعین شرکت آنگونه قوی بود که اکنون به نظر می‌رسد، و نه منطق مخالفین آنگونه ضعیف بود که اکنون به نظر می‌رسد. در میان مدافعین شرکت، سنگ‌راهی هم پیدا می‌شوند که می‌توان گفت با شتاب به سوی تسلیم کامل به وضع موجود پیش می‌روند و از حوادثی از اینگونه بسود تسلیم سرنوشت ایران به دست اهریمن زور بهره می‌گیرند. در شرایط کتونی کشور ما باور به دموکراسی در مبارزه برای دموکراسی تجلی می‌یابد، و مبارزه در هر شکل آن با اعمال قدرت همراه است. اما بخش بزرگ طرفداران شرکت یا موضعی منطقی‌تر داشته‌اند یا مستعد چنین موضعی هستند.

فروپاشی، بیش از هر چیز از درون صورت گرفت. این انفجار و فرو پاشی از آن رو نبود که سوسالیسم همه ظرفیت‌های خود را به کار گرفت و به پایان خود رسید، به این دلیل بود که ظرفیت‌های عظیم خویش را بلا استفاده گذاشت و خود به دست خویش امکان اصلاح و رفرم را از خود سلب کرد.

ما امروز در پایان قرن، همچنان با مسأله‌ای مواجهیم که در آغاز قرن تصور می‌شد برای همیشه روشن شده است. مسأله اساسی این است: کدام معیار را می‌توان میزان سنجش قرار داد که یک نظام اقتصادی و اجتماعی به پایان خود رسیده است یا نه؟ هم پیشرفت‌های حیرت‌انگیز سرمایه‌داری در جهان کوچک اما قدرت‌مند صنعتی و هم فقر و گرسنگی جهان گسترده آماکم تأثیر عقب مانده و شکاف دم به دم رو به افزایش «شمال» و «جنوب»، هر دو واقعی است. اما برای تحلیل و نتیجه‌گیری از این واقعیات معیار و موضع واحدی وجود ندارد. از کدام موضع و معیار باید به این واقعیات متناقض نگریم؟ و چه چیز را ملاک ارزیابی قرار داد؟

سرمایه‌داری مفهومی جهانی است و با شکست سوسالیسم شوروی، امروز بر سرنوشت بشریت و تمامی کره خاکی ما چیره شده و دیگر نمی‌تواند انکار کند مسئول آن چه است که در جهان ما روی می‌دهد. در این جهان بزرگ، با محور یاغیان، همه‌خانواده امروز دیگر به خون شده است و وجود چند جنبنده‌ای که هنوز خون بیگانه در رگ‌های آنان جاری است، به حساب نمی‌آید. پس مسئول آن چه در خانه می‌گذرد، فرمان‌روایان خانه‌اند.

سرمایه‌داری، امروزه بیش از هر زمان حامل و عامل پیشرفت‌های بزرگ تکنیکی، فنی و تولیدی است. این پیشرفت‌ها اما، نه تنها باعث رفح فقر و گرسنگی و انواع ستم نشده است، بر فبرست بی‌شمار ناعادالتی‌ها افزوده است. بخش بزرگ و گسترده جهان ما عقب مانده، غرق در گرسنگی، آوارگی، درددری، بی‌سوادی، عدم بهداشت، جنگ‌های خامان سوز و بلاهای بین‌المللی و استبداد و دیکتاتوری‌های خونین است. محیط زیست برای ادامه حیات روز به روز خطرناک‌تر می‌شود. سرمایه‌داری تئوراسته است و هیچ چشم‌اندازی هم وجود ندارد که بتواند بر فجایعی که خود مسبب آن‌هاست غلبه کند و یا راهی برای تخفیف این فجایع و ستم‌ها ارائه دهد. نظام سرمایه‌داری بی‌عدالتی را به گونه‌ای گسترده و عمیق باز تولید می‌کند.

آیا سطح پیشرفت‌های تکنیکی، مادی و تولیدی بشر به آن جایی رسیده است که بتواند به نیازهای انسان‌ها به طور عدالته‌تری پاسخ دهد و ننگ فقر و گرسنگی و تبعیض را از چهره سیاره ما بزداید، یا بشر هنوز تارخیا در تأمین نیازمندی‌های خود، در سیر کردن شکم خود و در پایان دادن به تبعیض و ستم بر خویش، ناتوان و درمانده است؟ به این مسأله دو گونه می‌توان پاسخ داد: پاسخی که وجود فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی را به مسأله تکنیکی و ناشی از ادامه دارد

## در نقد عملکرد و مواضع شورای مرکزی در انتخابات ریاست جمهوری

### فرخ نگهدار

### در نقد عملکرد طرح مسئله

شورای مرکزی سازمان ما قبل از انتخابات با صراحت و تاکید بسیار گفته است مردم نباید در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند. شورا از توده‌های مردم خواسته است به پای صندوق‌های رای نروند. نشریه کار به صراحت گفته است امید کسانی که به پیروزی خاتمی دل بسته‌اند عبث است. او به پیروزی نخواهد رسید و اگر برسد کاری نخواهد کرد.

از سوی دیگر هزاران هزار نیروی علاقمند به سازمان آرمان‌های آن رهنمود و نظر شورای مرکزی دایر بر تحریم انتخابات را ناپسندیده گرفته و خود تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت کنند و با رای‌دادن به آقای خاتمی، هوس‌های آقای خامنه‌ای برای تحمیل ناطق نوری - یعنی تحمیل استبداد بیشتر - را شکست دهند. ۲۰ میلیون رای که علیه ناطق نوری به صندوق ریخته شد مرجعین را وحشت‌زده کرد، آزادخواهان را روحیه و جان تازه‌ای بخشید، و جهان را با بزرگترین شگفتی‌ها مواجه ساخت.

بلافاصله بعد از انتخابات شورای مرکزی از اینکه مردم در انتخابات شرکت کرده و رای خود را علیه نامزد رسمی حکومت به صندوق‌ها ریخته و او را شکست داد استقبال کرده و آن را یک پیروزی بزرگ علیه حکومت فقهی تلقی کرده است.

در این فضائی که شورای مرکزی خود را در آن قرار داده است، بی‌پرده و صادقانه سخن گفتن پیرامون رفتار خویش کاری بس دشوار - و شاید دشوارترین کارها باشد اما: - نظر به اهمیت تاریخی انتخابات اخیر ریاست جمهوری و تأثیر عمیق آن در اوضاع سیاسی کشور - نظر به اینکه تحلیل و رفتار شورای مرکزی از سوی توده اصلی نیروهای علاقمند به سازمان رد شده و مورد اعتراض و سؤال بسیاری از کادرها قرار گرفته است - بالاخره نظر به اینکه تحلیل، رفتار و موضع شورای مرکزی در این انتخابات هیچگاه و از هیچ نقطه‌نظر برای من قابل دفاع نبوده است

از رفقای گرامی عضو شورای مرکزی بدینوسیله درخواست می‌کنم در باره مواضع و رفتار خود قبل و پس از انتخابات، در باره مبنای تحلیلی و اهداف سیاست‌هایی که اتخاذ شده و بطور مشخص در باره علل تشویق مردم به عدم شرکت و نیز در باره واکنش در قبال شرکت مردم و رای آنان بحث و تبادل نظر عینی صورت گیرد.

بعلاوه باز هم به دلیل اهمیت این انتخابات من به هیئت اجرائی پیشنهاد کرده‌ام که بسیار مناسب خواهد بود که جلسات منطقه‌ای با حضور اعضای از شورای مرکزی برای بررسی و اظهار نظر روی تحلیل‌ها و نقطه‌نظرهای مختلف پیرامون انتخابات اخیر سازمان باید.

احساس و اطلاع من این است که توان و صلاحیت رهبری و نیز اعتبار سیاسی تصامیم اعلام‌شده شورا در روند انتخابات از سوی نیروهای سازمان در ایران و از سوی بسیاری کادری تبعیدی در خارج مورد سؤال قرار گرفته است.

باز یافت این اعتبار نه از طریق گریز از انتقاد که تنها از سازمان‌دادن یک گفتگوی عینی، از طریق بررسی عمیق پایه‌های تحلیلی سیاست‌های ما امکان‌پذیر است.

### مواضع مختلف در شورا کدام بود

از حدود ۶ ماه پیش که بحث پیرامون انتخابات در شورا جریان یافت از همان ابتدا روشن بود که در شورا نظرات و پیشنهادهاى مختلف برای سیاست‌گذاری و موضع‌گیری در انتخابات وجود دارد. قطعه‌نامه‌های پیشنهادی به شورا به روشنی نشان می‌داد که اختلافات کدامند. این نظرات تا آنجا که من آن را فهمیده‌ام به قرار زیر بوده‌اند:

۱- نظری که معتقد بود که انتخاباتی که در پیش است ضدمکراتیک و در چارچوب ولایت فقیه است لذا سازمان باید به صراحت آن را محکوم و تحریم کند. (قطعه‌نامه پیشنهادی رفیق بنزادکرمی)

۲- نظری که معتقد بود سازمان باید از یکی از کسانی که خود را نامزد ریاست جمهوری کرده و مخالفت خود با اصل ولایت فقیه را اعلام کرده‌اند پشتیبانی کند. (قطعه‌نامه پیشنهادی رفیق مهدی فتاپور. (این نظر در پاسخ به این سؤال که اگر نامزد مذکور توسط شورای نگهبان حذف شود چه باید کرد معتقد بود که در این صورت وظیفه ما صرفاً اعتراض به حذف است نه اعلام تحریم).

۳- نظری که معتقد بود که سازمان باید همراه با دیگر جریان‌ها بکوشد کسی را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی کند که مسئولیت نمایندگی از سوی معرفی‌کنندگان را بر عهده گیرد. (قطعه‌نامه پیشنهادی رفیق ف. تابان)

۴- و قطعه‌نامه پیشنهادی من (فرخ نگهدار) که مطرح می‌کرد: در صورت شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع - حداقل به شمول کارگزاران و مجمع روحانیون - علیه ناطق نوری سازمان باید بطور روشن مردم را به شرکت در انتخابات و رای‌دادن به نامزد مشترک آن ائتلاف دعوت کند.

در بحث شورای مرکزی نظر من این بوده است، که به دلایل سیاسی روشن - در وضع فعلی مجال است نیروی مسلط بر جمهوری اسلامی به گشوده‌شدن یک جبهه سوم - جبهه مخالفان ولایت فقیه - تن دهد و لذا اشتباه خواهد بود اگر عدم امکان شرکت مستقل در انتخابات به تحریم انتخابات بیانجامد و یا مانع از رای‌دادن به کاندیدی ائتلاف مخالف ناطق نوری شود.

از روزی که احتمال به میدان آمدن آقای خاتمی بعنوان نامزد مشترک مجموعه نیروهای ناراضی درون و پیرامون

نظام مطرح شد بحث و اصرار و رای من در شورای مرکزی آن بوده است که سازمان باید فعالانه از هواداران دعوت کند که در انتخابات شرکت و با رای‌دادن به خاتمی در مقابل تعرض ولایت فقیه برای تحمیل استبداد بیشتر بایستند.

### چرا اختلافات را

#### به بحث عینی گذاشتیم

از حدود ۶ ماه پیش که بحث پیرامون مواضع ما در انتخابات در شورا مطرح و وجود مواضع و ارزیابی‌های متفاوت آشکار شد، اصرار و تاکید من این بوده است که نظر به اهمیت و پیچیدگی اوضاع باید نظریه‌های موجود در شورا به بحث عینی گذاشته شوند. بخصوص ضروری است مدافعین هر قطعه‌نامه با یکدیگر دیالوگ عینی داشته باشند.

اصرار من برای بحث عینی فقط ناظر بر پیچیدگی و اهمیت انتخابات نبود. بروشنی دیده می‌شد که در شورا ۴ نظر وجود دارد که هر یک برای خود معیارها و مبنای تحلیلی خاص خود را دارند. حقوق دمکراتیک آنان که این دستگاه رهبری را انتخاب کرده‌اند - یعنی توده اعضا و هواداران - ایجاب می‌کند که از نقطه‌نظرهای اعضای شورا مطلع شوند. ضرورت تقویت دمکراتیسم در مقابل لیبرالیسم ایجاب می‌کرد که همگان بخصوص اعضای سازمان نیک بداند که انتخاب‌شدگان در دستگاه رهبری سازمان دقیقاً چه می‌اندیشند و چه تصمیم می‌گیرند تا بتوانند در کنگره آتی در باره آنان تصمیم بگیرند. تفاوت یک سازمان لیبرالی با یک سازمان دمکراتیک آنست که در اولی رهبران - که زمانه آنها را به رهبری رسانده است - آزادند که تصمیم بگیرند و پیروان نیز آزادند که تبعیت کنند و یا نکنند. در یک سازمان دمکراتیک رهبران فقط زمانی آزادند در مسائل حیاتی تصمیم بگیرند که توده اعضا را از انگیزه‌ها، تحلیل‌ها و پیشنهادهاى خود مطلع کرده باشند. نه این هوا که به توده «لعین» آگاهی بخشد، که از کدام راه باید رفت، بلکه - و قبل از همه - بدین منظور که به آنان فرصت دهند که رهبران خود را بشناسند و در باره آنان - از جمله در کنگره - تصمیم بگیرند.

انتظار و شناخت من از مسئولین سازمان این بوده و نیست که آنها با سازماندهی بحث عینی پیرامون انتخابات مخالفت داشته باشند. منتها یقین دارم که اگر اهمیت و حساسیت قیودالعاده انتخابات درک شده بود، اگر اهمیت اطلاع و مشارکت نیروهای سازمان در روند بحث و تصمیم‌گیری در عرصه مسائل حیاتی در حد ضرور شناخته شده بود هیچ مانعی وجود نمی‌داشت که مسئولین سازمان اعلام کنند در شورای مرکزی کدام قطعه‌نامه‌ها ارائه شده و تحلیل پشتوانه آن کدام است.

### سکوت من

در هر حال چون انتظام از مسئولان هماهنگی شورا و دبیر نشریه کار چیزی فراتر بود، من شخصاً در انتظار تصمیم ارگان‌های رهبری سازمان برای سازماندهی بحث عینی باقی ماندم. اما وقتی چند روز قبل از انتخابات اعلامیه شورای مرکزی دایر بر دعوت مردم به عدم شرکت در انتخابات و انتشار یافت دریافتیم که انتظار بیهوده بوده است و من می‌بایست دلایل مورد نظر خود را پیرامون شرکت در انتخابات و متوجه کردن سمت اصلی ضربه بسوی ولایت فقیه از همان ابتدا به بحث عینی می‌گذاشتم.

پس از اعلام نظر رسمی شورا دایر بر تحریم اعلام مخالفت با آن از سوی نظر دیگری که در شورا وجود داشت جز شکستن وحدت اراده سازمان معنای دیگری نداشت. لذا ۴ روز قبل از انتخابات به مسئول شورای هماهنگی رفیق علی پورنتقی مراجعه کردم و از وی مشورت خواستم که چه باید کرد. تناقضی سخت و سنگین در برابرم قرار داشت. از یک سو مطمئن بودم تصمیم شورا عمیقاً اشتباه است و پیروزی خاتمی پیروزی ما، پیروزی مردم و ضربه‌ای به ولایت فقیه است. از سوی دیگر من در این دهها سال فعالیت سیاسی و سازمانی همواره تصمیم و اراده قانونی سازمان را محترم شمرده و هرگز در اجرای آن اغلال نکرده‌ام. این برای من یک پرنسیپ جدی، یک اصل اساسی دمکراسی بوده است. در پایان گفتگو با رفیق علی نظر مشترک ما این شد که گرچه بسیار مثبت می‌بود اگر قبل از تصمیم‌گیری نقطه‌نظرها به بحث عینی گذاشته می‌شد اما اکنون در آستانه انتخابات اعلام مخالفت با آن با پرنسیپ‌های دمکراتیک همسو نیست و با وضعی که متأسفانه پیش آمده است تنها برخورد اصولی موقوف کردن نقد مواضع اتخاذ شده به بعد از انتخابات است. اکنون که به پشت سر نگاه می‌کنم سکوت در برابر بی‌خبر گذاشتن نیروهای سازمان و مردم از بحث‌های شورا بسیار بیشتر از نشوریدن بر تصمیم شورا دال بر تحریم برابرم عذاب‌آور است. اگر آن سکوت نبود نیاز به شوریدن اساساً منتفی بود.

### آنچه بر وجدان فدائی بودن می‌خلد

اما آنچه بیش از همه مرا در این دوران آزار داد چیز دیگری است؛ همانگونه که در اجلاس‌های شورای مرکزی ملاحظه می‌شد، همه ما، مثل آنبوه روشنفکران، هنرمندان، دانشگاهیان، زنان، مثل توده وسیع جوانان ایران نه تنها نسبت به امکان شرکت و منتفی شدن ایستادگی مجمع روحانیون و کارگزاران در برابر یورش اطلاعات‌چی‌ها و انصار حزب‌الله به رهبری خامنه‌ای بی‌تفاوت نبودیم، نه تنها همیشه نگران بوده و هنوز هم هستیم که تمام قدرت به انحصار خشن‌ترین سرکوبگران درآید، بلکه قلباً و عمیقاً شایق و مایل بوده‌ایم که در مبارزات ادامه یابد و تقویت

شود. هیچ کس از ما نیست که از تقویت موقعیت خاتمی در مقابل ناطق نوری نگران بوده باشد. نگرانی عمده در میان همه اقشار متوسط و توده وسیع کارگران شهری از روند عکس بوده است. گرچه برای رهبرانی که زیر سرکوب و پیگرد نظام حاکم قرار دارند بیان این نگرانی در قالب یک تصمیم سیاسی معین در جهت حمایت از خاتمی تصمی بسیار دشوار و حتی ناممکن می‌نمود، با این حال کسی در بین ما نبوده است که پیروزی خاتمی را یک «تحول مثبت بزرگ با احتمالی کوچک» تلقی نکند. هم احساس و هم خرد ما به ما و نیز همه آزادخواهان ایران بوضوح ندا می‌داد که در مقابل ناطق نوری و خاتمی ما اصلاً بی‌طرف نیستیم. موضع داریم و بر صحت تشخیص و شناخت انتخاب خویش نیز عمیقاً باورمندیم.

تاریخ سازمان ما تاریخ وفاداری به باورها، تاریخ ابراز صریح، شجاعانه و آزادانه عقاید بوده است. انتخاب راه مبارزه مسلحانه در مقابل شاه، معیاریست اعتقاد به تشریحی راه بود نه تعداد جان‌هایی که از ما می‌ستانند. حمایت ما از خط امام معیاریست باور ما به اولویت مبارزه ضد امپریالیستی بود نه اینکه این سیاست چه سرنوشتی را برای خود ما رقم می‌زند. فاجعه این نبود که ما به تشخیص خود عمل کردیم، فاجعه خود تشخیص ما بود. در جریان وحدت با حزب توده ایران نیز یکی شدن مواضع و عقاید انگیزه بود، نه سود و زیان آن برای ما و «من‌های ما».

منشأ عذاب وجدان، برای ما، فقط این نیست که امکانات واقعی نهفته در دل جامعه برای رودروئی با استبداد و عقب نشاندن آن را ندیدیم. خاری که امروز بر وجدان فدایی بودن می‌خلد آنست که ما تشخیص می‌دادیم که تقویت خاتمی در مقابل ناطق نوری در وضع فعلی یگانه راه تضعیف ولایت فقیه و استبداد است اما به مردم گفتیم در این کار شرکت نکنید.

در مبارزه سیاسی «درست تشخیص دادن» هم هنر است و هم مایه سربلندی. اما برای ما فدائیان در طول دهه‌ها ولاترین مایه سربلندی چیز دیگری بوده است: بزرگترین افتخار ما ارائه نوعی تربیت یا فرهنگ سیاسی متفاوت از بازار جاری سیاست بوده است. ما سازمانی ساخته‌ایم که برای «من‌های آن مفهوم «ما» مفهومی ولاتر بوده است و این البته خصوصیت بسیاری از سازمان‌های دمکراتیک و سوسیالیستی است. آنچه ما ساخته‌ایم و از دیگران متفاوت است آنست که برای ما همواره مفهومی ولاتر از «ما» مطرح بوده است. نه «من‌های ما» خود را هیچگاه مافوق «ما» قرار داده‌اند و نه مفهوم «ما» برای ما مافوق همه ارزش‌ها بوده است. این صداقت گفتار و کردار و بندار در قبال مردم بود که برای ما فدائیان همواره ولاترین معیار ارزش‌ها و دستاورد نیک سرشتن ارزش‌های سوسیالیستی با سنت و فرهنگ شرق بوده است. اما در انتخابات اخیر احساس و خرد همه ما به ما چیزی و زبان و قلم ما به مردم چیزی دیگر را ندا می‌داد و این دردناک‌ترین لحظه در طول تاریخ فدائی است. این گونه «سیاست» گذاری ویرانگر هویت فدائی و تمام تاریخ اوست. تمام امیدم اینست که این حادثه به خصوصه ما بدل نشده باشد.

اما اینکه ما در آستانه انتخابات از حرکت مشترک با دو سازمان همکار (جمهوریخواهان و حزب دمکراتیک) به دلیل «تفاوت در موضع‌گیری» امتناع کرده و در همان حال پیشنهاد حزب توده برای حرکت مشترک را علیه «یگانگی در موضع‌گیری» رد کرده‌ایم ذهن فدائی را از سرنوشت نگران می‌کند که پس کدامت معیار عمل ما؟ تمام امید من اینست که حوادثی از این دست هرگز خصلت نمای تمام اندام این سازمان نشده است. مایه اصلی این امید در «وحدت فکر و عمل» هزاران هزار رای دهنده علاقمند به ارزش‌های فدائی در سراسر ایران نهفته است.

### در نقد مواضع

#### مواضع ما مرعوب قدرت سرکوب بود

از آقای خامنه‌ای گرفته تا تک تک سران اپوزیسیون هیچکدام نه پیش‌بینی می‌کردند که مردم به این وسعت در انتخابات شرکت کنند و نه پیش‌بینی می‌کردند سران رژیم با این سرعت و تا این حد از رئیس جمهور کردن ناطق نوری باز مانند. همه مفسرین خارجی و داخلی نتایج انتخابات را واقعی و ممکن نیروها در انتخابات، به اعتقاد من: اصلی‌ترین عنصر در نقد مواضع است.

مگر سران رژیم جز ارگان‌های سرکوب چه در اختیار داشتند که تا این حد همگان به قدرقدرتی آنان در تعیین نتایج انتخابات باور داشتند؟ همه کس می‌دانست که ناطق نوری بیش از آن منفور است که بتواند در یک رقابت سالم و عادلانه بر خاتمی پیروز شود. سرمقاله‌نویس نشریه کار در آستانه انتخابات نوشت احتمال پیروزی خاتمی بسیار کم و از قبل معلوم است که ناطق نوری رئیس جمهور می‌شود و تازه اگر به فرض مجال انتخاب شود هیچ‌کاری از دستش ساخته نیست. آیا اتکالی این نویسنده برای ایستادن روی این ارزیابی چیزی جز محاسبه رویی توان ارگان‌های سرکوب برای کنترل روندنا بوده است؟ حسین الله کرم، رهبران انصار حزب‌الله در «نشریه» تازه تاسیس‌اش - یا لئارات الحسین - با اشاره به مخالفان عریضه می‌کشد که تنش را به زیور نارنجک آراسته و بر سر راه آن رقیب «لیبرال» به انتظار نشسته که تا نزد عشق شهادت بازد.

دلیل اصلی اشتباه سران رژیم و اپوزیسیون در پیش‌بینی نتایج انتخابات مشخصاً پریها دادن به توان ارگان‌های سرکوب برای کنترل روندهای سیاسی در جامعه امروزی ایران بوده است. تحلیل جامعه‌شناختی ایران

امروزی به روشنی نشان می‌دهد که کنترل وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج، انصار حزب‌الله و زندان‌ها و دادگاه‌ها همه و همه تنها امکان کنترل بخشی از آنچه ما آن را «قدرت سیاسی» می‌نامیم فراهم می‌آورد. آناتومی قدرت سیاسی در ایران‌کنونی بروشنی نشان می‌دهد که ارگان‌های سرکوب - که بزبان لیبرالی نهادهای حافظ نظم و قانون نامیده می‌شوند - تنها یک رکن مؤثر در شکل‌دهی روندهای سیاسی بشمار می‌روند. در ایران امروز نهادهای دستگاه بوروکراسی و نهادهای جامعه مدنی نیز به دو رکن نیرومند و تأثیرگذار بر روندهای سیاسی بدل گشته‌اند.

در دوران رضا خان دستگاه سرکوب تمام قدرت بود. ولی در دوران آریامه‌پوری این وضع تنها به بهای رو به نابودی بردن سیستم توارنتس تداوم یابد. ایران پس از انقلاب یک دگردیسی ساختاری را تحمل شده است. قدرت سیاسی در ایران کنونی عملاً میان دستگاه‌های سرکوب، دستگاه بوروکراسی و نهادهای جامعه مدنی تقسیم شده است. کشور ما نه افغانستان و یا کردستان است که کنترل دستگاه‌های سرکوب و اعمال قهر به معنای تسلط بر تمام قدرت سیاسی باشد، و نه همچون اروپاست که کنترل این ارگان‌ها نقشی کم‌رنگ در شکل‌دهی روندهای سیاسی ایفا کند.

این ارزیابی مطلقاً خطاست که جناح حاکم از حداکثر امکانات و تهیدیات و از حداکثر خشونت ممکن برای به پیروزی رسانیدن ناطق نوری استفاده نکرده است. فعالیت وزارت اطلاعات و انصار حزب‌الله از یک سال پیش در اوج بوده است. سران رژیم بخصوص در یکساله اخیر بوضوح بسیار بیشتر از ظرفیت فیزیکی ارگان‌های اعمال قهر و بسیار بیشتر از حد تحمل جامعه از کرده این ارگان‌ها کار کشیده‌اند.

تمام برنامه‌های خامنه‌ای آن بوده و هست که به زور ارگانهای سرکوب هم تمام دستگاه دین و تمام دستگاه دولت و هم جزئیات رفتار مردم را کنترل کند. اما واقعیت اینست که حد رشد نهادهای جامعه مدنی به شکل خاص خود و حد رشد دستگاه بوروکراسی برنامه‌های وی را با دشواری‌ها و موانع جدی مواجه می‌سازند.

آقای خامنه‌ای سه‌سال پیش نیز تجربه کرده بود که چگونه دستگاه روحانیت - به مثابه یک نهاد نیرومند جامعه مدنی - مانع از آن شد که وی بتواند به کمک «بچه‌های اطلاعات» مقام رجوعیت را از آن خود سازد. اما او از این شکست هیچ نیامودخت.

در میان نیروهای اپوزیسیون نیز یک پشتوانه مهم تصمیم به تحریم انتخابات داشتن یک ارزیابی و تحلیل غیر عینی از توان سلاح برای کنترل روندهای سیاسی فعلی بوده است. جالب اینکه هرکجا که ارزیابی سازمان‌ها از توان قهر بیشتر بود، تحریمی وسیع‌تر از سوی مردم و اکثریت بزرگتر برای ناطق نوری پیش‌بینی می‌شد. سازمان مجاهدین می‌گوید ۶/۵ میلیون در رای‌گیری شرکت کردند و خاتمی همان ناطق نوری است.

### معیار مردم برای رای‌دادن

در انتخابات اخیر حدود ۸۹ درصد از حائزین شرایط در انتخابات شرکت و فقط حدود ۱۱ درصد آن را تحریم کرده‌اند. در تحلیل نتایج انتخابات اولین و چشمگیرترین پدیده سطح بسیار بالا و کاملاً استثنائی مشارکت مردم در انتخابات و بخصوص سنگین و خردکننده تاکتیکی تحریم برجسته است. من تصور نمی‌کنم تکرار شکستی در این ابعاد حتی در درازمدت نیز قابل پیش‌بینی باشد. جالب توجه اینست که در این انتخابات بر خلاف سابق از هیچ سوادعائی دایر بر ابعاد مردم به رای دادن گزارش نشده است و در جایی که ابعاد در میان نایند بالاتر از ۸۰ درصد بسیار رضایت‌بخش و حوالی ۹۰ درصد نشانه شور و انگیزه‌ای غیر معمول و پدیده‌ای اساساً استثنائی است. راستی چرا علیرغم دعوت عموم نیروهای اپوزیسیون به تحریم و علیرغم ماهیت به غایت ضد دمکراتیک کاندیداتوری و روند پرگزاری انتخابات و بخصوص علیرغم اینکه وسیع‌ترین قشرهای مردم با نظام جمهوری اسلامی مخالف‌اند، انتخابات اخیر ریاست جمهوری به استثنائی ترین انتخابات در طول تاریخ کشور ما به لحاظ درصد مشارکت‌کنندگان تبدیل شد؟ چرا مردمی که می‌دانیم آشکارا با حکومت مخالفند علیرغم رهنمود و اصرار احزاب مخالف حکومت در انتخاباتی که توسط همین حکومت ترتیب داده شده، شرکت می‌کنند؟ آنچه مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کرد فلج شدن اراده رهبری و شورای نگهبان برای فرمایشی و یکطرفه کردن انتخابات بسود ناطق نوری و ناتوانی سیستم حاکم در حذف و از میدان بدرکردن کاندیدی جناح مقابل بوده است. برخلاف تصور غالب بر شورای مرکزی سازمان ما و بسیاری نیروهای دیگر معیار مردم برای شرکت یا عدم شرکت اصلاً این نبود که این انتخابات چه تعداد نامزد حذف شده‌اند. معیار این بود کدام یک حذف نشده‌اند. شرکت یا عدم شرکت مشخصاً بستگی به این داشته است که آیا اولاً شورای نگهبان زوروش می‌رسد یا خدف همه رقبای جدی عملاً انتخابات را غیر جدی کند و یا در آخرین تحلیل و علیرغم تمام سرکوب‌گری‌ها رای مردم می‌تواند منشأ و تأثیر معینی در ترکیب حکومت باشد. علت اصلی شرکت مردم آن بود که بر همگان مسلم شد شورای نگهبان بدلیل شگاف‌های درون سیستم قادر نشده است مثل دوره‌های قبل انتخابات را خالی از مضمون کند و دو کاندیدا با سیاست‌هایی مشخصاً متفاوت، که هر یک از سوی نیروهایی متفاوت حمایت می‌شوند در صحنه رقابت باقی مانده و از این نقطه به بعد دیگر رای مردم است که تعیین می‌کند کدامیک اجازه دارند بین استبداد و کنترل بیشتر و یا تضعیف آن یکی را انتخاب کنند.

برای اولین بار بود که یک شهروند عادی کشور احساس می‌کرد صحنه انتخابات فرمایشی نیست. با اطمینان باید گفت اگر خامنه‌ای تمام قدرت سیاسی را در قبضه داشت هیچ چیز او را تشویق نمی‌کرد صحنه انتخابات را به عرصه رقابتی جدی میان دو کاندیدا تبدیل کند. این تقسیم قدرت سیاسی بین نهادهای مختلف حکومتی بود که جناح مسلط را وادار کرد به رقابتی جدی تن دهد.



## انتخابات ریاست جمهوری؛

### اعلام مخالفت مردم با ولایت فقیه

جمشید طاهری پور

کشوری که بیش از نیمی از جمعیت آن در سن کمتر از ۲۵ سال قرار دارند - اقلیت‌های ملی و مذهبی - در کشوری که ترکیب ملی جمعیت گونه‌گون است و همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب در آن سابقه‌ای کهن و دیرین سال دارد - کارمندان و کارگران آن نیروهای اجتماعی‌ای هستند که مقدم بر هر گروه‌بندی اجتماعی دیگری، سطره مذهبی را با علاقی و مطالبات خویش در تضاد و تعارض احساس می‌کنند و هم از این رو می‌توانند و قادرند نقش اجتماعی بس مؤثری در مبارزه علیه استبداد مذهبی بر عهده بگیرند. توجه به این نکته حائز اهمیت فراوانی است و اگر سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون ایران برآنند که عملکرد مؤثری در ترسیم حیات آینده کشور داشته باشند می‌بایست با عنایت به این نکته آن تغییرات لازم را هماهنگ با وزن و مطالبات این نیروهای اجتماعی - در سنگریزهای سیاسی و اجتماعی خود به عمل آورند.

#### امیدهای واقعی - امیدهای واهی

انتخاب خاتمی به مقام ریاست جمهوری امیدهایی را دوباره بیدار کرده است. بار دیگر تشخیص امیدهای واقعی از امیدهای واهی اهمیت سیاسی و عملی پیدا کرده و راه خام‌نگری‌های تازه‌تری گشوده شده است. این هشدار به همه ماست تا پیروزی مردم را محملی برای فشرده‌تر ساختن صفوف خود بسازیم و نه عکس آن؛ متأسفانه ما استعداد شگرفی داریم که گذشته خود را با هیاو نفی کنیم و نه نقد! از این رو ناآموخته و خام باقی می‌مانیم و لاجرم آسیب پذیرا راست این است که در تجربه گذشته ما آموزه‌هایی وجود دارند که اکنون ما را می‌تواند به کار آیند؛ یکی از پراچ‌ترین این آموزه‌ها، تشخیص درست و به هنگام امیدهای واقعی از امیدهای واهی است.

انتخابات این دوره ریاست جمهوری نیز با هیچ معیاری یک انتخابات دمکراتیک نبوده است. مردم در بهترین حالت تنها مجبور بودند در چهارچوب تنگ و خودغرضانه گزینش فقهای شورای نگهبان - که خود ناقض قانون اساسی کشور بود - دست به انتخاب بزنند. در حقیقت برای مردم انتخابی خارج از مصلحت جناح‌های حکومتی وجود داشت و در تشخیص این مصلحت نیز مردم هیچ‌گونه دخالت و نقشی نداشتند. با این همه آشکار است که انتخابات مردم درست‌ترین انتخاب بود و اراده آنها به ایفای نقش در تعیین سرنوشت خود و کشور از سرشتی دمکراتیک و ترقیخواهانه برخوردار بود. راست این است که تا کنون تحریم، تاکتیکی به غایت زیانبار بود و بر نفوذ و اعتبار اپوزیسیون ایران در خارج کشور آسیب جدی وارد آورد. مضمون این انتقاد عبارت از این نیست که گویا باید همواره و در همه موارد تاکتیکی موافق سنگریزی و علائق حکومتی مردم انتخاب کرد. از جمله آموزه‌های تجربه‌ای که پشت سر گذاشتیم یکی هم این است که مواردی پیش می‌آید که اتخاذ تاکتیکی خلاف پسند خاطر اکثریت مردم، اصلاح و صحیح‌تر است. مضمون انتقاد من، قبل از هر چیز متوجه سرشست غیرواقع‌بینانه و غیرعقلایی تاکتیک تحریم در این دوره ریاست جمهوری است. تحریم انتخابات از اینرو غیرواقع‌بینانه و غیرعقلایی بود که تنها می‌توانست آب به آسیاب ارتجاعی‌ترین جناح حکومتی بریزد و شرایط زندگی مردم را از آنچه که هست، باز هم بدتر کند. در حالیکه دعوت مردم به اعمال اراده در تعیین سرنوشت خود و کشور، نه تنها ارتجاع را چندین گام به عقب می‌راند بلکه با تجلی هر چه نمایانتر این اراده - چنانچه به تشخیص و خواست خود مردم صورت تجلی یافت - توازن قوای اجتماعی به سود علائق و خواست‌های دمکراتیک مردم دستخوش چنان تغییراتی می‌توانست شد. که رژیم فقها را مجبور به عقب‌نشینی کند. به نظر می‌رسد این عقب‌نشینی صورت گرفته است و امیدهای تازه نیز از دل همین واقعیت برمی‌خیزد، حالا باید بگوئیم مرز امیدهای واقعی و امیدهای واهی را به درستی تشخیص دهیم و به روشنی ترسیم کنیم.

ولایت فقیه یک ساختار حکومتی است و چنانچه در جای دیگر گفتم (نیروز شماره ۴۱۶ جمعه ۲۶ اردیبهشت ساه ۱۳۷۶) اساسی‌ترین وجود آن عبارتند از: الف: ایدئولوژیک کردن دین و ب: قرار دادن دین ایدئولوژیک در راس قدرت دولتی و در مقام رهبری جامعه و ج: حاکم کردن آن بر زندگی مادی و معنوی مردم و مقدرات ایران امروز. این مؤلفه‌ها استبداد مذهبی دهشتناکی را بر مردم مسلط ساخته است که تا به قدرت خود باقی است در سرشست دینی و استبدادی جمهوری اسلامی ایران تغییری حاصل نخواهد شد. اما همین ساختار یک مشخصه بارز دیگری هم دارد و آن این است که برای جناح‌های حکومتی آزادی اندیشه و عمل قائل است.

بیشک این کیفیت با اصل مرجعیت در تشیع بدون ارتباط نیست، اما از هر کجا که هست به جناح‌های حکومتی مجال این را می‌دهد تا به عرصه آیند و آلترناتیوهای سیاسی و حتی اجتماعی حدوداً متفاوتی را در کادر رژیم و ولایت فقیه به نمایش بگذارند. این کیفیت به رژیم فقها قدرت مانور و سازگاری می‌بخشد و به نوبه خود به رژیم در تداوم حیات آن کمک می‌رساند. بدین ترتیب ساختار ولایت فقیه، بدون آنکه سرشست دینی و استبدادی آن دستخوش دگرگونی شود، ظرفیت آن را دارد که خصلت دینی و استبدادی خود را، بنا به شرایط و مصلحت نظام، سخت‌تر یا نرم‌تر کند. آنچه که چنین سمت و سویی را تعیین می‌کند، کیفیت توازن قوای

نگهبان» و همه این آخوندهای کله‌گنده و میدان‌دار با سپاه پاسدار و اصحاب حزب‌الله‌شان!

وقتی شورای نگهبان از بین ۲۲۸ نفری که به عنوان داوطلب در انتخابات ریاست جمهوری ایران ثبت نام کرده بودند، فقط ۴ نفر را شایسته کاندیداتوری ریاست جمهوری دانست که ۳۴ نفرشان آخوند حکومتی و زوردار هم آخوند بدون عمامه حکومتی بود. اولین شوک، خشم به مردم وارد آمد. شورای نگهبان که بدون هیچ دلیل و توضیحی، ۲۲۴ داوطلب را فاقد صلاحیت اعلام کرده بود، آشکارا نشان داد که تازه از میان این ۴ نفر، تنها به ناطق نوری نظر دارد و در همین اوان، مردم دانستند که «مقام معظم رهبری» نیز پشت سر ناطق نوری ایستاده است. «نهیض آزادی» که به سطرز اهانت‌باری کاندیداهای آن از سوی شورای نگهبان فاقد صلاحیت اعلام شده بودند، احساس کرد سیلی محکمی به صورتش زده شده است. این بود که به اعتراض و افشاکاری برخاست و مردم را به اعتراض علیه شورای نگهبان و ریختن رای اعتراضی سفید به صندوق‌ها فرا خواند.

اما مردم، مردم در اندیشه دیگری برآمدند. قشرهای میانه مردم در تهران و شهرهای بزرگ که به هیچ روی بی‌تفاوت نبودند با حساسیتی بیشتری به کارزار انتخاباتی جلب شدند. با سرعت و شتابی که معمول چنین موقعیت‌هاییست، عرصه انتخابات به میدان کارزار سیاسی واقعی تبدیل شد. یک رشته حوادث کوچک و بزرگ نیز در این میان به سنگریزی آنها شکل داد. ناطق نوری که حتی از حدود یکسال پیش خود را در هیأت رئیس جمهور آینده می‌دید و می‌نمایند نه تنها از همه گونه امکانات دولتی برای کار تبلیغاتی بی‌کم و کاست بهره می‌گرفت، بلکه نمایش‌های تبلیغاتی به راه می‌انداخت که صدها میلیون تومان هزینه آن بود و این در حالی بود که خاتمی آشکارا ساده می‌نمود و گفته می‌آمد که در استفاده از امکانات دولتی نیز بر او تبعیض روا می‌دارند. می‌گویند به هنگامی که از تلویزیون برای رای‌دهندگان سخن می‌گفت، به بهانه قطع برق شهر، مانع از شنیدن سخنان او شدند. در جاهایی هم انصار حزب‌الله از برپایی میتینگ‌های انتخاباتی او جلوگیری کردند. اینها روانشناسی مردم را زیر تأثیر خود می‌گرفت! سید محمد خاتمی آخوندی میداندار نبود. در مقام وزارت ارشاد، بسیار خوشنام بود و وقتی هم که استعفا داد، نیکام و مظلوم مجبور به استعفا شد. پس از استعفا نیز رئیس کتابخانه ملی بود و با آنکه معاون فرهنگی رفسنجانی به حساب می‌آمد اما در نزد غالب مردم چهره حکومتی نداشت. مواضع و سخنان او نیز در چهره انتخابات کاملاً تازگی داشت و از طرزای غیرآخوندی بود. او خود را اهل فرهنگ و اندیشه، آزادی بیان و حقوق بشر، طرفدار حقوق زنان و جوانان و مدافع اهل علم و اقتدار تحصیلکرده جامعه، معرفی کرد. هرج و مرج و بی‌قانونی را مورد انتقاد قرار داد و از قانونیت و حرمت و اجتناب از بی‌احترامی سخن گفت. اقدام او که از طریق «اینترنِت»، خود را به جامعه جهانی شناساند همگامی او با پیشرفت‌های جهان معاصر تلقی شد و از او این تفسیر را بدست داد که مخالف نظر فقهاست که پدیده‌هایی نظیر اینترنت را سلاح خرفناک نگاه می‌کنند و صرف توصیف کنند. زنان و قشرهای تحصیلکرده و صاحب تخصص در تهران و شهرهای بزرگ کشور، به سرعت به سوی خاتمی سنگریزی کردند. مضمون واقعی این سنگریزی نه جانبداری از یک جناح حکومتی بلکه مخالفت با جناح قشری حکومت بود. مردم شکافی را در حکومت گشوده دیدند که می‌توانست خشم و نفرت خود را علیه استبداد مذهبی در کشور به فوران درآوردند. رای قاطع مردم به سود خاتمی مخالفت قاطع آنها با «مقام رهبری» و «شورای نگهبان» و در حقیقت رای قاطع اکثریت مردم ایران علیه ولایت فقیه بود.

#### ترکیب اجتماعی رای‌دهندگان

بیش از ۷۰ درصد مردم در تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد و رشت آرای خود را به سود خاتمی دادند، اوضاع کم و بیش در بیشتر شهرها و شهرستان‌های کشور بدین منوال بود. نقشی که مردم شهرهای کشور در شکست ناطق نوری ایفا کردند پدیده‌ای قابل تأمل است. این پدیده از این زاویه قابل تأمل است که آرای اصلی به زنان، روشنفکران و تحصیل‌کردگان و جوانان تعلق داشته است و این به نوبه خود نه تنها حاکی از تغییر باز هم بیشتر توازن جمعیت کشور به سود مردم شهرنشین است بلکه نشانه تغییراتی کیفی در ترکیب اجتماعی جمعیت کشور است. برای نخستین بار از انقلاب بهمن ۷۵ تا امروز، تجار بازار، به عنوان پشتوانه اجتماعی عمده رژیم ولایت فقیه، نقش تعیین‌کننده خود را در شکل‌دادن توازن قوای اجتماعی کشور به سود رژیم فقها از دست دادند و به عقب رانده شدند.

گسترش شهرها و پیدایی تغییراتی کیفی در ترکیب اجتماعی جمعیت کشور، عیار گرایش‌های دمکراتیک را در مجموع اهالی کشور بالا برده و مطالبات، خواست‌ها و شعارهای دمکراتیک را در صدر خواست‌های مردم قرار داده است. این پدیده را می‌توان نشانه‌ای از افزایش کمی و کیفی آن لایه‌های متوسط اجتماعی در نظر گرفت که قادرند مهر و نشان خود را بر رویدادهای اجتماعی و سیاسی کشور بکوبند.

زنان، جامعه روشنفکری ایران - بویژه اگر آن را به مفهوم وسیع کارکنان فکری در نظر بگیریم - جوانان - در

انتخابات ریاست جمهوری رژیم ولایت فقیه، برای بسیار کسان، نامنتظر از کار درآمد آنان که پیروزی ناطق نوری را امری مسلم و قطعی ارزیابی می‌کردند یا شگفتی دیدند که محمد خاتمی از انتخابات پیروز بیرون آمده است. بیش از ۲۹ میلیون نفر که واجد شرایط انتخاب کردن بودند در انتخابات شرکت کردند و حدود ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان آرای خود را به نام آقای خاتمی در صندوق‌ها ریختند. ناطق نوری، با آن همه امکانات حکومتی که در کار تبلیغات و حتی در ساز و کار انتخابات از آن بهره‌مند و برخوردار بود، تنها حدود ۷ میلیون از آرا را بدست آورد!

رویدادهای نامنتظر غالباً وقتی پیش می‌آید که ما به هر دلیل نتوانسته‌ایم یک پدیده یا روندی را بر زمین واقع‌اش مورد مطالعه، ارزیابی یا داوری قرار دهیم. این ناتوانی در اپوزیسیون خارج کشور به ویژه چشمگیر است. یک علت اساسی این است که در خارج کشور، ما سازمان‌ها و فعالین سیاسی، از دور دستی بر آتش داریم. این دوری و جسد‌انساندگی مانع از مردم و جامعه، باعث و بانی ذهنی‌گری‌هایست که ما عموماً بدان گرفتاریم و به همین علت نیز غالباً در برابر واقعیت رویدادهای کشور خود را در حالی غافلگیرانه و نامنتظر بازمی‌یابیم! البته جز این علت اساسی علل دیگری هم وجود دارند که به اصطلاح ماهیت ذهنی دارند و در مجموع این ناتوانی را در ما شکل می‌دهند که توانیم یک رویداد یا روندی را بر زمین واقع‌اش مورد مطالعه قرار دهیم. با اینکه شناخت این علل و چگونگی عملکرد آنها واجد اهمیت به سزایی است، پرداختن به آنها در این گفتار مورد نظر من نیست. باشد که همین اندازه توجه دادن، زمینه ذهنی فراهم آورد که در همین گرم‌گرم بحث و نظر پیرامون انتخابات ریاست جمهوری، این مقوله نیز موضوع تحقیق و مطالعه و تأمل قرار گیرد.

به موضوع اصلی بازگردیم؛ اکنون آقای خاتمی، به جای هاشمی رفسنجانی، در جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور است. پیروزی خاتمی از جهاتی چند موضوع قابل تأملی است؛

#### آرایش نوظهور جناح‌ها

نخستین نکته قابل تأمل این است که در روند انتخابات این دوره ریاست جمهوری، تضادهای درون حکومت در شکلی به ظهور رسیدند که در طول این ۱۸ سالی که از عمر رژیم ولایت فقیه می‌گذرد، بی‌سابقه بود و کاملاً تازه‌گی داشت. صف آرایی نیروهای حکومتی، با شتابی بیرون از حدس و گمان، چنان آرایشی پیدا کرد که ناطق نوری که قدرتمندترین جناح حکومتی را نمایندگی می‌کرد چنان‌چونان نماد و نماینده شکرگرمی و ولایت فقیه، در برابر رقیب خود سید محمد خاتمی به مبارزه برخاست.

ائتلاف «کارگزاران» با «سلام» که «مجاهدین انقلاب اسلامی» نیز بدان پیوست به تنهایی نمی‌توانست چنین آرایشی را شکل دهد. اگر موسوی کاندیداتوری ریاست جمهوری را می‌پذیرفت، این شهرت «کارگزاران» که تکنوکرات و غرب‌گرا و غیرمکتبی‌اند و با آن رابطه روشن و آشکاری که با رفسنجانی و خط او دارند، تحت‌الشعاع شهرتی قرار می‌گرفت که «سلام» به عنوان ارگان «پیروان عدالتخواه خط امام» برای خود دست و پا کرده است. در چنین حالتی بعید نبود که صف آرایی انتخاباتی، شکل رویارویی «مستضعفان» و «مستکبران» را به خود بگیرد. چهره‌نمایی سید محمد خاتمی بود که آرایش دیگری به صف آرایی انتخاباتی داد. زیرا او در مقام وزارت ارشاد اسلامی نشان داده بود که به معیارهای فقها چندان پایبند نیست. یعنی نه تنها آدمی صاحب فرهنگ است بلکه از سیاستی پیروی می‌کند که تبادله آزاد اندیشه و نظر و احترام به استقلال مطبوعات را شرط شگرفایی فرهنگ و تعامل کلیدی در پیشرفت کشور می‌داند. «خاتمی» تقریباً بدون پرده‌پوشی در استعفانامه خود، موقی که مجبور گردید از وزارت ارشاد اسلامی کناره بگیرد، جناح قشری و خشک‌اندیش رژیم فقها را عامل استعفای خود معرفی کرده بود. اما گذشته از این ملاحظات، آن عامل اصلی که به انتخابات صورت مقابله با قشری‌گرای و ولایت فقیه را داد، علائق و گرایش اکثریت مردم ایران است. که بستر اجتماعی و شرایط واقعی ایران امروز آن را شکل داده و می‌دهد؛

مردم در وضعیت فلاکت‌باری زندگی می‌کنند. افلاس اقتصادی که جامعه در آن فرورفته است، اکثریت عظیم مردم را به فقر و ناداری کشانده است، و آنچه که تورم و گرانی، غارت و چپاول، اختلاس و دزدی و رشوه و فساد نام گرفته است، روزگار سیاهی را برای مردم رقم زده است، شب و روز مردم، در کار معاش و تأمین گذران متعارف زندگی می‌گذرد. هر مسافر عادی - از طبقه متوسط و به پایین ما تصویری را که در وهله اول از اوضاع کشور بدست می‌دهد، همین است. اما سر درد دل که باز می‌شود، معلوم می‌شود مردم سرچشمه همه بدبختی‌های امروزشان را در آن چیزی می‌دانند که ما، استبداد مذهبی توصیف می‌کنیم. مردم برای هیچ کاری امنیت ندارند و خوف و هراس، دلشوره دانسی آنهاست و هرکس به ترتیبی و به نحوی این را می‌تواند درک کند که استبداد مذهبی، مانع از آن است که در مانی برای دردها پیدا شود زیرا هر دهانی را که به نقد نارسایی‌ها و مشکلات گشوده می‌شود می‌بندند و هر قضایی که حقیقت را بنویسد و پروای آن کند که ریشه‌های مصائب را نشان دهد، بی‌محابا می‌کشند. سر درد دل که به باز می‌شود مردم می‌گویند آخوندهای جانباز آب‌کشیده، روی هر چیزی دست گذاشته‌اند و هر جاهل و غریبه‌کشی را که ریش دراز کرده و تسبیح می‌گرداند یک تفنگ دستش داده‌اند و بر جان و مال و ناموس مردم چیره کرده‌اند. هر قلدری می‌کند و هر الم‌هشنگه‌ای که بخواهد راه می‌اندازد و هیچ خدایی را هم بنده نیستند. وقت و ناوقت که نمی‌شناسند، عروسی و عزا هم سرشان نمی‌شود و مردم وقتی که نیمه‌جان و بی‌رمق به خانه می‌آیند، در چهار دیواری خانه‌هاشان هم از ترس این جماعت امن و آسایش ندارند! وقتی می‌پرسی، خوب اینها کی‌ها هستند، می‌گویند؛ «مقام معظم رهبری»، «شورای

اجتماعی و سیاسی در کشور است.

رئیس جمهور جدید سید محمد خاتمی در مسیر نرم‌تر کردن خصلت دینی و استبدادی رژیم ولایت فقیه تلاش خواهد کرد ولی هیچ چشم‌اندازی برای توفیق و تداوم تلاش‌ها و بویژه تثبیت دستاوردهای احتمالی او وجود ندارد. جناح قشری حکومت نیرومند است و اهرم‌های اصلی هدایت کشور را در اختیار دارد. بهبود نسبی در اوضاع داخلی و نیز در سیاست خارجی قابل تصور است ولی این را نباید یک گشایش دمکراتیک در سیاست داخلی و خارجی رژیم فقها ارزیابی کرد. چنین ارزیابی غیرواقعی و توهم‌آفرین است. هر رویکرد واقعی خاتمی در متکی ساختن خود به گروه‌های اجتماعی مردمی که پیروزی او را تضمین کرده‌اند، بحران‌هایی را در حکومت شکل خواهد داد که هر گونه پیش‌بینی در انجام و فرجام آن خیال‌پرداز می‌محض خواهد بود.

واقع‌بینانه‌ترین ارزیابی می‌تواند این باشد که انتخاب سید محمد خاتمی برای برون‌رفت رژیم از بحران سیاست داخلی و خارجی، محل مناسبی را فراهم آورده است. وظیفه اپوزیسیون ایران این است تا آنجا که ممکن است امکان برون‌رفت رژیم از بحران را با کیفیت پاسخگویی آن به علائق و خواست‌های دمکراتیک مردم در کشور و الزام رژیم در رعایت حقوق بشر و پایبندی به موازین بین‌المللی مشروط کنند. یعنی برون‌رفت رژیم از بحران کنونی را با دستاوردهای هر چه بیشتر برای مردم همراه سازند.

#### جایگاه استراتژی سیاسی

گفتم که تاکتیک تحریم، غیرواقع‌بینانه و غیرعقلایی بوده است. اکنون باید اضافه کنیم که اصالت یک تاکتیک تنها به واقع‌بینانه و عقلایی بودن آن نیست. در کادر یک استراتژی اشتباه‌آمیز و حتی ارتجاعی نیز می‌توان تاکتیک‌های واقع‌بینانه و عقلایی اتخاذ کرد.

این یکی از آموزه‌های تجربه گذشته ماست. برای نمونه می‌شود خاطر نشان کرد که ما - و بویژه رهبری کیانوری - در آنجا که مبارزه علیه قراردها و تحمیلات امریالیستی و یا مبارزه در راه اصلاحات ارضی مطرح بود، غالباً تاکتیک‌های واقع‌بینانه‌ای اتخاذ می‌کردیم که معمولاً در کیفیت انکشاف تضادهای درون حکومت و در جهت تغییر توازن قوای سیاسی و اجتماعی به سود این آماج‌ها مؤثر از کار درمی‌آمدند. اما این تاکتیک‌های واقع‌بینانه، به دلیل آنکه در کادر استراتژی سیاسی اشتباه و نادرستی به کار بسته می‌آمدند در تحلیل نهایی ما را در «خط امام» تحلیل می‌برد و حتی حامل نتایج ضد دمکراتیک بود.

واقع‌بینی و تغلق سیاسی ایجاد می‌کند تا از هر گام مثبت که رئیس جمهور جدید در راه دمکراسی و حقوق دمکراتیک و بهبود زندگی مردم به پیش برمی‌دارد استقبال و پشتیبانی کنیم. اما به حکم تجربه باید درک کنیم که چنین استقبال و پشتیبانی تنها در صورتی به سود مردم و در راستای پایان دادن به استبداد مذهبی در کشور - رژیم ولایت فقیه - تأثیر خواهد گذاشت و تنها در صورتی متضمن حفظ شخصیت مستقل و هویت سیاسی ما خواهد بود که در کادر یک استراتژی سیاسی دمکراتیک که در پی دستیابی به آرمان سوسیالیسم است به عرصه آورده می‌شود. این استراتژی چیزی جز مبارزه در راه برپایی، تحکیم و تکامل جامعه مدنی به مثابه روند ضرور تکوین شرایط دستیابی به سوسیالیسم نیست و نمی‌تواند باشد. تنها اگر ما به چنین استراتژی متکی باشیم و آن را نیز نه بر پایه آن مفهومی از جامعه مدنی که به قرن هفده و هجده تعلق دارد، بلکه بر پایه مفهومی که پیشروترین متفکران جهان معاصر، در آستانه سال دوهزار، از جامعه مدنی به دست می‌دهند، طراحی کنیم، قادر خواهیم شد نقش دمکراتیک و واقعاً پیشروی را ایفا کنیم.

استراتژی سیاسی که آماج مرحله‌ای خود را برپایی و تکامل جامعه مدنی در ایران می‌شناسد از آن رو واقعاً دمکراتیک و پیشرو است چون از جمله ارکان آن جدا خواستن دین از دولت است.

#### باز هم اندیشه آشتی ملی

تقویت و تحکیم همبستگی اجتماعی از ارزش‌های جامعه مدنی است و اندیشه آشتی ملی در توافق با این مفهوم قرار دارد و اندیشه آشتی ملی در رویکرد خود تنها متوجه آن نیست که میان قدرت سیاسی و گروه‌های اجتماعی مردم بر پایه حق انتخاب جامعه چنان توافق و هماهنگی وجود آورد که عامل پیشرفت و ترقی و شکوفان کشور گردد. اندیشه آشتی ملی بویژه در پی آن است که تضاد ملی را لگام زده و شرایطی بوجود آورد که هر انسان ایرانی، در هر موقعیت اجتماعی که هست و یا هر اندیشه و سنگریزی اجتماعی و سیاسی که بدان باور دارد و در راه عملی ساختن آن می‌رزد، در خانه مشترک و در وطن یگانه ما ایران، در امنیت و آزادی زندگی کند.

با انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در پی رویکردانی رژیم ولایت فقیه از اهداف دمکراتیک و عدالتخواهانه انقلاب، نزدیک به ۴ میلیون ایرانی از وطن رانده و آواره چهار گوشه جهان شده‌اند. این آوارگی و غربت باید پایان پذیرد و برای هر زن و مرد ایرانی امنیت و آزادی بازگشت به وطن تضمین گردد. کیفیت پاسخگویی رئیس جمهور جدید به این خواست، شاخصی است که با آن میزان پایبندی رئیس جمهور، سید محمد خاتمی به حقوق دمکراتیک مردم و آرمان‌های انسانی مندرج در بیانیه جهانی حقوق بشر، سنجیده خواهد آمد.

رژیم ولایت فقیه، میهن و مردم ما را با یک بحران ملی دست به گریبان ساخته است، نیروهای اپوزیسیون ایران در راه رهایی میهن و مردم از این بحران مبارزه می‌کنند و اکنون چشم‌اندازهای تازه‌ای در راستای این مبارزه به رویشمان گشوده شده است. آیا اپوزیسیون قادر است گام‌هایی به پیش بگذارد؟ اگر صفوف خود را فشرده سازیم می‌توانیم و باید گام به پیش بگذاریم.

## انتخابات و مواضع نیروهای گونا گون

انتخابات ریاست جمهوری موضوع مرکزی مورد توجه همه نیروهای سیاسی جامعه و خیرگزاری‌ها و نیروهای خارجی در رابطه با ایران بود. تمامی خیرگزاری‌ها و نشریات غربی اخبار مربوط به انتخابات را منتشر کرده و آن را مورد تفسیر قرار دادند. خیرگزاری CNN آمریکا مصاحبه کامل خاتمی با خبرنگاران داخلی و خارجی را که بلافاصله پس از انتخابات برگزار گردید پیش کرد. همه خیرگزاری‌ها بر شکست نیروهای محافظه کار در انتخابات تاکید نموده و از نطق نوری به عنوان کاندیدای نیروهای محافظه کار و از خاتمی به عنوان کاندیدای مورد حمایت لیبرال‌ها نام بردند. در تفسیر اکثر این خیرگزاری‌ها پیروزی خاتمی را عمدتاً به سخنان وی در زمینه ضرورت فضای باز بیشتر و بر اقدامات وی در این جهت در زمان وزارت ارشاد مربوط دانسته و وزنه آرای زنان و جوانان را که خواستار تحولاتی در این سو هستند در این پیروزی قطعی دانستند. در مواضع گوناگون خاتمی خبرگزاری‌ها جملاتی از سخنان خاتمی که تداوم سیاست کنونی خارجی رژیم اسلامی در رابطه با آمریکا و بالخصوص اسرائیل مورد تایید قرار می‌داد نقل گردید و مورد انتقاد قرار گرفت.

### مواضع نیروهای سیاسی ایران قبل از انتخابات

همه نیروهای سیاسی درون و بیرون کشور نسبت به انتخابات و نحوه برخورد با آن موضع‌گیری نمودند. مواضع نیروهای سیاسی اپوزیسیون گوناگون و متضاد بود. این مواضع از تحریم کامل انتخابات و عدم شرکت در آن تا حمایت قاطع از خاتمی را در بر می‌گرفت.

### عدم شرکت در انتخابات

اکثریت قاطع نیروهای سیاسی اپوزیسیون در خارج از کشور و بخشی از نیروهای اپوزیسیون در داخل سیاست تحریم و یا عدم شرکت در انتخابات پیش گرفتند. این نیروها از نظر برنامه‌ها و سمت‌گیری‌های سیاسی اجتماعی طیفی گوناگون را در بر می‌گرفتند. هر چند طبیعتاً بنا به ستم‌گیری این نیروها و فرهنگ سیاسی هر نیرو نحوه استدلال و طرح دلایل تحریم و چگونگی دعوت مردم به تحریم انتخابات متفاوت بود ولی عناصر مشترکی در مواضع اکثریت و یا تمامی این نیروها وجود داشت.

غیردمکراتیک بودن شرایط انتخابات نقطه مرکزی مورد تاکید همه نیروهای اپوزیسیون بود. نیروهای مدافع عدم شرکت در انتخاباتی که نیروهای اپوزیسیون مجاز به کاندید شدن نیستند را نادردست و تایید این انتخابات غیردمکراتیک دانستند. در مواضع اکثر نیروهای اپوزیسیون تاکید شد که این انتخابات حتی در مقایسه با انتخابات‌های غیردمکراتیک پیشین برگزار شده توسط رژیم انحصاری تر و غیردمکراتیک تر است. مبانی شورای نگهبان از همیشه محدودتر و ممانعت از فعالیت و تبلیغات نیروهای اپوزیسیون قانونی رژیم از همیشه قاطع تر بود.

اکثر این نیروها شرکت گسترده

مردم در انتخابات را خواست رژیم و جناح‌های آن دانسته و معتقد بودند رژیم با سیاست داغ کردن تنور انتخابات می‌کوشد مردم بیشتری را به صحنه انتخابات بکشد. بخشی از این نیروها کاندیداتوری خاتمی و همه تبلیغات در این زمینه ترغیب رژیم برای داغ کردن تنور انتخابات و شروع جلوه دادن خود دانسته و برخی اختلاف جناح‌های رژیم را واقعی ارزیابی نموده و تلاش آنها برای غلبه در این صحنه را جدی می‌دانستند.

تقریباً همه نیروهای مدافع سیاست عدم شرکت و تحریم بر اعتقاد همه کاندیدها به نظام اسلامی تاکید کرده و بر این نظر بودند که هیچکس از کاندیدها با توجه به اعتقادشان به نظام ولایت فقیه قادر نخواهند بود در جهت حل مشکلات جامعه گام بردارند. بخش بزرگی از نیروهای مدافع سیاست عدم شرکت در انتخابات شرکت هر نیروی اپوزیسیون در انتخابات را در خدمت مشروعیت بخشیدن و تبلیغات رژیم دانسته و نیروهای اپوزیسیون داخل کشور را که در انتخابات کاندیدا شده بودند مورد حمله قرار دادند و برخی دیگر مثلاً سازمان (فداییان خلق ایران اکثریت) ضمن برخورد مثبت با این نیروها بر این نظر بودند که به دلیل توجه توده‌های مردم به انتخابات صحیح آن بود که کل نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج کشور تلاش می‌کردند کاندیدای مشترکی برای شرکت در انتخابات اعلام کنند. مواضع بخش بزرگی از نیروهای مدافع این سیاست در شماره‌های پیشین صفحه خبرها و نظرها منعکس گردیده است.

### شرکت در انتخابات

بخشی از نیروهای اپوزیسیون در داخل کشور بر این اعتقاد بودند که در جهت مبارزه در راه گسترش آزادی‌ها و اعمال فشار بر رژیم و در راه طرح برنامه و سیاست‌های خود سیاست در انتخابات شرکت نموده و از این امکان در جهت جلب بیشتر مردم و در راه گسترش آزادی‌ها بهره‌گیری نمودند. آقایان سبحانی، یزدی، معین‌فر و پیمان با این اهداف خود را کاندیدای ریاست جمهوری اعلام کردند. این کاندیداتوری توسط بخشی از نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور (جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دمکرات مردم ایران و بخشی از نیروهای وابسته به جنبش ملی و...) مورد حمایت قرار گرفت. پس از حذف کاندیداهای فوق‌الذکر این نیروها دو برخورد گوناگون با انتخابات را در پیش گرفتند. آقایان سبحانی، یزدی و معین‌فر در اعلامیه‌ای که توسط تعدادی از شخصیت‌های سیاسی داخل کشور امضا گردید از مردم خواستند که به خاطر اعتراض به حذف کاندیداهای اپوزیسیون در انتخابات شرکت کرده و رای سفید به صندوق‌ها می‌ریزند در این اطلاعیه ضمن انتقاد از عمل شورای نگهبان و مقایسه آن با قانون اساسی، نتیجه‌گیری شده است که عمل شورای نگهبان علیه قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده و این شورا نه نگهبان بلکه نفی‌کننده قانون اساسی است. در این اطلاعیه از مردم خواسته

شده که در راه تداوم مبارزه مسالمت آمیز با انحصارگرایان حاکم در انتخابات شرکت نمایند و رای سفید به صندوق‌ها بیاندازند. آقای دکتر پیمان در اطلاعیه خود ضمن اعتراض به روند‌های غیردمکراتیک حاکم بر انتخابات و ضمن توضیح دلایل کاندیدا شدن خود نوشت «پیروزی نامزد جناح انحصارطلب و وابسته به سرمایه‌داری دلال در انتخابات ریاست جمهوری به منزله قبضه کامل قدرت حکومت می‌باشد». وی در اطلاعیه خود اعلام نمود که مبارزه برای گسترش آزادی‌ها با حذف وی خاتمه نیافته و از مردم خواست که مانع سلطه کامل جناح‌های انحصارطلب گردند.

نشریه پیام فردا در خارج از کشور در این رابطه چنین موضع‌گیری نمود. به نظر ما مجموعه اپوزیسیون آزادیخواه ایران درگیر وضعیتی کم و بیش مشابه است. یعنی نه از آزادی حداقل برای حضور و فعالیت در عرصه سیاسی کشور برخوردار است و نه مایل است از تأثیرگذاری هرچند محدود بر شرایط حساس موجود برکنار بماند. به این ترتیب آزاد نبودن انتخابات و عدم امکان حضور کاندیداهای اپوزیسیون عملاً شرکت اپوزیسیون آزادیخواه در انتخابات ریاست جمهوری را منتفی می‌کند. انتظار آزادیخواهان از همه ایرانیانی که با هر تحلیل و به هر دلیل در انتخابات شرکت می‌کنند این است که حضور و رای خود را برای افسای استعداد حاکم و در جهت تضعیف اورتجاعی‌ترین گرایش‌های درونی حکومت به کار گیرند.

بخشی از نیروها (نشریه راه توده و برخی افراد و شخصیت‌های سیاسی در خارج از کشور) معتقد به شرکت در انتخابات و حمایت از محمد خاتمی بودند.

### مواضع پیرامون نتایج انتخابات

اطلاعیه‌ها و موضع‌گیری‌های بخشی از نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور که تاکنون به دست ما رسیده است: سازمان مجاهدین خلق پس از پایان انتخابات و در اطلاعیه‌ای در همان روز اعلام نمود که انتخابات توسط مردم تحریم گردید و سیاست تحریم انتخابات مرفق بود این سازمان تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات را ۶/۵ میلیون نفر اعلام نمود و طرح کرد که بنا به توافق جناح‌های مختلف تعداد آرا هر یک از شرکت‌کنندگان چندین برابر رقم واقعی اعلام گردید. در اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت آمده است که تعداد شرکت‌کنندگان ۱۶ درصد دارندگان حق رای بوده است و یا محاسبه تعداد صندوق‌ها و تعداد برگه‌های توزیع شده در برخی حوزه‌ها نتیجه‌گیری شده که رقم ۲۹ میلیون ساخته و پرداخته رژیم و در جهت اعلام حمایت مردم از مشروعیت رژیم است. در این اطلاعیه همچنین آمده است. صرفنظر از چهارپنچ برابر نشان دادن تعداد آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری ارتجاع، بر

ما نتیجه نهایی انتخابات ریاست جمهوری را تا آنجا که به نفی قاطع عملکردها و سیاست‌های جمهوری اسلامی در طول هیجده سال گذشته مربوط می‌شود، مثبت ارزیابی می‌کنیم. در عین حال اطمینان داریم که مبارزه توده‌های مردم ایران می‌تواند جمهوری اسلامی را نه تنها وادار به عقب‌نشینی‌های بیشتری نماید، که به طور نهایی از صحنه سیاسی ایران حذف کند.

### حزب دمکراتیک مردم ایران

شورای مرکزی حزب دمکراتیک ایران در اعلامیه‌ای تحت عنوان «به مناسب انتخاب حجت‌الاسلام محمد خاتمی به ریاست جمهوری» چنین موضع‌گیری نمود.

دوم خرداد ماه ۷۶، بی‌گمان در تاریخ مبارزات مردم ایران برای آزادی و مردم‌سالاری، همچون روز خجسته و سرنوشت‌سازی ثبت خواهد گردید. تجربه دوم خرداد به روشنی نشان داد که مردم ایران آزادی و تغییرات را در آرامش خواستارند و با راه و روش خود مهر تایید بر دوش پیکار سیاسی مسالمت‌آمیز برای آزادی و مردم‌سالاری زدند.

انتخاب آقای محمد خاتمی به ریاست جمهوری پایان کار نیست. ساختار جمهوری دست‌نخورده باقی است. لذا از هرگونه توهمن‌زایی باید پرهیز نمود. روی کار آمدن خاتمی با حمایت بسیار گسترده مردم فقط آغاز دوره نوینی از پیکار مردم برای آزادی و حاکمیت ملت است. برنامه آقای خاتمی بر بستر همین جمهوری اسلامی، با عوامل بازدارنده متعددی، نظیر رهبر مذهبی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، شورای مصلحت نظام و نیروهای فشار متعدد دیگر پیش‌رفتی است. تنها حضور فعال و پیکار مستمر مردم و اعمال فشار دائمی ضامن تحقق برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی بویژه در زمینه گشایش فضای سیاسی، آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی و عامل قطعی برای خنثی کردن کارشکنی‌ها و مشکل آفرینی‌های پایان‌ناپذیر است.

راه کارگر سازمان راه کارگر در اطلاعیه‌ای تحت عنوان «درباره انتخابات

### تظاهرات ایرانیان

به دعوت کانون نویسندگان ایران در تبعید

به دعوت کانون نویسندگان ایران در تبعید در اعتراض به سرکوب و دستگیری‌ها و شکنجه و قتل نویسندگان و فعالین سیاسی تظاهراتی در چندین شهر بزرگ اروپا و آمریکا و کانادا به صورت هم‌زمان برگزار گردید. در راهپیمائی که در شهر فرانکفورت آلمان که با پشتیبانی سازمان‌ها و احزاب سیاسی و کانون‌های دمکراتیک ایرانیان انجام شد جمع کثیری از هموطنان ایرانی شرکت داشتند.

شرکت‌کنندگان در راهپیمائی با شعارهای خود خواستار آزادی نیروی دستگیرشدگان اخیر و زندانیان سیاسی - عقیدتی شدند. تظاهرکنندگان در انتهای یک راهپیمائی طولانی از مرکزی‌ترین خیابان‌های شهر، در مقابل ساختمان شهرداری گردآمدند. در این محل خانم یوتا اولینگ از حزب سبزهای آلمان در حمایت از خواسته‌های انسانی و دمکراتیک کانون نویسندگان ایران در تبعید، پناهندگان سیاسی ایرانی و زنان جامعه ایران سخنانی ایراد کرد. در قسمت بعدی آقای نسیم خاکسار سخنرانی داشت و در پایان قطعنامه کانون نویسندگان ایران در تبعید توسط آقایان اسد سیف و عسگر اهتین دبیران کانون به فارسی و آلمانی برای جمعیت حاضر قرائت شد.

<p><b>فرم درخواست اشتراک</b></p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: _____</p> <p>مدت اشتراک: شش ماهه <input type="checkbox"/> یک ساله <input type="checkbox"/> تاریخ: _____</p> <p>Name:.....</p> <p>Address:.....</p> <p>نشانی:.....</p> <p>فرم را همراه با پهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس _____ پست کنید!</p>	<p><b>بهای اشتراک</b></p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماهه - ۴۵ مارک</p> <p>یک ساله - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماهه - ۵۲ مارک</p> <p>یک ساله - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p><b>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</b>، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>آدرس: I.G.e.v Postfach 260268 50515 Köln Germany</p> <p>دارنده حساب: I.G.e.v شماره حساب: 22 44 20 32 کد بانک: 37 05 01 98 نام بانک: Stadtparkasse Köln Germany</p> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90</p>
---	--	---

## چپ اروپا در جستجوی سیاستی مشترک علیه «اروپای مشترک» و ماستریخت دو

ادامه از صفحه ۸

در شرایطی که حکومت خود از درون شکافته و رای مردم باید تعیین کند که کدام طرف باید پس رانده شود فراخوان تحریم اگر با بی اعتنایی تلخ مردم مواجه نشود. که می شود. - جوانه های اعتماد و بار به نیروی رای را نگدما می کند.

### سر در گمی میان براندازی و اصلاح طلبی

خوشبختانه، دست کم در سازمان ما با این فکر مدتهاست وداع شده که گویا هر تغییر مثبت در اوضاع سیاسی کشور در راستای دموکراسی تنها پس از سرنگ کردن جمهوری اسلامی امکان پذیر است. ما بخوبی درک و بارها تاکید کرده ایم که نه تنها انجام رفیم دموکراتیک در نظام فعلی را غیر ممکن تلقی نمی کنیم، بلکه خود نیروی این اصلاحات هستیم (چنین فکری البته در میان سلطنت طلبان، مجاهدین و بسیاری از چپ های انقلابی پذیرفته نیست) اندیشه مسلط بر سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت اما همواره مصر است که مطالبه این اصلاحات به اتکای بسیج کردها و به نیروی آنان تحقق پذیر است و نه با چشم دوختن به کرامت رهبران مستبد.

اکنون سؤال اینست که مگر معنای شرکت در این انتخابات چیزی جز اتکا به نیروی مردم برای جلوگیری از استبداد بیشتر و مطالبه برخی آزادی ها بوده است؟ آیا دعوت به عدم مشارکت معنایش دعوت به تحمل استبداد بیشتر نبود؟ آیا اینها هم از بدیهیات تحلیل سیاسی نیست؟ تمام حرف سازمان مجاهدین از ۳۰ خرداد ۶۰ تا امروز این نبوده است که نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و ذاتاً اصلاح ناپذیر است و هر نوع تحول مثبت در این جامعه مستلزم نفی کلیت و تمامیت این نظام است. در مقابل این حرف بحث من همیشه این بوده است که طرح سؤال به این شکل اغفال کننده است. زیرا اصلاح پذیر بودن یا نبودن سیستم نه به ذات سیستم که به تناسب نیرو میان طرفداران تشدید استبداد فقهی و مخالفان آن بستگی دارد. طرح درست صورت مسئله به ما کمک می کند که دریابیم، اولاً امکانات در جامعه ما امکانات برای انحصار دراز مدت تمام قدرت سیاسی - تاکید می کنم: تمام قدرت سیاسی در دست ولی فقیه در این حد از تکامل جامعه ما اساساً محال است. ثانیاً بدون تغییر معادله قدرت به زیان ولی فقیه و تأمین حد معینی از آزادی ها چشم انداز گذار به یک نظام دموکراتیک گشوده نخواهد شد. من بسیار بعید می دانم که جامعه ما بتواند از نظام به غایت بسته و متمرکز به بطور مستقیم به یک نظام باز و پلورالیستی گذر کند. کسانی که صورت مسأله را بد طرح می کنند چاره ای ندارند جز آنکه تصور کنند تنها از طریق لغو کلیت قانون اساسی راه تحول گشوده خواهد شد. آنها مجبورند امید خود را نه به انتخابات، نه به تلاش برای تغییر تناسب نیروها در درون سیستم، که بر اعمال فشار قهرآمیز از بیرون، بر اصلاح شهیرها، بر ارتش های آزادی بخش و سایر کودتای نظامی مبتنی سازند. مجاهدین، سلطنت طلبان و نیز برخی از گرایش های چپ انقلابی نمایندگان تپیک این طرز تلقی اند.

بحث من البته در اینجا با این گروه ها نیست؛ آنها هنوز راه درازی دارند تا راه های تحول دموکراتیک این جامعه را باز شناسند. بحث من در اینجا با کسانی است که توجه نمی کنند بسیار بعید است نیروهای سیاسی خارج از کادر جمهوری اسلامی توفیق یابند در روندهای سیاسی، از جمله در انتخابات حق مشارکت مستقیم بدست آورند قبل از آنکه در خود سیستم موجود تحولات معینی در جهت شکسته شدن سلطه مطلقه ولی فقیه رخ دهد. صریح تر بگویم: آقایان

تجدید نظر واقعی در آن، در آن جهت که مردم اروپا بتوانند مستقلاً در باره آینده خود تصمیم بگیرند. ما معتقدیم در این جهت باید فراندیم ملی صورت گیرد. رهبر حزب کمونیست پرتغال در این زمینه گفت: اتحاد پولی اروپا بیش از همه مورد علاقه کنسرن های چند ملیتی و فرا ملیتی و به ویژه سرمایه مالی سوداگر است. اروپای واحد به قیمت کاهش سطح دستمزدها و کاهش سطح اشتغال صورت می گیرد و ادامه آن با کاهش هزینه های اجتماعی از سوی دولت ها همراه است. کمونیست های پرتغال در مرکز قرار داد ماستریخت دو، تجویز اقتصادی اروپای غربی را برای جنگ اقتصادی با بلوک ژاپن - آسیا و آمریکا می بینند. حزب کمونیست پرتغال خواهان حق حاکمیت ملی در برابر این روند است و علیه سیاست محافظه کارانه و بوروکراتیک بر آن مبارزه می کند. کن کیتس، نماینده حزب کارگر انگلیس و نماینده این حزب در پارلمان اروپا، خواهان برگزاری یک اجلاس اروپایی برای «اشتغال کامل» شد و گفت بدون تایید رای مردم هیچ تصمیمی قابل پذیرش نیست.

اجلاس مشابهی از رهبران احزاب چپ اروپای غربی سال گذشته در پاریس پایتخت فرانسه برگزار گردید. سومین اجلاس رهبران چپ، قرار است در ماه ژوئیه با شرکت رهبران ۱۸ حزب اروپایی برگزار شود. رهبران احزاب چپ تاکید می کنند که این دیدارها تلاش مشترک برای آن است که چپ اروپا دوباره به مثابه یک نیروی سیاسی قدرتمند در اروپا به صحنه آید و به مثابه آلترناتیوی در برابر سیاست های نولیبرالی قد علم کند. احزاب چپ اروپای شرقی تاکنون از این روند برکنار بوده اند، اما به گفته رهبر حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان، آمادگی بزرگی پدید آمده است که احزاب چپ اروپای شرقی نیز به این روند بپیوندند و چپ در سراسر قاره اروپا، برای نخستین بار به مثابه نیرویی متحد وارد کارزار در مورد مهمترین مسایل این قاره شود.

## خبرها و نظرها

ادامه از صفحه ۱۰

نشریات کیهان چاپ لندن و نیروم روی مردم به خاتمی رسیده است. با کمی تأخیر در زمینه های نمرود. در تیر نشریه نیروم آمده است «انتخاب خاتمی نشانه فریاد خشم ملت ایران از ناپسامانیهایی جمهوری اسلامی است. مردم با انتخاب محمد خاتمی رای به دگرگونی های اساسی در جمهوری اسلامی دادند».

### دارویش همایون

آقای دارویش همایون در مقاله ای در نشریه نیروم با عنوان رای که منظره سیاسی را دگرگون کرد نوشته است. رای که روز ۲ خرداد (۲۳ مه) داده شد رای «نه» طبقه متوسط ایران، و بخش بزرگی از طبقه پایین متوسط، اگر نه به نظام جمهوری اسلامی، که به سیاست های ورشکسته آن بود. بسیج شدن این طبقه متوسط در هفته های اخیر خود به خود و به ظاهر بی مقدمه صورت گرفت و مانند بسیاری چرخ های جامعه ایرانی نامنتظر بود. در برهوت دلمردگی و بی تفاوتی و بی اعتنادی، یکباره چشمه های انرژی و امید جوشید. می بیند تن به صحنه انتخاباتی ریختند. گردهمایی ها و سپس صندوق های رای را چنان پر کردند که با نمایش های معمول انتخابات در جمهوری اسلامی، از جمله انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی هیچ همانندی نداشت. چشم دیدگان، از صحنه های پرهیجان و نزدیک به شورش در تهران پیش از انتخابات خیر می دهند، سخن آنها را می توان باور کرد. اگر چنان شوری در مردم بویژه جوانان نمی بود، دستگاه های سروکبگری که ستاد انتخاباتی خاتمی را موقتا تعطیل کردند و جلوس سخنان را در ورزشگاه بزرگ تهران گرفتند، کار خود را به پایان می رساندند و ظاهر سازی دیگری را به نام انتخابات، عرضه می کردند.

بزرگترین سرمایه رئیس جمهوری تازه توده رای دهندگان - عامل خیابان - است. پیش از او هیچ رئیس جمهوری اسلامی چنین قدرتی در پشت سر خود نداشته است. تا خمینی زنده بود قدرت از او برمی خاست و آنها که رای می دادند چشم به دهان او داشتند. رفسنجانی با آنکه به عنوان یک میانرو، و جایگزینی در برابر محافظه کاران بر روی کارآمد مقام خود را مرهون بند و بست های درونی گروه حاکم بود و هرگز نتوانست در روح مردم شعله ای برانگیزد.

در میان رهبران بی اعتبار جمهوری اسلامی تنها خاتمی است که می تواند خود را به عنوان نجات دهنده رژیم پیش اندازد. او فعلاً توانسته است گروه بزرگ ناراضیان را به خود امیدوار سازد.

ولی «خیابان» پایگاه قدرتی ناپایدار است. بهره گیری از این عامل تازه ای که با انتخابات اخیر در سیاست ایران پدیدار می شود خود می تواند سرچشمه مخاطراتی باشد. یک خطر در این است که مردم دلمرده و نومید شوند و باز به زندگی درویشان پناه برند. خطر دیگر در این است - از نظر خاتمی - که تکیه به خیابان او را چنان رویاروی «دستگاه» قرار خواهد داد که یکی از دو هموارد ناگزیر از ترک میدان خواهد شد.

### سالگرد جنگ اول گنبد

نشریه اتحاد کار شماره ۳۷ بمناسبت سالگرد جنگ اول گنبد چندین مصاحبه توسط رفیق مصطفی مدنی با تعدادی از رهبران وقت سازمان چریک های فدائی خلق انجام داد.

## در نقد عملکرد و مواضع...

سحابی، یزدی، پیمان، امیرخسروی و شریعتمداری و همفکران شایسته است توجه کنند اگر روندها بسوی نرد که حق حضور و فعالیت نیروها و گرایش های مختلف در درون سیستم حاکم به ولایت فقیه تحمیل شود، اگر کار بجائی نرسد که در رقابت این نیروها نه رای و حکم شورای نگهبان، که رای و حکم مردم در انتخابات تعیین کننده گردد، چنانکه دیدیم و هست بسیار بعید است در کشاکش میان احزاب اپوزیسیون و حاکمیت رای و حکم مردم فرصت یابد که تعیین کننده گردد.

شرکت مردم در انتخابات و رای آنان به خاتمی بزرگترین ضربه به ولایت فقیه - پس از انصراف خاتمی از مرجعیت - بوده است. اهمیت تاریخی این ضربه در آنست که نه به رای و حکم و تشخیص ولی فقیه که علی رغم آن و به رای و حکم و تشخیص مردم رئیس جمهور تعیین شد و این تشخیص درست مردم در گزینش جهت وارد آوردن ضربه اصلی است که امید به گشایش را در دلها برافروخته است.

نگرانی من - و نیز بسیاری از آقایانی که رای سفید و یا عدم شرکت را توصیه کرده اند - این بود که نکند این کار آنقدر مؤثر افتد که ناطق نوری از خاتمی پیشی گرفته و رای راهبر غالب شود. باورم اینست که اگر این آقایان - و یا اعضای شورای مرکزی ما - تأثیر حرف خود را تعیین کننده می یافتند در آن بیشتر تأمل می کردند و عجیب مدتش آن تصمیمی که قوتش در ضعف تأثیرش نبهفته باشد.

### تلنگر ۲۰ میلیونی

این انتخابات یک تلنگر ۲۰ میلیونی به ذهن رخنوت گرفته رهبرانی بود که به تحمیل یا تحمل استبداد تا آنجا خو گرفته اند که تو گوئی دیگر توان آن ندارند که دریابند این جامعه تا کجا متحول شده است. چه در بعد جامعه شناسی و چه در ابعاد سیاسی.

تأثیر این تلنگر بر ذهن «رهبرانی» چون رجوی یا خامنه ای که همچنان مسحور مقام خویش اند یا دیگران که چیزی این چنین برای از دست دادن کمتر دارند از بنیان متفاوت بود. این تلنگر باعث شد آقای خامنه ای هوای بسط قدرت را از سر بدر کند و حفظ آن را چاره یابد. او غم انگیزانه مدعی شد - و چاره ای نداشت - که این ۳۰ میلیون رای همه در واقع رای به رهبر بوده است. اما مضحک تر واکتش رجوی است. او می گوید: «تحریم پیروز شد! فقط ۶/۵ میلیون رای به صندوق ها ریخته شد». معنای این حرف یعنی حفظ قدرت در سازمان مجاهدین مسأله روز او است نه کسب قدرت از حاکمیت. راستی را که سخت گذشت آن لحظات نیمه شب تا بامداد سوم خرداد بر اینانی که سهم خویش از قدرت برایشان تنها ملاک حقیقت است.

تأثیر اعلام نتایج انتخابات بر رهبران دیگر جریان های سیاسی بکلی چیز دیگری بود. این تلنگر ۲۰ میلیونی به یک آن گره های سرد نویدی و نگرانی را به لبخند امید و انتظار فرا رویانند. مروی کنید بر شماره های قبل و بعد از انتخابات تمام طیف وسیع نشریات اپوزیسیون از کیهان لندن گرفته تا کار و راه کارگر و اتحاد کار و غیره و غیره تا که دریابید که چگونه این مردم در چشم رهبران دیگر همان نیستند که تا امروز تصور می شدند.

خوشحالم از اینکه نتایج انتخابات به شورای مرکزی ما نیز شهادت آن را داد که آن شادی پنهان پیشین از تصور امکان غلبه خاتمی بر ناطق نوری را به ضرب این تلنگر ۲۰ میلیونی از دل برون ریزد و خود را در شادی مردم سهیم ببیند.

## انتشارات مهر



بزرگترین  
کتابفروشی ایرانی  
در اروپا،  
به اطلاع  
هم میهنان گرامی  
می رساند.

به مناسبت بیستمین سال فعالیت های فرهنگی خود، از تاریخ سه شنبه ۲۰ ماه مه ۱۹۹۷ کتاب های چاپ ایران و خارج از کشور را با تخفیف کلی تا ۵۰ درصد عرضه می نماید.

(کلن) Tel: 0221/219090  
Fax: 0221/2401689

نشانی: Blaubach 24, D - 50676 Köln, Germany

این که تن به حکومت آنها نمی دادند، دوم اینکه خودسرانه زمین ها را تسخیر و میان خود تقسیم کرده بودند و سوم اینکه تحت رهبری کمونیست ها قرار گرفته بودند. رفیق مهدی فائور که در این رابطه با مسئولیت هیاتی مرکب از اشرف دهقانی، مستوره احمدزاده و محسن مدیر شانه چی، مهدی سامع و امیر مبینی به منطقه گنبد اعزام گردیده بود، بطور مشروح جزئیات اقدامات این هیات را در رابطه با نمایندگان آقای طالقانی، همکاری با هیات دولت در گنبد و چگونگی خنثی کردن تلاشهای کمیته چپ های متعصبی که خواهان ادامه جنگ بودند را تشریح نموده است.

### چپ و گذار به مردم سالاری

به دعوت تلاشگران جامعه باز روز ۲۸ ژوئن در محل دانشگاه نورانکفورت سیناری با عنوان «چپ و گذار به مردم سالاری» برگزار خواهد گردید. سخنرانان عبارتند از آقایان: مصطفی مدنی، عبدالرضا کریمی، جمشید طاهری پور، مهرداد درویش پور، بهمن شفیق.

### آگهی

به مناسبت برگزاری جشن بیست و ششمین سالگرد بنیانگذاری سازمان، از شماره ۱ تا ۱۵ دوره سوم نشریه کار در سه مجلد بصورت یک مجموعه تهیه و عرضه شده بود. چند دوره از این مجلدها هنوز باقی مانده است. علاقمندان می توانند با ارسال حواله بانکی معادل ۲۵۰ مارک آلمان و آدرس دقیق پستی خود به آدرس نشریه کار، این مجموعه را از ما دریافت دارند.

جهت اطلاع از شماره حساب بانکی سازمان به صفحه ۱۰ مراجعه کنید

### نوار ویدئویی جشن بیست و ششمین سالگرد

نوار چهار ساعته ویدئویی جشن بیست و ششمین سالگرد بنیانگذاری سازمان، شامل بخش های پرسش و پاسخ مسئولین، سخنرانی سیاسی و برنامه های هنری، آماده توزیع شد.

علاقمندان می توانند با ارسال مبلغ ۳۰ مارک (۲۵ مارک قیمت نوار و ۵ مارک هزینه پستی) و نشانی خوانای خود به آدرس نشریه کار سفارش دهند.

## آخر کار دولت بنیادگرایان و محافظه کاران در ترکیه

دولت ائتلافی نجم‌الدین اربکان و تانسو چیلر اکثریت خود را با خروج یکی از نمایندگان حزب «راه راست» - حزب چیلر - و پیوستن به حزب مام وطن در مجلس از دست داد. از آغاز ائتلاف بنیادگرایان اسلامی با حزب «راه راست» این سیزدهمین نماینده مجلس است که خروج خود را از حزب راه درست بر سر مواضع اسلامی دولت اعلام می‌کند. پس از خروج این نماینده از صفوف حزب «راه راست» اربکان و چیلر سعی کردند با حزب افراطی «اتحاد بزرگ» به توافق برسند و از این حزب دعوت کردند تا در دولت مسئولیت بپذیرند.

چیلر و اربکان جمعه هفته گذشته پس از خروج نماینده معترض در یک ملاقات قرار گذاشتند که در ترکیه انتخابات پیش از موعد برگزار شود. بر سر تاریخ انتخابات بین دو طرف اختلاف وجود دارد. اربکان اصرار دارد که در اول اکتبر انتخابات برگزار شود ولی چیلر که در ماه‌های اخیر حزبی به شدت نفوذ خود را در میان مردم از دست داده است خواهان این است که انتخابات در بهار سال آینده برگزار شود. دلیل دیگر چیلر برای به تعویق انداختن انتخابات اجرای قرار قبلی دولت ائتلافی مبنی بر تعویض نخست‌وزیر پس از یک سال در چارچوب دولت ائتلافی است که به او امکان نخست‌وزیر شدن می‌دهد.

اربکان نخست‌وزیر ترکیه در ماه‌های اخیر به شدت از سوی ارتش تحت فشار قرار دارد. ارتش ترکیه مکرراً از اربکان می‌خواهد که مواضع بنیادگرایانه خود را به کناره‌بند و بر اصل جدایی دین از دولت مبادی چیلر که در آخرین جلسه شورای امنیت ترکیه، ژنرال‌ها اربکان را مجبور کردند تا ۱۶۱ افسر بنیادگرا را از ارتش اخراج کند و قرار قبلی مبنی بر تعطیل شدن مدارس قرآن در ترکیه را اجرا کند.

پنج‌شنبه هفته گذشته بیش از سی‌هزار نفر از طرفداران اربکان در استانبول در سالگرد پیروزی مسلمانان در سال ۱۴۵۳ میلادی بر مسیحیان در یک استادیوم ورزشی گرد آمدند و به دخالت ارتش در امور سیاسی ترکیه اعتراض کردند.

## ترکیه شمال عراق را به تصرف درآورد

دو هفته پس از یورش نظامی تجاوزکارانه ترکیه، ارتش این کشور، ۲۰۰ کیلومتر در خاک عراق پیشروی کرد و تمامی راه‌های کنترل منطقه‌ای را که در جنگ آمریکا علیه عراق به عنوان منطقه حفاظتی کردها شناخته شده بود، در اختیار گرفت. علیرغم ممنوعیت پرواز در خط ۳۶ درجه، بمب‌افکن‌های ترکیه بارها به این مناطق حمله کردند و همچنین تنها مرز قابل عبور و مرور برای غیرنظامیان بسته شد.

در پنج سال اخیر، ترکیه بارها به کشور عراق حمله کرده است. این بار حزب دمکرات کردستان عراق با ژنرال‌های ترکیه متحداً به یورش علیه کردهای دیگر و در پی شکار اعضای حزب کارگران کردستان ترکیه PKK برآمدند. جنگ‌ها به مرکز عراقی - کردی اربیل کشیده شد. منابع مخالف حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی می‌گویند که این حزب تمامی فعالیت‌هایی را که تصور می‌رفت به PKK نزدیک هستند ممنوع کرده است و روزنامه هفتگی «ولتا» را نیز بسته‌اند. روزنامه آلمانی TAZ به نقل از شاهدان عینی می‌نویسد که به هنگام یورش دسته‌ای از حزب دمکرات کردستان عراق به یک دفتر فرهنگی کردها، ۵۳ تن از حاضرین به رگبار بسته شدند. در واکنش به این حمله دولت عراق کردها و ترکمن‌ها را از شهرهای کرکوک و خاتقین اخراج کرد. آنها را سوار بر کامیون کرده و در مرز تحت کنترل کردها رها نمود. گفته می‌شود که اخراج ترکمن‌ها به دلیل حمایت مالی وسیع ترکیه از فرستاده‌های رادیویی و تلویزیونی است که در این منطقه به پخش برنامه و موسیقی ترکی می‌پردازند.

به دلیل قرارداد همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل، سوریه و ایران در مورد حمله ترکیه به عراق به شدت ابراز نگرانی کردند. سوریه اعلام کرد که روابط خود با دولت عراق را به حالت عادی در خواهد آورد و مرزهای دو کشور را باز می‌کند. جمهوری اسلامی ایران با تمرکز ارتش در مرزهای بین دو کشور عراق و ایران، در پی جلوگیری از تجاوز ارتش ترکیه به بهانه تعقیب اعضای PKK برآمد. جلال طالبانی رهبر جبهه میهنی کردستان عراق از دولت ترکیه خواست که در صورت تلاش برای ایجاد رابطه و آشتی بین این جبهه و حزب دمکرات کردستان عراق، امنیت مرزهای ترکیه توسط این دو حزب تأمین خواهد شد. ژنرال‌های ترکیه معتقدند عملیات خود را تا زمانی ادامه می‌دهند که تمامی این مناطق در کنترل حزب دمکرات کردستان عراق بیفتند.

## طالبان به سختی شکست خورد

ادامه از صفحه اول

در صد خاک افغانستان در دست آنان بود. تنها در پنج شیر و دو استان تخار و بدخشان در شمال خاوری در دست پرهان‌الدین ربانی و احمد شاه مسعود، بودند. امید طالبان در یورش به بدخشان آن بود که بتوانند در دره پنج‌شیر که دهانه آن در ۱۰۰ کیلومتری پایتخت افغانستان است، راه تاجیکستان را بروی نیروهای احمد شاه مسعود، ببندند، و آن‌ها را با کمبود خوراکی روبرو کنند. یورش طالبان با واکنش نیرهای احمد شاه مسعود روبرو شد. روز پنج‌شنبه گروه‌های پیرو مسعود در جابل سراج، که در ۸۰ کیلومتری شمال کابل است، به نیروهای طالبان یورش بردند. پیش از آن در روز چهارشنبه ۸ خرداد طالبان در پی درگیری‌های سخت با نیروهای حزب وحدت اسلامی و ژنرال عبدالملک از مزار شریف پس نشسته بودند. این نخستین بار بود که طالبان وادار به از دست دادن شهری شدند، که پیش از آن گرفته بودند. بر پایه گزارش‌های تایید نشده در این درگیری‌ها صدها تن کشته شده‌اند. گفته می‌شود عبدالرزاق، رهبر طالبان و ملا محمد قوس، «وزیر خارجه» آنان یا دستگیر و یا کشته شده‌اند. برخی کارشناسان می‌گویند یادآوری شمال در برابر طالبان دیر آغاز شده است، چرا که طالبان ۳۰۰ تن از خاک افغانستان و ۳۰۰ تن از مدارس دینی در پاکستان برای یورش به شمال گرد آورده‌اند. بخشی از این نیرو به دشواری خود را به تونل سلنگ رسانده است. گرچه نیروهای هوادار احمد شاه مسعود دهانه بین دو سوی کوه‌های بسیار بلند هندوکش را ترکانه‌اند، نیروهای طالبان توانسته‌اند با بالا رفتن از این کوه‌ها به شمال برسند و به سوی شهر پل قمری پیش بروند. از سوی دیگر احمد شاه مسعود و نیز رهبری حزب وحدت در تلاش بر آمده‌اند تا با میانجی‌گری نوربرت هل، نماینده ویژه سازمان ملل با طالبان گفتگو کنند. بر پایه واپسین گزارش‌ها نیروهای احمد شاه مسعود توانسته‌اند دو شهر استراتژیک جبل الساروج و گل‌بهار را از طالبان بازپس گیرند.

## پیروزی چشم‌گیر ائتلاف چپ در انتخابات «نشست ملی» فرانسه



لیونل ژوسپن و دو بر او وهران پیروز ائتلاف چپ در فرانسه

خوهند داد، پس مناسب‌ترین زمان برای برگزاری انتخاباتی با نتیجه رضایت‌بخش برای راست‌ها هم اکنون است.

حساب او درست از کار در نیامد.

نتیجه انتخابات به روشنی نشان داد که سرمد رفرم‌های یک سال پیش، اعتراضات سراسری و گسترده خویش و بی‌اعتنایی رئیس‌جمهور شیراک و نیز نخست‌وزیر دست‌راستی وقت به این اعتراضات را به فراموشی سپرده‌اند.

اینک باید شیراک با نخست‌وزیری کار کند که در بسیاری از زمینه‌ها دیدگاه‌هایی متفاوت از او دارد و قول‌هایی به مردم داده است که شاید بیش از این دیدگاه‌ها با نظر داشت

اتحاد چپ در فرانسه انتخابات نشست ملی، مجلس این کشور، را به سود خود رقم زد و توانست ۳۲۸ به مجلس به‌فرستد. حزب سوسیالیست فرانسه در این انتخابات توانست به تنهایی به ۵۱ درصد آرای مردم دست یابد حزب کمونیست فرانسه ۳۶ کرسی و سبزها ۹ کرسی به خود اختصاص دادند. در مجموع چپ‌ها، شامل حزب سوسیالیست، حزب کمونیست، سبزها، سوسیالیست‌های رادیکال، جنبش شهروندان و چپ‌های منفرد توانستند ۳۲۸ نماینده به نشست ملی ۵۷۷ نفره بفرستند. کمونیست‌ها ۱۳ نماینده بیش از دور پیشین به مجلس فرانسه فرستادند. سبزها برای نخستین بار است که نماینده‌ای به نشست ملی می‌فرستند.

نتیجه‌های انتخاباتی حزب لوپن «جبهه ملی» یک نماینده در مجلس خواهند داشت. نامزد آنان در شهر تولوز به نمایندگی انتخاب شد. دیگر احزاب راست روی هم ۲۲۸ کرسی به دست آوردند.

انتخابات در دوم روز یکشنبه ۱۱ خردادماه (ژوئن) برگزار گردید. در دور نخست این انتخابات که یک هفته پیش از آن در روز یکشنبه ۴ خردادماه (۲۵ مه) برگزار شده بود، اتحاد چپ توانسته بود پیشی اندکی بر راست‌ها بگیرد. پاره‌ای بر این نظر بودند که نتایج انتخابی تعیین‌کننده پیروز انتخابات خواهند بود و رای آنان مشخص خواهد کرد چه کسی اکثریت را دارد. فرانسوی‌ها خیال آسازگرایان و

## مبارزه انتخاباتی در الجزایر:

### صدای مخالف تحمل نمی‌شود

● مردم با به تفاوتی به انتخابات می‌نگرند

روز پنجشنبه ۵ ژوئن انتخابات پارلمانی در الجزایر برگزار می‌شود، در این انتخابات ۳۸۰ نماینده مجلس این کشور انتخاب خواهند شد، این انتخابات در حالی برگزار می‌شود که از آوریل تاکنون بیش از ۵۰۰ تن از مردم در ترویرها و محلات و قتل‌عام توسط گروه تروریستی اسلامی GIA به قتل رسیده‌اند، هم‌زمان دولت لیامین زروال رئیس‌جمهور ایمن‌گرای، با ایجاد دسته‌های نظامی و ترور متقابل روی دیگر خسارت در این کشور است. خبرهای ترور در رسانه‌های گروهی کشور سانسور می‌شود، «کمیسون مستقل ناظر بر انتخابات» هرگونه تخلف از این امر را توسط نامزدهای نمایندگی با ممنوعیت تبلیغات جواب می‌دهد. حزب رئیس‌جمهور «جنبش ملی - دمکراتیک» که از امکانات دولتی وسیعی استفاده می‌کند و از حمایت نظامیان برخوردار می‌باشد، بیشترین اهرم‌های تبلیغی را در دست گرفته است.

«جبهه نیروهای سوسیالیست» که به دلیل جو غیر دمکراتیک در کشور، انتخابات در دوره‌های قبل را تحریم کرده بود، این بار در انتخابات شرکت می‌کند. FFS جزو اولین نیروهایی بود که به دلیل مطرح کردن بحث موارد اختلاف در انتخابات گذشته و برخورد دولت با نیروهای تروریستی مورد سانسور واقع گردید. حتی کسانی که بعنوان ائتلاف در انتخابات شرکت می‌کنند، خوش‌بینی زیادی در مورد تغییر وضع ندارند. یکی از رهبران «نیروهای سوسیالیست» می‌گوید: «ما در انتخابات شرکت می‌کنیم تا از نظر سیاسی به حیات خود ادامه دهیم و در حاشیه قرار نگیریم. ۷۷۴۷ کاندیدا و ۳۹ حزب به ظاهر نمایانگر پولاریسم است ولی حقیقت خلاف آن است، همه چیز از بالا دیکته شده است». ظاهراً هم در انتخابات پارلمانی چیز زیادی برای بردن وجود ندارد، چون تمام تصمیمات مجلس باید توسط مجلس بنا به دو سوم آرا تأیید شود و یک سوم نمایندگان مجلس سنای رئیس‌جمهور منصوب می‌کند.

اپوزیسیون امیدوار است که با ایجاد مرکزی در مجلس بتواند خواسته‌های مردم را منعکس کند. علیرغم تبلیغات شدید دولت مبنی بر انتخابات سرنوشت‌ساز و پایان دولت گذار خبرگزاری‌ها از بی‌علاقگی مردم نسبت به شرکت در انتخابات خبر می‌دهند. فشار اقتصادی در یک سال

سه‌شنبه هفته گذشته در پاریس در ملاقات بین سران کشورهای عضو پیمان ناتو و سورس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه قرارداد امنیتی نوینی امضا شد. با امضای این قرارداد روسیه از مواضع تاریخی خود پیرامون عدم گسترش پیمان ناتو در اروپای شرقی دست برداشت.

ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه در یک سخنرانی مطبوعاتی گفت: ما امروز واقعا صلح را عملی کردیم. یلتسین پس از امضای قرارداد این اقدام را پیروزی سیاست عقل سلیم در صحنه جهانی خواند ولی در ادامه گفت که همچنان به گسترش ناتو با دیده منفی می‌نگرد و این اقدام را در رابطه با حفظ امنیت جهانی ضروری نمی‌داند. قابل توجه است که با امضای قرارداد از سوی روسیه این کشور رسماً مقاومت در برابر گسترش پیمان ناتو را به کنار نهاد.

در قرارداد ذکر شده است که یک شورای مشترک که در آن روسیه نیز نقش خواهد داشت تمام مسائل امنیتی

گذشته به دلیل اجرای سیاست بانک جهانی مبنی بر حذف سوبسید از قیمت مواد اولیه مصرفی مانند غله، شکر، روغن و شیرخشک بر مردم تشدید شده است.

بعد از شرکت نسبتاً وسیع مردم در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۵ و عدم پیش‌برد سیاسی توسط دولت که توانست در جهت حل معضلات اجتماعی و سیاسی جامعه باشد، عدم اعتماد به سیاستمداران کشور تقویت شده است.

شده است.